

پیوست: دارد

## اصول حکمرانی موفق برحسب نظریه از نیت تا عمل برابر مثلث "نیت، نظریه ، عمل"

### پیش درآمدی برای اقدام

اصول حکمرانی بر اساس الگو های موفق و مبتنی بر عقل برهانی حجت نما (visible Reasoning) یک بحث جدی و یک ضرورت تام (Complete necessity) برای کشورهائی است که هم اکنون ویا در آینده بلحاظ مختلف به مشکلات متعددی مبتلا شده و برای رهائی از مشکلات موجود به اصول آن محتاج بوده و نیاز مند تامل دقیق در مضمون ، متن و محتوای آن برای بکارگیری آنها بطریق استصواب عملی سازند و نهایتاً منجر به صدور احکام اقتضائی در برون رفت از معضلات مبتلا به گردند، لذا این موضوع چون امری در خور یک امر واجب بوده و مسئولی مجاز به درنگ ویا متوسل به روش های منسوخ شده ویا تدابیر عادی و عرفی و معمولی اداری و توصیه هائی مبتنی به علوم حسی- ابطالی و یا آنچه امروزه از عناوین پرطمطراق ، مکتب هائی ( Isms ) که الگوی عملی و با اقبال جمعی نداشته و باید با ارائه مدل هائی متقن در زمان و مکان مقتضی خود در موضوع دفاع ، امنیت ، سیاست ، اقتصاد ، امور اجتماعی و فرهنگ برای ملت خود موثر و مفید باشند و اینکه با یک کلید به عنوان شاه کلیدی برای هزاران قفل گوناگون و مختلف از لحاظ هویت و سنخیت و غیره که هرکدام در تعارض با دیگری است ، انشاء و حکم صادرکنند دور از صواب است که بدیهتاً به معنی مفتاح الفرج العاجل ( The key to the immediate opening ) نمی باشد و بر حسب اقتضاء که گاهی صبر مفتاح الفرج است ویا گاهی اولئك يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ که مبتنی بر سوابق موثر، موفق و مفیدیت هم سنخی علت با معلول است که همان قاعده علیت و سنخیت را بذهن متبادر میکند و دراین رابطه محققان دلسوز هر کدام با کلام و ادبیات و گویش های خود ، این مراد عقلانی را بیان کرده اند که اصالت بیان، به حکم عقلا مقصود به مراد کلام متکلم می باشد ، که گاهی نقدی تند را میطبد و گاهی سنخی نرم ، که آن تندی ویا آن نرمی مراد متکلم نیست که نقد کردن موضوع برای حکم مراد است که بجای اینکه نقد شنوده آنرا به جان و دل پذیرا باشد و تامل کند که مراد از چینن نقدی ، تفکیک صحیح از سقیم بوده و همان تمیز کاری مورد درخواست کننده است که اینک زمان از دست داده و حالا زخم به استخوان رسیده ، گویا تاملی حاصل شده است که این نقودی بجا و جواهر نشانندن ماهرانه بوده و توأسی گرانمایه از گران مایگان که برحسب "تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ " کما ای اوصی به اولهم آخرهم " به لحاظ شاخص ها ، مناط های فنی و خبره میان رشته ای که همان داروی موثر و مفید مقتضی زمان خود بوده ، **نه مسئله ایراد گیری که مهمات حل مسئله به اقتضای زمان و مکان و تغییرات دربردارنده آنها است که گاهی با بی اعتنائی و سبک شمردن مراد ناقد ، قفلی بر قفل های موجود اضافه میگردد** و این سبک و سیاق بر حسب اسبق ، سابق و لاحق

اسنادی فراوان از خود بجای گذاشته و بایگانی شده و اینک مدل های بیان میشود که خودشان تعارضی سخت با آرمان امام امت (ره) بیانگذار حکومت جمهوری اسلامی دارد، توصیه های حکیمانه رهبری، دکترین و استراتژی های توسعه همه جانبه کشور و بیانیه های محققان دلسوز مملکت و خواستگاه شهیدان و مجاهدات این مرزبوم ایجاب میکند، به نحوی از انحاء که ناشی از تعارضاتی بوده است که موجب رخدادهای ناگوار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کل و جزئیات شده و منجر به نارضایتی، عدم اعتماد بخش غالبی از مردم را نسبت به اثر بخشی این گونه مدل ها نموده که بدون توجه به مضامین معتبر مربوط به دین و آئین الهی، حال مظنون و غیر قبول در عمل بوده و نیز عدم توجه در اصولی که مستلزم توازن قوا و امکانات سرشار و گنج های نهفته معنوی و مادی این سرزمین زرخیز است، این چنین متون و محتواها انشاء شده و میشود و مدل هایی که قبلاً در شرایطی صدها هزار برابر سختتر توسط رهبران و ملل شجاع جهان، راستی آزمای شده و آنان را از بلیلات هولناک نجات داده است، وقعی نهاده نشده است، این نقود که از قلم هزاران دلسوزان کشور در میلیون های صفحه بیان و مسطور شده، با نامه های مکرر پستی یا مجازی ارسال گردیده، یا خوانده نشده، یا نخوانده بایگانی شده (مثل صد ها اسناد رهنما) ولی محققین دلسوز به کیان دین و کشور، آنها را مطالعه کرده و نُسَخِ مراد از آنها به صدور قواعد تنظیم نموده و معالیل حاصل از دلالت ها و محمول های حقیقی بر حسب علیت تراکمی که یقینی و وقوع واقعیت نما بوده و ذاتاً رابطه سنخی بین علت و معلول را دربر داشته است، از بطن این دانشنامه بایگانی شده بیرون کشیده و به مدلهای یا قواعد و یا دستور العمل ها مبرهن عیان ساخته و از صدر تا ذیل به مصادر امور کشور ارسال شده که قسمت کار این مبدع از مطالعه دوترا بابت و به میزان یک میلیون صفحه مضمون، متن و محتوا بالغ بوده که یک جزئی از کارنامه محققان گرامی این کشور محسوب میشود.

### پیش درآمد های برای قضایا و فرضیات متقن بحث ( Discourse )

**الف:** قضایا و احکام و فرضیات از جمیع جهات بر حسب چلچراغ معرفت ( در شکل زیر) کامل و تامه است، به عبارت دیگر قرار نیست در علیت تراکمی که جهات مختلف در اصول و فروع آن مطمح نظر بوده با نظری بلند به بلند نگری امام امت (ره) و مندرج رسائل این شخصیت ممتاز تاریخ معاصر، بسیاری از صاحبان نظر و عمل در این رساله مذکور بوده است و بررسی تمام حوزه هایی که مستلزم مطالعه و تامل در اصول و فنون ضروری در قضایا و فرضیات ما را تشکیل میدهد، به شیوه مجاهدت و رعایت اصول دیانت و تقوی و دیدگاه های نظری و عملی آنها در دو بعد متافیزیکی و فیزیکی، یا به عبارتی که خوشآیند برافراختن نگاه خاصان به عنوان ایدئولوژیکی و یا هستی شناسی طبیعی، شیئی، تکوینی، و قوای جسمانی و پاره های مجازی از دستگاه حسی و از این قبیل باشد، از 30 سال پیش جستجو توسط این مبدع، آغاز شد، که پاسخ جامعی برای جامع نگران باشد نه تکیه بر اجماعیات مردود، تا مدل های دلفی و نظایر اینها که برارنده حکمرانی جمهوری اسلامی ایران بر حسب دکترین استعلائی، راهبردهای بلند نظر گاهی، غایت نگرگامی اهداف منبعث از خیرالدنیا و الاخره بوده و خیر و شر را از منظر های مختلف پایش، نظارت و جستجو کرده که مفهوم تامیت و جامعیت و مرجعیت و اینگونه مطالبات را پاسخ بدهد، اجالتاً به شکل 1 در زیر التفات شود:

شکل 1 در زیر چلچراغ یا منظومه معرفت و راهنما را نشان میدهد که هر یک از این منظومه ، خود یک زیرمنظومه ای در تشریح منظومه کلی دارد معرفت چیست ؟ همان "باور صادق موجّه" ( True ) Justified belief که در کلمه "شناخت" (Knowledge) تا واژه "فهم" (Understanding) با ادبیات و هرمنوتیک های متفاوت و زبان های مختلف مستفاد شده ولی فراسوی آن به معنایی وسیع تر از باور صادق توجه به دانستگی های بی شمار دارد ، فهمی که تصدیق را در بر دارد چه با دستگاه حسی درک شود و چه از اقیانوس درون تا به معنای صدق (truth) رسیده و خلاف آن اگر به معنای کذب (untruth) فهم نشود ، معرفت حاصل نمی شود.

شکل 1: چلچراغ معرفت



1. الهیات
2. حکمت متعالیه
3. فلسفه استعلائی
4. عقل حجت نما
5. مُقَدَم یا UKRM
6. انسان
7. علم مفید

8. متافیزیک
9. فیزیک
10. شریعت
11. تکوین
12. حکمرانی
13. عرفان شهودی
14. عدالت
15. علم
16. دانش
17. فناوری
18. حقیقت
19. واقعیت
20. روش
21. کلام
22. تعلیم و تربیت
23. حرکت
24. زمان
25. مکان
26. لاهوت
27. جبروت
28. ملکوت
29. ناسوت

30. ماده

31. انرژی

32. طبیعت

33. آسمان

34. زمین

35. محیط زیست

36. نباتات

37. حیوانات

38. منظومه ها و کهکشانها

39. فنا دنیوی

40. بقا و جاودانگی

چهل منظومه از ارکان رکن هستی راه گشا برای رفع مشکلات انسان و حیطه پیرامونی او ، کلید های گشایش قفل های بسته و در طبیعت و قوانین تکوینی خود با هم تلازم ، تعادل ، همگرایی ، هم افزایی داشته و مولد ثروت و قدرت هستند ، اینان که از منظومه بی کران هستی آیات نمای کل و جزء هستی هستند ، در اختیار انسان و مخلوق خالق و مجاز به "سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ" هستند ، چه جایگاهی انسان دارد که اکثر قریب به اتفاق این جایگاه را درک نمیکنند ، شرطش درک است ، بمحض درک توسط انسان ، پنجره های راهنما گشوده شده و کلید های افتتاح قفول اعطاء میگردد ، من امام امت را در چنین جایگاهی دیدیم و به او متعقد شدم و دانستم که هر چه بخواهد میشود ، و تازمانی که بود ، این چنین بود.

کل هستی ازلی و ابدی دربر گیرنده منظومه های فوق است که درتوصیف و تشریح هر یک از آنها ، به منظومه های فراگیر از اجزاء آنان مواجه میشویم ، انسان برای فهم ، کشف و شهود و تسخیر این منظومه نا محدود هستی آفریده شده ، آیه 13 سوره جاثیه "وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" یعنی : و آنچه در آسمانها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست. در این کار نیز برای مردم با فکرت آیاتی (از قدرت الهی) کاملاً پدیدار است. ( He has disposed for you [for benefit] whatever is in the heavens and whatever is on the earth; all is from Him. There are indeed signs in that for a people who reflect. ) خداوند

رحمان چنین تقویضی غیر قابل تصور با دستگاه حسی ، به انسان نموده است ، اگر این رادرک نکند ، کور و کر و گنگ است .

برای چی چنین عطایای فوق عظیمی به انسان عرضه کرد ، آیه 12 سوره جاثیه " اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ " یعنی : خداست آن که برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی به امر او (آسان) در آب جاری شود و از آن (به تجارت و سفر) از فضل خدا (روزی) طلبید و باشد که شکر نعمتش به جای آرید (It is Allah who disposed the sea for you[r] benefit] so that the ships may sail in it by His command, that you may seek of His bounty and that you may give thanks. **کند ، خلاقیت کند و کشف و شهود نماید و برای ابنای بشر، زندگی جنت مکان جاودانه ایجاد کند ، این آیات را در سر قبر ها خوانند ، مجلدات آنرا در سر گرفته و در سفر و همراه آب پرانی ، به آن بوسه زدند ، از این بشر نافرما ، موجودی نافرما بر در این جهان وجود ندارد!** آیا شرط چنین نافرمانی که علم النفس آن در اقیانوس خود انسان نهادینه شده است ، جزء جهنم است ، آیه 28 سوره ابراهیم " أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ / جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقَرَارُ " یعنی : هیچ ندیدی حال مردمی را که نعمت خدا را به کفر مبدل ساختند و (خود و) قوم خود را به دیار هلاکت رهسپار کردند؟/ یعنی به دوزخ که بدترین جایگاه است درآیند. ( Have you not regarded those who have changed /Allah's blessing with ingratitude, and landed their people in the house of ruin? (Hell, which they shall enter, and it is an evil abode!

این حقایق بخش کوچکی از وضعیت انسان ناتوان بوده که در عین حال با توانائی نامحدود ، در کره خاکی به بحران های مرگ باری دچار شده است ( به هزاره ثلاثی از بحران ها و چالش های بشر امروز بشر از این مبدع مراجعه شود - در وب سایت) ، انسان مدعی علم و فناوری که اندکی توانسته به تسخیر جهان بپردازد و آنهم از طریق کسانی که قرآن بسر نکرده اند و از مفاد آن چه بسا بی خبر بودند و با مراجعه به اقیانوس وجود خویش و کتاب باطن خود ، در مورد کشف و شهود و آشکار سازی و ساخت سخت افزار و نرم افزار در حیطه فیزیک موفق شدند و کسانی که این آیات و مبینات را قرائت کردند ، کاسه گدائی گرفته و از همان اهالی فیزیک دان به گدائی پرداختند و از متافیزیک نیز درکی درستی توسط انسان ، در روی کره زمین ، انجام نشد و محصولات اثر بخش آن برای سعادت بشر تولید نگردید، خداوند رحمان به قلیل رضایت داد و از رحمت و اسعه خود به شاکر و کافر دریغ نکرد ، مگر در مواردی که در چلچراغ خواهد آمد، آیه 13 سوره سبأ " وَ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ عَ اَعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا عَ وَ قَلِيلٍ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ " یعنی: آن دیوان بر او هر چه میخواست از (کاخ و عمارات و) معابد عالی و نقوش و تمثالها و ظروف بزرگ مانند حوضها و دیگهای عظیم که بر زمین کار گذاشته بودی همه را می ساختند. (و گفتیم که) ای آل داود شما شکر و ستایش خدا به جای آرید و (هر چند) **از بندگان من عده قلیلی شکر گزارند.** ( They built for him as many temples as he wished, and )

figures, basins like cisterns, and caldrons fixed [in the ground]. 'O House of David, (act thankfully, and few of my servants are grateful.'

پیروان امام امت (قدس سره الشریف) برای این جوهر هستی و گوهر افشانی منظومه های نورانی مکلف گردیدند که **طبق قاعده " تکلیف ، حقوق ، ایفای حقوق " و مطابق آنچه امام سجاد علیه السلام در رساله خود** فرموده و آنچه از این منظومه برای توسعه و پیشرفت و دادن الگو به سایر ملل و تمدن آینده ، **باید قیام شود** و این هستی که خداوند منان به اراده خویش آفرید ، در بسته ای از خلقت برای بزرگ داشت آنچه به خود احسن الخالقینش فرمود ، مسخر انسان کرد ، این چنین بزرگ داشتی برای انسان بود که شایستگی خود را در قبال این تحسین و رحمانیت و رئوفت به منصف ظهور برساند ، **که انگار شایستگان دیگری در خطه جهانی نیستند که چنین بار امانتی را بدوش بکشند** ؛ نه با کوچک داشتن و حتی پست داشتن این عظمت ، از سوی بسیاری از آدم های روی زمین ، موجب آن شود که هدف آفرینش از خلقت آدم و اهداف تبعی آن مورد غفلت قرار گیرد، مسلماً دنیای پوزیتیویسمی (Positivism) با منطق حسی- ابطالی (Sensorylogic - falsification) غربی که با بن دندان در دانشگاه ها و سیاست و اقتصاد کشورها رسوخ کرده است ، درک و توان و استعداد چنین گرهر افشانی را نداشته و مستعد برای انجام تکالیف سنگین آن نبوده است ، **این قرعه بنام ما زده شد** ، آنکه رهبری و هدایت بنیان این سکوی پرتاب به عهده گرفت ، با اتکال به خداوند ودانائی از جنس خبرگی میان رشته ای ، ژرفا و پهنای کار اندازه گرفته و در محاسبات خود ، **امت وسطی را مخاطب خود داده** که خبرش را 1400 سال پیش رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) دارای مهر ختم نبوت ، باذن خدای سبحان در گنجی گرانبها به عنوان دین ناب محمدی (ص) برای رهایی بشر از ظلم و تباهی و در بسته ای کامل از کل و جزء به **امت وسط** آیه 143 سوره بقره " وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۗ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ ۗ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ " که منظور خداوند متعال به عنوان انسان شناسی طرح ، امت وسط را به امت عادل ، بهترین امت ها، رئیس، محور و سرور همه مردم دنیا قرارداد، امت الگو و اسوه و امت دارای عقلانیت برهانی حقیقت نما تعبیر و تفسیر شده است، امتی با اعتدال ، با اعتقاد ، با احکام مقوم در تمام عرصه های حکمرانی ؛ با اخلاقیات ناب ، ممتاز ، برگزیده ، واسطه بین مردم و رهبری ، دایرمدار ارکان حکومتی و شاهد و ناظر اعمال مردم و گواه آنان در آخرت و خلاق در تمام ابزار های ملهم از منظومه چلچراغ معرفت و... باشد ، و با رهنمائی امام امت تا جائی که امت وسط میاندار دولت و حکومت و میادین دفاع مقدس و مجاهدت های بی دریغ بوده است ، خوش درخشیده و از پیر و جوان وزن و مرد این امت مخلصانه ، بازدارنده نظام مقدس از هجمه های مختلف دشمن شیطان پرست و چپاول گران و... بوده است و وقتی با غفلت های و بهانه ها بدتر از گناه ، **شالوده امت وسط قطعه قطعه شد** و بخشی به دفاع مشغول و بخشی به همیاری مومنانه و بخشی به ...پراکنده و بعضی در گوشه عزلت و بعضی به دیار باقی شتافتن .داستان های جدائی ، دو ضربه مهلک و کاری به ساختمان نظام وارد شد، اول پاشیدگی امت وسط که هنوز قوام و بنیه لازم نگرفته از هم گسیخته شد ، و دوم بیگانه بمعنی اعم آن از داخل و خارج ، مصادر امور را بدست گرفت و **این دوضربه مجموعه بزرگی از بردارهای زیگزاکی با اکوسیستم های متنوع** ،



جهت های متضاد ، چگالی های متفاوت ، به ساخت زنجیره ها کلونی ولابی های بین آنها به عنوان حلقه های وصل ، وضعیت فعلی را بوجود آورد ( **نامه به این قریب با همین دلایل بطور مفصل به ریاست محترم سازمان صدا و سیما وبیت رهبری ارسال نمودم ، پاسخی داده نشد** ) ، اینها تجارب تلخی از غفلت ها است ، ملی دیر نشده است ، قابل جبران مافات است ولی احکام جبرانی آنرا ملاحظه نمیکنم و این موضوع نگران کننده است . چرا نگران هستم ، برای اینکه دنیا آستان حوادث ناگواری است که چه بخواهی و چه نخواهی ، دامن نظام ما را هم در بر میگیرد وامکان دارد ، که قوائی که میتوانستیم با هزینه کمتر فرصت های بی شمار به توسعه داده و یا خلق کنیم را برای بازدارندگی مقتضی ، **غفلت شده است** به لیست زیر توجه شود:

**دنیا آستان چه خطرات ناگواری در آینده است از هنرهای فیزیک در زمین**

1. جنگ جهانی سوم ترکیبی از هسته ای سایبری و بیولوژیک است
  2. بیماری های ناعلاج جهان صورت همه گیری جهانی
  3. تراریختگی یا فجایع بیولوژیکی در سلامت و بقای انسان
  4. تشدید فساد و چپاول گری در جهان
  5. تخریب لایه اوزون و محیط زیست و مسئله گرمایش زمین و اثرات تخریبی آن
  6. بروز بحران مالی های جهان و سایر بحران در هزاره ثلاثی از این مبدع
  7. قحطی و گرسنگی رو به توسعه جهان
1. طوفان های تکنولوژی و بروز طوفان های ذرات مسموم کننده
  2. خطرات فیزیکی متعدد
  3. رشد نامتوازن اقتصادی در جهان
  4. ضدیت با روشنگری در سیاست های بی عدالتی
  5. انفجار جمعیت و ناتوانی مدیریت آنان که در مدل UKRM به تفصیل آمده است
  6. رسیدن جمعیت به 16 میلیارد و فاجعه غذایی
  7. ریاست اینترنت بدون عدالت در جهان
  8. سرشت اخلاقی بشر بدتر خواهد شد



9. شدت شکم پرستی و شهوت رانی
10. افزایش ازدهای ظلم بر علیه آزادی و عدالت
11. مدیریت نامفید و نا عدالت
12. حوادث تلخ مقدراتی
13. اقتصاد به سمت بی عدالتی می‌رود
14. کلونی‌ها و لابی‌ها بیشتر می‌شود
15. خطرات ناشی از ذرات 450 عدد در یک میلی مکعب فضا و آتش‌های فضائی مثل جنگل‌ها
16. مشکلات جنسی و هم جنسی
17. افزایش داروهای خطرناک و مرگبار
18. مدیریت ریسک به هوش مصنوعی داده می‌شود که خود حافظی ثروت سرمایه داران باشد
19. تغییر در حافظه جمعی با داده‌های کلان
20. پروتکل‌ها و قراردادهای پنهانی
21. نهاد های مالی بجای نهاد های حکومتی جهان
22. سیطره ابزارهای مالی شدت می‌یابد
23. عملیات تروریستی افزایش می‌یابد و سطح امنیت کاهش می‌یابد
24. افزایش مدیریت ریسک نا برابر
25. سیاره‌های دیگر اثرات ناگواری بر ما خواهند داشت
26. اکوسیستم و احتمال عصر یخ بندان
27. انفجارهای مهیب زمین و آتش فشانیهای مرگبار
28. انقراض حیوانات وحشی و اهلی
29. سایر موارد وزیر مجموعه‌های این حوادث

آیا ما زمینه های لازم را برای بهره گیری از قوت های ظهور در نظام خودمان در همه حوزه لازم بطور متوازن ایجاد کرده ایم

ب: نیت

همانطور که در طلوعه بحث ملاحظه شد بین نظریه های اصولی ما با سایر نظریات مکتب های دیگر و بخصوص مادی گرا ، **حُسن نیت یک لنگر نگه دارنده نظام محسوب میشود** ، بحث لنگرهای نگهدارنده نظام در نوشته های خاص خود به تفصیل آمده است، نظام های دیگر عمدتاً از قاعده " نظریه و عمل" (T&P) به شرح و بسط قضایا و فرضیه های که باید دایر مدار حل مسائل باشد ، شروع میکنند ، شاید بتوان در قلمرو فیزیک محض ، از این قاعده استفاده کرد که از نظر این مبدع ، این استثناء نیز غلط است که در جای خودش بحث شده **و مصادیقی نظیر اثر ایدئولوژیکی یا متافیزیکی قضیه در فرایند و ساخت ابزار های فیزیکی مداخلت پیدا میکند ، قوای نظامی جمهوری اسلامی ایران با سایر قوای نظامی کشورهای دیگر در این موضوع ، تفاوت های ماهوی محسوسی دارند و رویکرد های تسلیحاتی این دو گونه قوا از لحاظ آفندی و پدافندی متفاوت است و نیات حرام و حلال ، واجب و غیر واجب و غیره ، در این ساخت و سوز تسلیحات و نحوه رزمایش ، تاثیر چشم گیری دارد ، از نظر ما نیت که آغاز گر کار نظام است و نظریه از آن انبعاث پیدا کرده و فعل از آن برانگیخته میشود ، فقط مسئله اخلاقی نیست ، غایت های فراوان و مصادیق فراوانی بای ایجاد نظام ایجاب میکند و با فقدان هر یک از آنها توسط هر شخصی که در نظام جولانگاهی دارد ، یک ضربه برداری به کالبد نظام اصابت میکند .**

بنابراین تعریف " نیت " در چارچوب مسائل اخلاقی ما از بسیاری از مولفه غایتی و عملی و هدف دار موضوع بنیادین "نیت" که اثر بازدارندگی استوار و پایداری دارد ، غافل میکند و همین غفلت از شالوده های اصلی قوام دهنده نظام است که به صرف پندارهای اخلاقی از اصول نیت ، به مماشات ، اغماض و رهاشدگی بسیاری از حیثت های نظام و بخصوص در قبال کسانی که نام و نشانی در نظام پیدا کرده اند را از دست میدهم که **مصادیق آنها در طول 41 ساله انقلاب اسلامی فراوان است** ، نیت انگیزه ایجاد میکند ، حرکت ایجاد میکند و صاحبش را بسوی عمل می کشاند و گاهی بدون اینکه فرضیه متقن و راستی آزمونی داشته باشد که بسیاری از نیات به عمل منتهی گردید از اینگونه است ، نیت مثل مباشر انسان عمل میکند ، ولی معلوم نیست که منشاء نیت از ضرورت های حکمرانی است یا قصد و غرض دیگری ، نیت برای این باید به نظریه تبدیل شود که الزاماً به شاخص ها و مناط همگرا با سایر مولفه های نظام باعث مفیدیت و ارزش باشد ، علت وجود نیت ، می تواند از انتزاعات ذهنی ، و سوسه شیطان ، دنیا پرستی ، القانات خارجی ، و یا براندازی نظام و عکس اینها باشد ، **کلامی که مراد عمل این چنین نیتی است ، همان حق گویی ولی مرادش باطل باشد ، اینجا نیت انسان شناسی انقلاب و انقلابی در چارچوب های حقیقی الزامی است .**

بحث نیت که امیال نهفته هدف شخص در کمون روح انسانی یا علم النفس وی است ، خیلی مهم است، نیت بطور کلی هم نظریه پنهان دارد و هم عمل بر وفق آن نظریه و کار انقلاب در این مورد ، از لحاظ

انتخاب مواضع استصوابی در قانون و مقررات ، انتصابات ، مدیریت و ماموریت ها و غیره کاری سخت و نباید با مماشات و اغماض روبرو شود که بمعنی پایمال کردن ، مقاصد نظام است که کسی مجاز نیست ، چنین بذل و بخشش نماید ، نیت موضوعی نیست که توسط روانشناسی های متعارف امروزه تعیین هویت شود ، آنقدر که با حسن و قبح رابطه دارد که با شناخت های نرولوژی (Neurology) ارتباط ندارد ، لذا به صراحت عرض میکنم که نیت یک بحث روانشناسی نیست روان شناسی نرونی عصر حاضر در مورد متفاوت الهیات کور است، کسی نیت بر اندازی دارد، نقد های آتشین نمیکند ، خودش را دوست مملکت و دوستان دشمن معرفی میکند و دل بدست می آورد ، آنکه دشمن نظام را بی آبرو کرده و میکند، سولبش مملو از چنین مجاهدت های منافقانه بوده است ، ولی محقق دلسوز و آگاه، گر چه در حضر و غیاب شما را نقد میکند ، دوست شما است ، بحث نیت شناسی فرد حداقل سه واحد درسی است که توسط اساتید خبره میان رشته ای در هردانشگاهی الزامی است و در گروه دروس واجب عینی است پیرامون اینگونه نظرات در متوازن کردن امکانات کشور بحث های مفصلی در آینده به سمع و نظر شما میرسد .

نیت شخص به عنوان شخص داعی و برانگیخته شده محسوب میشود و عمل به نیت ، غرض نهائی آنست ، برابر این عمل به جرم و نظریه پردازی و طرح ریزی و چگونگی انجام نیت ، قبل از عمل به نیت در اطوار شخص عینیت پیدا میکند ، تعریف و تمجید کردن و ارادت نشان دادن و از این قبیل خود را معتمد نشان دادن ، مصادیقی هلاک کننده تا کنون داشته است وقتی «نیت» را به معنای داعی می گیریم، مسلما وجود خارجی و عینی مطلوب، مراد نخواهد بود. چرا که تحقق خارجی و بالفعل مطلوب هنوز حاصل نشده و متاخر از نیت است و چیزی که وجودش متاخر است، نمی تواند انگیزه و داعیت برای صدور متقدم باشد، این گونه تعبیرات غلط بر خلاف احکام الهی ، مشکلات فراوانی را برای حکومت اسلامی در حوزه قضا و قانون گذاری ایجاد کرده است، درواقع باید بگوینم که محققان اسلامی بخود زحمت نداده اند که علم کشف تطبیق بین نیت و اثرات تاخیری نیت را در عمل داعی ارزیابی کنند ، منتظر هستند که نفر از غرب این قضیه را حل کند و ما تقلید کنیم ، چنانچه وقتی این مبدع در مورد پروژه ی یقینی ویا استاندارد معنوی با سازمان مربوط ، درگیر بودم ، این فقره در غرب شروع شد ، همانطور که دانش وسیع حضرت امام صادق (ع) به غرب رفت و آنها توسعه داد و ابزار های منسوخ شده ناشی از این علوم را بما با قیمت گزاف فروختند.

مدیران ، محققان ، نوآوران و نظیر اینها تا موقعی که به علم النفس خود آگاهی نیابند ، همواره ممکن است درتله نیات شرّآلود و جرم گرانه قرارگیرند و نفس سقوط کند ، نیت در صعود و سقوط نفس نقش کلیدی دارد ، پیدایش مفاهیم کلی عقلی و بخصوص برهانی و به اصطلاح "معقولات ثانیه" ، فعلی از افعال نفس ما محسوب می شوند که فی حد نفسه امر مادی و محسوس نبوده، با حواس ظاهری ارتباطی ندارند، با توجه به این مساله، جزا و پاداش اعمال اختیاری نیز تبیین می شود. اگر ملاک خوبی و بدی عمل، عنصر نیت باشد که «انما الاعمال بالنیات»، ملاک جزا و پاداش عمل نیز همین عنصر خواهد بود. چه در دنیا و چه در آخرت تکلیفی در حکمرانی است یعنی هر چند یک عمل ممکن است از نظر ظاهری و صوری و از ابعاد مادی ناچیز دیده شود، اما ممکن است نیت عمل چنان آن را ارزشمند گرداند

که موجبات تحصیل سعادت ابدی انسان را فراهم آورد و نیز ممکن است یک عمل با این که از نظر صورت ظاهری، بسیار بزرگ و عظیم جلوه می نماید، با توجه به آنچه گفته شد، مساله پاداش و کیفر جاوید اخروی نیز تا حدی قابل تبیین است. امام خمینی فرمود: "مردم را با زنجیر به بهشت ببرید"، همان حکمی به امپراطوری فیجی به سامورانی ها دستور داد و منطبق با نظام امپراطوری طبیعی و تکوینی جهان است. در فصل مربوطه مباحث لازم را از قرآن و گوهر گویان نمایندگان خداوند متعال، حکیمان و محققان در باب نیت تا نظریه و عمل خواهد آمد اینگونه تدوین شیوه تدوین مضامین؛ متن و محتوا و حتی داده پردازی در باب حکمرانی از طریق قانون و مقررات در نظام ها باید ساری و جاری شود.

### ج: نظریه

منشاء فرضیه و نظریه چیست و چگونه باید در مضامین، متن و محتوای قضایای حکمرانی و تمام ابعاد مبنایی آن بکاررفته و پس از راست آزمائی و شناخت محک های اثربخش آنها در عدالت پروری، تولید مفیدیت عام و تضمین سعادت مردم بکار رود

منشاء فرضیه یا نظریه (Theory)، از ضرورت ها، حقایق، لزوم سلب و ایجاب، نسخ و ابداع، قوانین شهودی تغییر، حرکت جوهری و صدها اصطلاح فلسفه استعلائی، حکمت متعالیه، و قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) که این قواعد از ابداعات این مبدع است، میباید و تعاریف دیگر معانی غلطی دارد که کسی یا کشوری را که از سوء ثمره این چنین پرت و پلاها (هذیان گفتن، نامربوط گفتن، پرت گفتن، بی رویه گفتن، ول گفتن، پراکنده گفتن) از چاله ی هستند به چاله بعدی که عمیق تر و اسفل تر است، سقوط میدهد، غلط فهمی از متن و محتواهای ذهنی و انتزاعی بدون توجه به مضامین، دال و مدلول ها و محمول های آن، هزاران بدبختی و مصیبت برای کره زمین و ساکنان آن ایجاد کرده است و این یک اشکال بزرگ جهانی در لیست هزاره ثلاثی مربوطه از این مبدع است، که منشاء آن فرضیه های غلطی از شناخت جهان هستی بوده و یکی از دورریزهای ضروری حکمرانی ها است که باید به زبانه دان تاریخ افکنده شود که این مبدع در بحث جامعی به عنوان "منسوخات ضروری و اصلاحی" در سایر نوشته های خود آورده است و این درحالی است که برحسب همین فرضیات غلط، با طبایع و نفسانیت انسان ها با قوه تضارب افکار و یا همان دیالکتیک سقراطی، به قانون، مقررات و آئین نامه ها تبدیل کرده و بساط فعلی را برپا کرده است که عمدتاً برخاسته از مکتب ها و ایسم های غربی بوده که نیت شوم دشمنان اسلام و قران را در جان و دل ملت ها نفوذ داده و موجبات ساختاری نمودن فساد و تباهی را فراهم آورده است که بازدارندگی از این فرایند های زنجیره ای و فعالیت سوء اثر آنها، با اندرز گوئی، دادرسی های ساده و اصلاحات اداری و اقدامات معمولی قابل حل نیست و در تشدید و سرعت گیری وجهش های ناگهانی از این آتش نهفته است و این درحالی است که تمامی کفرجهانی برای نابودی نظام جمهوری اسلامی صف آرانی کرده اند.

لذا فرضیه صرفاً یک نظر است که تا راستی آزمائی نشود ، ارزشی ندارد ، چنانکه ارزش علوم و فنون به ارزش معلومات و محصولات مفید آنستوگر نه افتخاری برای این دارائی عبث نیست و این هشدار را خدای منان داده است در آیه 115 سوره مؤمنون " أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ" که چون تدبر در قرآن با تفسیرهای محدود و عموماً عبادی و عنایت به ترجعون یا صرفاً آسمانی بودن آن ، مفاد تضامنی آن در روی زمین ، در بین مسلمین ساری و جاری نشده است، چه برسد که حکمرانی از مفاد قرآنی که فریاد امام امت (ره) را در رسائل ایشان در آورده است ، در اینجا باید که به موضوع مدل که از اخلاف فرضیات است توجه شود ، مثل های ریاضی توجیه گر ، یا سرهم کردن چند عبارت پی در پی که منشائی از قوانین طبیعی و تکوینی نداشته و یقینیتی آن را پشتیبانی نمی کند ، که مناشی این قوانین هستی برای خلایق انسان از حضرت "من تشا" باشد، ولی وقتی از حکمرانی اسلامی و قرآنی داعیه داریم ، نباید این دواعی از ظنون باطل و بدون حقیقت نشاء بگیرد و منشاء " نشت و نشاء حقایق شود که جهل آن منبعث از جهل محض و مرکب بجای علیت تراکمی که اگر طاعنی در ایشان از سر انصاف در این حقایق نگاه نکند و به تحقیق و تدقیق منشاء حقد و بغض ایشان بازنجوید، خود منشاء معدن صفات ذمیمه و منشاء اخلاق سیئه و ردیله در وجود نفس آدمی شده و منبع صفات حمیده کور و منشاء اخلاق حسنه روح، نشت به دیار دیگری میکند که طالب دارد ، منشاء شکوک در ماشالله و انشاء الله که در دیار ما ، از سوی بسیاری از دنیا پرستان به سُخره گرفته شده است بیشتر آن که کسی کار خداوند بر کار بنده قیاس کند و در واقع قیاس به نفس دنیا پرستی انسان است که **اینک در زنجیره کلونی ها ولابی های بین آنها نهادینه شده و منشاء توحید نورانی حکمرانی اسلام را مشوش نشان داده و نور مشاهده عظمت در دیدگاه آنان خاموش شده و منشاء علمی نور توحیدی که مراقبت های دین و دولت را مختل کرده و آشفته بازاری راه انداخته که با تسلیحات نظامی و موشک های نقطه زن نیز بر طرف نمی شود ، با این قیاس مع الفارق که تمثیلی بی مثال بوده و در طریقت امثله عذری نیست ، بیانی از طرح قوت ها و تراز بین قوا و همگرایی بضاعت بمیان میاید که حائز اهمیت در تجدید حیات حکمرانی قرآنی است و اصول ناب اسلام محمدی (ص) ، که در چنین طرح و برنامه های نابی است که دیگر جائی برای دماغ های پریشان ، حواس پرتی ها ، روح های آشفته و هرگونه تشویش های کنونی و آتی نمی ماند و الگوی شود برای این دنیا که چون دریای مشوش است که به بازار قرمز لقب گرفته است (Red market) و این قرمزی اینک در حیطه ها و حوزه های دیگر رخ نشان داده است .**

اعتبار سنجی مدل های آماده برای بهره گیری از آنها مسلم، قواعد هزار گانه از قواعد های یقینی مدل (UKRM) است که بحث تفصیلی آن بالغ بر یک میلیون صفحه مضامین ، متون و محتویات مربوطه میباشد که بموقع خواهد آمد و دانشی وسیع و مضبوط و رسا در باب اعتبار سنجی و ارزیابی انطباقی آنها در مقیاس های حقیقی و یقینی بوده ، این الگو از مدل های نشئت گرفته که ربطی از خارج مشوش ، الگو گرفتن از ابواب تشویش گرانه که باب معتبری نیست ، نمیباشد مگر اینکه مناط شناسی شود ، کون و فساد شناسی فنی لازم است ، غرایز مدل ساز و شکالیت وی در یقینیات حقایق و قدرت دماغی او در فهم مطالب حقیقی ، و غیر حقیقی و بسیاری جهات مطمح نظر است ، **آسان گیری و آسان فهمی و ساده لوحی ، کارهای الله بختگی ، و نظایر اینها باید از ساحت مقدس حکمرانی متصف به اسلام و قرآن زدوده شود و گر نه از**

اخبار ناگوار آتی آن حیرت خواهید کرد ، ما در کلیت نظام هستی نیازمند فهم درستی از توازن قوای طبیعت ، مراتب تکوینی آن ها و منطوقی که مدلول صریح آن است که مدلول مطابقی یا تضمینی کلام میباشد، گاهی خلاف مصالح مملکت و گاهی توضیحات و اضحات و آنهم در محضر فیلسوف ، حکیم و محقق دانا است که از زمرات توهین محسوب میشود و مفهوم و منطوقی از صفات مدالیل ندارد ، لفظی در غیر محل نطق بر آن دلالت میکند و تضمینی برای اثبات و ابقاء کلام نیست و قوانینی که چنین وضع میشود ، اصلاً اصالت مفهوم قانون به معانی مختلف و صریح ندارد ، **دستور العمل های مقطعی و اداری و محتاج نسخ و جایگزینی اقتضائی میباشد . در اسلام مبانی فرضیه سازی و مدل سازی ، مربوط به امور خلاقیت آن نیز مبتنی بر دستگاه شهودی مقدر شده ، اقیانوس معرفتی علم النفسی و آگاه بخشی حضوری که نهایتاً تکیه بر تقوا و مشاهده از پنجره های هدایت قرآنی و حکمت آموزی آن دارد ، تقوای سیاسی بدون این مراتب فهمی بدست نمیدهد ، و از فرضیه های داروینی ، فرویدی ، کارنابی و پیویری و ... غرب کشف و شهودی در جهات سعادت حقیقی بشر حاصل نمیگردد و آنچه تاکنون حاصل شده با ریاست شیطان بوده است که در دانشگاه های ما، جزء مواد دروسی آنهاست و دلیلی بر عدم توازن بین آنچه اهالی شهادت طلب پیروی میکنند که لرزه بر اندام دشمن می اندازد و خاستگاه های دشمن در سایر حیطه ها که این فرضیه ها و مدل ها لانه کرده است .**

**د:** بدیهی است که "الاعمال بالنیات"، در بحث نیت اندکی بیان شد و شرح مفصل به مقتضای این رساله یا شرح جزئیات علمی و فنی آن در سایر نوشته ها آمده است ( در 300 مقاله و ده ها رساله و غیره که قبلاً تدوین و ارسال شده است ) ، بعضی از محققان عالیقدر با رجوع به فرمایشات ائمه معصومین (ع) ، بین نیت و عمل ، ترازوی در حد تساوی معنا می بینند که میتوان از کلام نیت کننده ، عزم و جزم آنرا در تحقق فعل او و مرتبط به این قصد و غرض دریافت و مستند کرد که **یکی از مدارک قضائی محسوب میشود**، مثل سوابق شخص از قبیل شناسنامه ، شاخصه های بیولوژیکی ، دی ان ای (DNA) ، انگشت نگاری و غیره است و از طریق مستندات مربوط به شخص و کارهایی که از وی صادر شده است و یا بطریق علم النفسی از کشف و شهود است که در متقین بوجود میاید که باشخص های تقوا تحصیل حصول میشود ، و **این مبدع با تفصیل این مبانی در ابعاد و منظومه های مختلف برای مدیر و مدیریت ، اوصافی را قائل شده است که کاربرد نظری و عملی دارد که در مدیریت های وارداتی که ساخت قدسی مدیر را ملوث کرده است ، پیدا نمیشود و آن بخش از مدیریت و مدیران نظر شهید رجائی باین آموزش های مدیریتی ، تربیت شده اند را در بر نداشته است**،

نظریه عمل گرایی یا رویکرد عملی (Pragmatisme) فلسفی در سال 1870 در ایالات متحده آمریکا نهال کاری شد این اثرات عملی مغرضانه با عینیتی که صاحب نیت برای عنیت آن دارد مفهوم سازی نشده است ، بلکه به ابزار های فیزیکی و نرم افزارها و به تدریج به ریات ها و کنش و واکنش های چنین عمل گرایی مبدل شده ، عمل کرد چنین پارادایمی ، همین است که در شریان ها و اندام واره ها و جای جای مملکت اسلامی و غیر اسلامی به صورت یک همه گیری جهانی (Pandemic) ملاحظه میشود ، از هر ویروسی خطرناک تر است ، ویروس کرونا ، دین شما هدف نگرفته است ، جسم شما را هدف گرفته ولی



این ویروس های شیطانی با روح و جان بشر سروکار دارد ، چنین نییتی و چنین عملی به تبع آن ، یک منظومه تفکر در شخص ایجاد میکند و عقول مختلف و هوش های متنوع ، پشتیبان آن است ، عقل ربوبائی و هوش شیطانی و... که همان تفسیر اثبات گرائی و نقشه های شیطان بزرگ است ، یعنی دجال ، بدون اینکه حضوری داشته باشد با بنزافشانی نفاق ، دروغ گوئی ، نیت سازی و اسلام گریزی از طریق رسانه های معاند و اینترنت ، در آئینه مردمی با نیت ، که آن "من" خود را نمی بیند ، این دجال را مشاهده میکند **که حق کشی و چپاول گری و پول درآوردن بهر وسیله و تزویر برای او مباح است تا روزی که نامش در لیست سرمایه داران ضبط و ربط شده و اعتبارات ( Prestige ) بعدی را هم نصیب خود کند .**

در گفتار و استادی سخن، چنان از عمل گرائی خود کردار خود سخن میرانیم که شاهکار خلاقیت است و موضوعات ذات اشیاء ، مفاهیم و معانی ، اعتقادات و قالب های آنرا در اذهان عموم ترسیم میکنیم که می خواهد هر چه زودتر به بازار رفته و این امتعه ضرور زندگیش را سهل و آسان با قیمت دیروز و یا چندروز جلوتر و درعالم رویا ، باقیمت های سال پیش ابتیاع کند که آه از نهادش بر میاید و یاد بچگی هایش می افتد که خوانده : "دو صد گفته ، چون نیم کردار نیست - سعدی" که این مبدع این میزان سنجی را با محاسبات سنجش نمود و دریافت که یکصد کلمه در تراز به میزان 25% کردار و در دوصد گفتار به میزان 50% کردار است و حیرت کرد که سعدی چه کشف و شهود هائی از علم النفس خود داشته! ، کلیه تصورات، مفاهیم، قضاوت ها و نظرات ما قواعدی برای "رفتار" (پراگمائی) ما هستند، اما "حقیقت" آن ها تنها در سودمندی عملی آن ها برای زندگی مامطلب دیگری است که این مبدع در دامنه وسیع علم مفید و برای مدیریت مفید از مفیدیت های دنیا گرد آورده است و فهمیده است که مفیدیت در سراسر جهان وجود نهفته داشته و حق و حقوق نیز وجودی در لفافه های باطل ، ولی کیست که برای تجلی این حقایق قیام کند و این کار از مناصب ریاست جمهوری و برتر و هم ترازهای آن بالا تر است ، آنچه ما شاهد هستیم ، از دیدگاه پراگماتیسم، معیار حقیقت، عبارت است از سودمندی، فایده، نتیجه و نه انطباق با واقعیت عینی، در واقع حقیقت هر چیز به وسیله نتیجه نهائی آن اثبات شده ، تلقی میشود ، **دولتمردان و سیاستمداران "پراگماتیست" به کسانی اطلاق می شود که امکانات عملی و مصلحت روز را بر معتقدات مقدم می شمارند و به عبارت دیگر برای پیشرفت مقاصد خود یا ماندن بر مسند قدرت، انعطاف نشان داده ، مماشات و اغماض کرده و در سطح اسفلی شریک هم میشوند.**

### ح: توازن و تعادل در حیظه های مولد قدرت

در متوازن کردن و متعادل کردن مولد های قدرت و منابع قدرت در بخش دفاع ، جمهوری اسلامی ایران دارای برگ برنده است موضوع دفاع از حقوق مظلومین و مستضعفین با نگاه فراملی و فرامنطقه و جهانی درقرآن ، بیانات راه گشای امامان معصوم (ع) ، پیامبران الهی و در صدر این شجره کبیره و مطهر ، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، فقهای متدبّر در آیات الهی و محققین اسلامی ، در دفاع از حقوق مسلمین ، کتب و دست خط ها و مسطوراتی ارزشمندی بجا گذاشتند که کمتر محققان آنها خوانده و برگگی از افاضات مدیریتی در دروس مدیریتی جهان نیست ، لیکن اقصائات زمان که موجبات تغییر و تحول و تبدیلات را فراهم آورده است که بموجب اینتغییرات بنیادین ، ساختمان شاخص ها و مناط های فنی



واستاندارد ها برای مدیریت فراهم شود و آنچه که قبلاً متن بوده به محتوای مربوطه تکامل پیدا کند و محتوا با محمول ودالات مضامین قوام گرفته و استوار و پایداری بیشتر بیاید و سرفصل های نوینی در مدیریت و آنچه عقلاً و شرعاً مقتضی بوده به لباس عمل آراسته گردیده و در تصمیم گیری ها و عزمی و جزمی ، به بلوغ برسد ، **جوامع اسلامی در غفلت بسر بردند و هنوز هم در باب الهیات ، ایدئولوژی ، و غیر آنچه فیزیک است یعنی متافیزیک ، خلاقیت های لازم را در مهندسی این گنجیه های ثروت ملل پیدا نکرده که بجای اسکناس های بی ارزش به لحاظ ذاتی ، سکه های طلا و نقره در دست ملت باشد و حیفه دلار را نداشته باشند که سالیانی دراز در سرزمین اسلامی این چنین بوده است.**

بحث توازن و تراز بندی (Balancing)، بحثی گسترده و وسیع در سراسر جهان بوده و مقالات و کتب مربوط به این بحث از رکورد های میلیاردی بیشتر است ، ولی آنچه باید فهمیده شود و نیز عمل شود ، بدلالی که بخش اندکی از آن گفته شد ، کتابخانه ها را سنگین کرده است ، که خطر فرو افتادن کتابخانه های کهن و مدرن به دلیل انیرسی یا لختی غیر قابل تحمل و یا موربانه خواری میان ستون های چوبین و غیره ، وجود دارد ، تا کنون بسیاری از ابنیه که بعضاً قدسی بوده ، فرو ریخته است ، کاش همانطور که علوم و فنون رئیس مذهب شیعه ( بقول خود غربی ها " مغز متفکر شیعه" ) ، حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام ، دزدیدند و برند و علوم فیزیکی خود را از آنها مستفاد نموده و بالنده کردند ، این بخش متافیزیکی را هم به شاخص ها و مناط های فنی و استاندارد معنوی تبدیل و به لباس عمل مزین میکردند که سرعت یک عمل مباح علمی در شرق و غرب بوده و ادامه دارد و **این گونه مالکیت های معنوی ، یک کلاه دیگر بر سر ما بوده است** ، ( سید جمال الدین آسدآبادی از سفر های خود به ارپا چنین یاد میکند " که من در آنجا دیدم ولی مسلمان ندیدیم و در کشور های اسلامی مسلمان دیدم ولی اسلام ندیدم " که از این سخن متضاد گونه این شخصیت الهی فهم میشود که **قرآن و اسلام مربوط بیک قوم و کشور نیست ، جوهریافتنی در هر جا و حتی در تنهایی غریبانه است ، چونکه آفریدگار در معیت ما و این معیت هستی در کل هستی و قلب انسان مهبط خداوند متعال بوده و کمی فهم و قوت ایمان و استعداد عقلی می خواهد که هرکس در هر جای به این بارگاه شرف یاب شود .**

آنچه در انتهای گزاره فوق مسطور شد را سبک و خیالی نپندارید که در نوشته های چند ، شاهد رگه های از نشت و نشاء و نفوذ در ارکان غرب دیده ام که شدن این تراز بندی و انتقال آنچه ما مدعی هستیم ، روزی در آزمایشگاه های غرب ، راستی آزمائی شده ( همانطور که بعضی آیات چنین فهم شده ) ، و اسلام و مسلمان یک جا متعلق به دیاری شود که امروز ازدشمنان ما شمرده میشوند ، در آزمون الهی ، این دشوار فهمی ها ، آسان شده است . بحث تراز بندی عرض و طول بزرگی بمثابة هستی دارد ، جهان هستی متعادل است ، خدا رحم کرده یک جای کوچک برای آزمون انسان از کل هستی تخصیص یافته است مه زمین خاکی اش مینامند ( بنابر فرمایش مولی الموحیدین حضرت علی علیه السلام ، زمین های زیادی در جهان با آدم های و یا موجودات مربوطه است ) ما در این آزمون وارد کنکور جهانی شدیم ، کدام زمین نمره قبولی میگیرد ، چه آدم هائی در روی کران زمینی ، چه کشوری و یا کی و چگونه در روی این ، **این مسئله مهمی است که در جای خودش پردازش میشود .**

متوازن کردن قوای نظامی با قوت های اقتصادی ، سیاست داخلی وخارجی ، صنایع ، فرهنگ وغیره از الزامات حتمی است ، در این مورد نیاز به دکترین متوازن کردن قوت وفرصت های نظام بوده که بموجب آن استراتژی های ترازبندی آغاز شود ، منابع این تراز کردن به لحاظ فیزیکی وجود دارد به لحاظ متافیزیکی از ممکنات است، ما فقدان رهیافت داریم ، یک عدم تعادل نگران کننده ، افکار محققین کشور را در گیر کرده است ، از نظر این مبدع ، باید بین فیزیک به معنای اعم آن و متافیزیک با هر عنوانی که خوش آینده دوستان است ، باید آشتی بر قرار شود ، **این یک فرصت از هزاران فرصتی است که خداوند متعال به خاطر منابع خاص مادی ومعنوی به جمهوری اسلامی ایران داده است** ، لذا ممکنات به لحاظ ذاتی حتی در بسته های هیبریدی ممکن است ومحصولاتش صلاحیت ظهور دارند ، فقط مر بوط به همت اشراق نیست ، در غیر صورت حیات وتجديد وتوسعه آن معنائی نداشت ، خداوند متعال موجودات ممکن از نیستی وعدم ایجاد کرد ، قطعاً با علم ودانائی خداوندی خود به خلق هستی پرداخت ، قوت واستعداد خلایق را بما انسانها عطا کرد که بموجب آن به این خلایقیت آحسن ومبارکا فرمود ، یقین ما سست است وگر نه در یقینیت وتقوا، کیمیا در انتظار ما است ، چرا نداریم ، برای اینکه یقین وتقوا نداریم !، آنچه داریم ذره ای از آنچه باید داشته باشیم ، است ، در عوض خیلی چیزهای مادی داریم که مزاحم ما هستند ، به داشتن های این چنینی ها دل خوش نکنیم که نداشتنش ، صواب است ونگران آن چیزها باشیم که نداریم ومی توانیم داشته باشیم ، اگر داشتیم ، **آن موقع می فهمیدیم که تراز کردن از سوی ما سخت وغیر ممکن نیست.**

#### و: منشاء تفکر

منشاء اثر در هر موضوعی مثبت یا منفی ، ایده های جدید ، ونظایر یک موضوع فلسفی است ، ایده یک شخص نوآور از آنجا شروع میشود که بدنبال تحقیق آن باشد که چگونه ایده خود را به منصفه ظهور برساند ، **بدون فکر پیرامون این موضوع ممکن نیست** ، از این رو گفته اند که انسان مساوی با فکر است همانطور که عمل انسان مساوی با نیت اوست ، **اگر مقصود از نیت ، ظهور عمل است ، مقصود از تفکر ، ظهور اثر است** ، همه مردم دنیا در هر جای دنیا ، به دنبال منشاء همین اثر هستند که اساس ان فلسفه است بخصوص فلسفه استعلائی وحکمت متعالی که در غرب حاضر در علوم حسی – ابطالی ، محلی از از اعراب وجود ندارد که برای کشوری یا ملتی که فهم آن را داشته باشد، یک فرصت محسوب میشود ، خداوند اندیشیدن را مثل هوا ، نور خورشید ،اکسیژن وبعضی دیگر به عدالت بین بندگان خود توزیع کرد، اگر قرار بود که این ها هم در طرح های لجستیک عدالت توزیعی ( به مقاله این مبدع در این مورد مراجعه شود) به بندگان خودش در کره زمین واگذار کند، یک شبه عده زیادی قتل عام میشدند ، تفکر یا اندیشیدن که به همه بطور رایگان عطا شده است ، مثل خوردن نیست که هر کس هر چیزی که گیرش می آید ، بخورد ، این بیماری جسمی می آورد ، **ولی این یکی جنون بیار می آورد ، ترس از جنون ، یک داروی شفا بخش است ، همان ترهیبون ذاتی الهی است که بموجب درک وعمل به آن ، اسلام هراسی بقیه دشمن را گرفته وخواب ناز رابرای او ،"خواب وحشت" کرده است .**

از نظر فلسفی موضوع عدالت توزیعی بین قوا برای تراز کردن کل عدالت کشوری به اندیشیدن و استعداد‌های خاص خودش بر عکس تراز‌های هیبریدی جهان، کاملاً بر عکس است در نظام هیبریدی، خداوند رحمان، دنیا را بگونه‌ای توزیع کرده است که یک کشور را صاحب نفت کرده و یک کشور را محتاج به آن نفت کرده است، کشور محتاج به نفت، چیزی دارد که کشور صاحب نفت باید با او همکاری و مشارکت کند و با کامله الوادی با او قرارداد مودت منعقد کند، بنابراین موضوع خود کفائی و خود اتکائی، موضوعی رد شده است، اینکه نیت اش را به عمل برساند در مقایسه به ایده به عمل از طریق تفکر به این سهولت نیست و اثر آنهم به مقیاس " نیت نه عمل" نیست، دامنه اثر فکری که به داکترین، استراتژی‌ها، مسائل ژئوپلیتیکی و از این قبیل مسائل منطقه‌ای و فرامنطقه‌است، طیف‌های دگرگون‌کننده دارد، که ذیلاً شرح مختصری آمده است، به عبارت دیگر فرصت‌های فکری به قدری زیاد و فراگیر و پیر اثر است که **اگر ما مشاغل سخیف خود را رها کنیم و به این فقره از ادبیات تفکر پردازیم و آنچه در قرآن و در فرمایشات ائمه موصومین (ع) آمده است بکار گیریم، کره زمین برای ما کوچک جلوه میکند و خیال پرواز به کرات دیگر، فکرمان را درگیر خود خواهد کرد، اساس کشف و شهود و اختراع و ابداعات و... از این همین جا آغاز میشود و با سایر مبانی استعلائی، استعلاء میگیرد. چه چیز قیمتی را به ثمن بخش از دست داده ایم، اینها گریه دارد، برای این غفلت هم روضه خوانی کنید و یک کمی برای مظلومیت خدا گریه کنید!**

باور کنید چند بار برای مظلومیت خدا گریه کردم، حال خوشی بمن دست میداد، مثل این بود که خدای رحمان، نظاره‌گر این اشک‌ها بود، شاید بهترین آلا بذكر الله تَطْمِئِنُ الْقُلُوبُ نصیب انسان میشود، بگذریم از این معبر عشق که حسین علیه السلام با شایستگی از آن گذشت و نمره بیست گرفت، این تفکر به عدالت تقسیم شد بدون ذره بخل و این انسان کودن است که بخود این خست را روا داشته است، مشکل ما همین جاها است، **که نعمات بی کرانه داریم و گاهی کاسه‌گدائی بدست میگیریم، شک نکنیم که نعمت ضایع میکنیم، شک در خودمان بکنیم، که غیر آن هستیم که این "من" در آئینه می بینیم و گر نه حقایق عالم ذاتی و از موارد مشکوک نیست، وقتی علت شناس شدیم؛ با عقل برهانی و حجت نما، یقین را دریافتیم، به دگرگون‌های تغییر راه پیدا میکنیم، اسرار تفکر در این حل این مسائل جهانی است که کثرت دارد، و معرفت بدان قلیل و بدون عشق به معشوق، این اندیشه پر فروغ نمی شود، حجت نما نمی شود، بدون تقوا متجلی نمی شود، اثرات مفید قبل از بروز زمینه آن در حکمرانی، تمدن و فرهنگ و متوازن قوا و... ممکن نیست، اگر چنین نکنیم و نباشیم، اندیشیه با القانات شیطانی آمیزش میکند و مولود آن معلوم نیست چه بلاهای مصیب بار نصیب دولت و ملت میکند، چنین تفکر نابی باید شالوده‌گفتار و کردار ما را بما نمایان کند، برای مهندسی کردن این شالوده‌های به علوم و فنون ضروری و رمز گشای نیاز است، و این نجات بخشی در اندیشه و عمل الگو میشود و در این مسیر تعالی هر نقدی شیرین تلقی شود و هر تکلفی بی جا و برای خوش آمدن زوده میشود که نفاق باروی گشاده وارد شده و با خنجر زدن، پشت میکند.**

**ر: طیف‌های دگرگون‌کننده**

آنچه می خواهم در این رساله موجز مطرح کنم ، مربوط میشود به تغییر دهندگان بزرگ از دیدگاه معرفت شناسی و فهم معرفت که درون انسان را برای پویایی های بزرگ به جنبش وادار میکند ، چون انگیزش های حسی ، منبعث از تحدید های حسی - ابطالی بوده واز قوام وبرانگیختگی تمام قوای حسی ، عقلی ، فراعقلی ، کشف وشهود های باطنی ناتوان است ، آن گنجینه معرفتی که در کتاب وجودانسان مسطور است ، در دستگاه حسی انسان یافت نمیشود وآن مراتب یقینی که انسان را برای کارهای بزرگ تحریص وتحریک میکند که بتوانید به پروژه های بزرگ یقینی دگرگون کننده دست بیابید ، در حیطه تکوین وتشریح ودرون کاوی گنج نهران وجود خودت میباشد ، همانطور که گفتند که "آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم" واز این نعمت عظمی که گاهی نصیب محققین ، دانشمندان ، بزرگان اهل خرد وحکیمان شده است ، **غافل نشویم که دنیا را این شخصیت های فرزانه جهانی تغییر دادند وتغییرات شگفت آینده که بسیار پیچیده تر از گذشته است ، منوط به معرفت شناسان وپرچم داران این گونه دگرگون کنندگان جهانی است .**

**رسیدن به انسان متعالی قصه جان است نه جسم** ، این نوسازی روحی وقوای باطن است که از آن میتوان به حکمت وفلسفه استعلائی ودانش طیفی اشاره کرد ومیرسی به آنجا که میگوئی " یافتم ، یافتم " درک از همان قسمت کوه یخی است که 90 درصد آن زیر آب نهران است ، آنچه در نوک کوه است واقعیت است وآنچه در قسمت نهران کوه است ، حقایقی است که باید کشف شود ، به غواصی در اعماق نیاز دارد ، با اینکه حساب سازی کنی ویا بگوئی ، بقیه کوه ، همان است که مشابه نوک کوه است ، راه خطا را پیموده ای که نظیر مثل افلاطونی است که با انتزاع ذهنی فهم نمی شود ، **چه حق وباطل های در آن نهفته شده وچه ماموریت هائی که تانتانیک شکن است که در هدف آن پنهان است وکلید گشایش گران در دست فطرت است که منظومه همان کتاب عظیم درون است ، تا کاوش نکنی ، گل های معارف آن شکوفا نمیشود و حکمت فراعقلی ، ترا در آغوش نمیگیرد وسطورات کتابت به ظهورآثار کشف وخلق ایده های بزرگ تبلور نمی یابد ( شکل 2)**

حکیم را نباید در تفکر خلاصه کرد ،چرا که کشف وشهود حکیم فراعقلی واز جنس معرفت است ، سخنان جاودانه در رویت واقعیت ها نیست ، بلکه در کشف حقیقت ها است ، که در بادی امر پنهان است ، تا خودت را به حقیقت نرسانی ، قادر نیستی ، سخنان جاودانه به زبان جاری کنی ، این استعداد در ریشه وعمق است ، نه شاخ وبرگ های آن ، از انقلاب درونی توسرچشمه میگیرد ،آنگاه بر زبانت جاری شده وبرای دعوت دیگران ، راه ورسوم فراتقلابی را می جوئی ، **استعدادی برای الهام پذیری است واشتیاقی است برای عشق به دانائی که صاحب گنجی میشوی که کسی نمی تواند ، درچنین حالی است که احساس مفیدیت میکنی ، احساس خیر وخیرخواهی میکنی ، کسی نمی تواند این دارائی را از تصرف ومالکیت تو خارج کند آماده میشوی در این مراتب یقین والهام گیری ، به طرح های بنیادین دگرگون کننده پردازی و خلقی نوین ایجاد کنی.**

از بدی ها گریختی به سوی خوبی ها رهسپار شدی ، دستاورد هائی برای خودت ودیگران مهیا نمودی ، از الفبای زندگی گذر کرده وهرمنوتیک اختر جان ادب خود را تنظیم کرده ودر بلندی رفیعی مقام

یافتی، حقیقت وزیبائی را دریافتی و بدینسان چون پروانگان ، دور شمع وجودیت جمع میشوند و مراتب علت و معلول را برای حل بسیاری مشکلات طرح و برنامه نمودی و جوهر حرکت و پویائی را در وجودت رشد و توسعه دادی و در آستان دانش بارعام یافتی و در این سیر و سلوک از خودت راضی شدی ، انسان ها ، طبیعت و موجودیت ها و خالق آنها را از خودت راضی نمودی ، در علم و فناوری دست پیشی گرفتی ، قدرت ممیزی یافتی و در این انشاء ی نوین ، احساس مینوئی و کیفی وافر پیدا کرده و از جریان طیفی برخوردار شدی و بهشت رفتن خودت را آغاز کرده ای.

اینک به چیزهای نگاه میکنی که قبلاً معنی و مفهوم بسیطی داشتند ، کتاب های خوانده شده خودت را ، دوباره مرور میکنی ، فرق کرده اند و... نه آنها فرق نکردند، توفیق کردی ، دیروز به صورت ظاهر نگاه میکردی ، امروز باطن جلوه کرده است ، به کمک گوش سرت ، گوش دیگری فراخوانده شده و بر چشم هایت ، بصیرتی افزون گشته ، و بر زبانت ، نطقی زیبا جریان گرفته ، عقل دیروزت و تفکرت تعالی یافته است ، خورشید و ماه ، گل ها و چمن ها ، پرندگان و سایر موجودات بگونه ای دیگر دگرگون گشته ، و سار با توسخن گفته و گریه بتو بگونه دیگر نگاه کرده و گویا ، چیز هراسناکی ، تو را نگران نمی کند ، آنکه نهان بود ، عیان گشته ، و در این اعیانیت ، میل به منت حاتم طائی ها نداری ، این برتری و بی نیازی ، آرامشی زایدالوصف به روح و جانت داده که اشک شوق در دیدگانت حلقه میزند ، عجب روزگار خوشی که دیگر شکی نمانده و یقین حاصل شده و اخلاص حاصل شده است ، خوشا که این چنین مسیری پیدا کردی ، مسیر فرزاندگی ، فرهیختگی ، حکیمانه ، خیر و خیر خواهی ، شوق و اشتیاق ، بیزای از بدی و دوست داشتن مفیدیت و خوبی ها، پس تو آن بت درون شکسته و آنرا دست بسته به دور انداخته ، آزادی و سرافرازی را برای آینده ای پرفروغ و پدید آمده ای جدید و مایه امید برای دیگران آغاز کرده اید، **لذا تبریک مرا پذیرا باشید.**

شکل 2





## ز: مفهوم انسان ناطق

زمانی که انسان با حیوان در شاخصه "نطق کردن" مقایسه شد و اینکه فهم کردند انسان ناطق است و حیوان ناطق نیست ، از نظر اینکه حیوان نطق نمی داند و نمی تواند صوت و حرفی بر زبانش جاری کند و انسان تنها موجود زمینی است که ناطق است اگر چه مفلق سخن بگوید ، با تصور باطل ، مفهوم انسان شناسی در چنین مقایسه های بی ربطی به بدفهمی بشر در مورد خودش پی بردیم ، این تصور غلط در دوران بعد که بشر آشنا به چند گونه صوتی از پرندگان ، صوت های دقیق از جانوران ، تصاعد امواج از موجودات غیر انسانی و ارتباطات مجازی بین آنان ، آواز خوانی و چهچه زدن ها ، سحر بیداری حیوانات و تلاش های هوشمندانه و متحیر کننده که برخی در کتاب های معروف نظیر موریس مترگینگ ( مورچگان ، موریانه ، زنبور عسل ، هوش گلهاو... ) و دیگران آمده، سخن گفتن و رابطه کلامی با حیوانات نظیر حضرت سلیمان و بعضی پیامبران ، امامان و عرفا و انسان های برجسته رخ داد و مورد تجزیه و تحلیل علمی و فنی قرار گرفت ، معلوم شد ، بررسی شئون انسان ، صرف گویش های درست و یا نادرست و مقایسه با حیوانات که بطور خودکار ، فقدان نادرستی فهمیدن ها است و مقایسه بی ربطی است و ربطی به انسان شناسی و ربطی شرفاً به اصوات نطقی و اطوار جسمانی ندارد ، چنانکه قبلاً اشاره کردیم ، دوصد گفته ، چون نیم کردار نیست ( با محاسبه ) ، **ولی آمیزه هایی که آن نطق منطقی را برای انسان باور میکند ، چیزهای دیگری است ، که بدرد ما در انسان شناسی بر حسب قاعده "تکلیف ، حقوق ، ایفای حقوق" می خورد که 5000 آن در مدل ( UKRM ) آمده است و رهیافت های نوینی را در اختیار بشر میگذارد.**

خداوند متعال انسان را در نطق بین انسان و حیوان ، آنجا مدح میکند که حیوان به آدمیت درس میدهد و اصلاً نیازی به سخن وری نیست ، یک نفر از کشور چین با زبان چینی و به اضافه اطوار چشمی ، چهره ای با تکان دادن دست و کله با شما که فقط فارسی بلد هستی ، مکالمه میکند که حس باطنی و تقی وار شما ، صداقت را در این اطوار فهم میکند و این رابطه مودت بیک تجارت مفید برای مردم دو سامان شکل گرفته و منعقد میشود ، سار با آدم این چنین صحبت میکند ، اشک هم میریزد ، توکه سخن او را نمیدانی ، ولی میدانی چی پیامی دارد مبادله میکند ، این چنین بازتاب های موجودات ذی حیات که متکی بر قوانین طبیعی هستند ، در قران کریم ، سخنان گهربار ائمه معصومین (ع) ، حکیمان و فیسوفان حقیقت طلب و محققان راستی آزما ، حتی شاعران ، طنز گوین ، داستان سرایان ، فیلم سازان ، نقاشان و ترانه سرایان آمده است که کوران بیدار دل ، گران روشن ضمیر ، لالان سخن گو ، معلولین حقیقت شناس و... این رابطه سیستماتیک و آوای آسمانی و ارث آدم و حوآئی که کلمه جل و جلاله "الله" از این چنین مقامی تجلی یافت و قبل از هر پیامی از سوی رسولان بر دل ها پاک ، آلاله گوئی آن بر زبان ها جاری گردید و آنچه خدای منان یادمان داد ، که کسی یاوه با صدای بلند و احمقانه سر میدهد ، به مانند خر عرعر میکند و آنکه مدعی است بلحاظ قوای جسمانی خیلی تاب مقاومت دارد ، فرمود بروید از شتر بیاموزید و آنکه از وفا سخن گفت ، فرمود برواز اسب و ذولفقار بیاموز و آنه دنبال آدمیت است برواز سگ اصحاب کهف بیاموز ، آنکه می خواهد سیستم گذاری کند از مورچه ، آنکه هوشمندی میطلبد از گل های رنگارنگ روی زمین ، آنکه می خواهد عشق و عاشقی از شمع و پروانه ، آنکه مادری از شیرینی که بچه آمویی پرورش داده ، .... چه

بگویم که در اقیانوس هستی و اقیانوس علم النفسی بشر که اگر قفل آن مفتوح گردد ، فتح الفتوح اتفاق می افتد و تو پرچمی به اهتزاز در میآوری که دست یدالهی خدا نگهدار آن و ریحان الملک و شاه سپر ، اسپرغم ، پرده آنها می رقصاند و گل نرگس داعیه دار میدان دفاع شده و گل مینا همراه مرغ مینا حق گوی این میدان و همه یک سخن دارند ، **که همان الله یکتا ، هم در کلام و بیان عواطف و صلح و آرامش و با خاصیت جنت مکانی که سوسن از وروق و زبانه های ورنگارنگ از زرد ، سفید ، سیاه و سفید یک سخن میگوید ، هم آسمانی است و هم زمینی ، کسی قادر نیست بین زمین و آسمان او خلانی تصور کند ، هم را همچنان بوستان و مریض را اسپرغم چون روشنی عقل و رافع غم ، ارغون چون زنبق ، گولگون چون آسمان آبی و نیلگون چون اقیانوس آمیزه ای از همه رنگ و نهایتاً رنگ خدائی و این خداوند رحیم با نطق رحمانی و رافت سبحانی که اشد من الرحمان است بین ما انسان های جهنم ساز و موجودات بهشت ساز داوری میکند ، با این شرمندگی چه کنیم!؟.**

### ک: تفکیک قوا

کار انسان پاره پاره کردن است ، جسم یکتا را فیزین پاره میکند تا فوق تخصص ها را از کثرت و تعدد قطعات انسان اثبات کند ، فیلسوف ایدئولوژی را تیکه تیکه میکند و دنبال آن تیکه ای است که نام تخصص بر آن بنهد ، دانشمند کل را ریز و ریز تر و انسان نوآور دنبال ابزاری برای این ریز بینی فیزیکی مشغول و از ژرفا و پهنای اقیانوس وجود خویش غافل شدن ، که آب در سبوی خود دارد و تشنه در بیابان سرگردانی ، نام این قطعه کردن را تخصص نامیدند ، کاش کار قطعه سازی به همین خاتمه می یافت ، وقتی تخصص گرائی رویکرد تیکه تیکه کردن کار تعمیم یافته شد و به همه گیری جهانی تبدیل گردید ، وارد متافیزیک شد و اساس توحید را نشانه گرفت ، الله واحد را به خدایان تبدیل که ریاست این خدایان را به ژوپیتر خدای خدایان دادند ، و هر قسمت از هستی فیزیکی و فرافیزیکی به یک خدای دیگر ریاست زمین به گاد ( GOD ) که کما یک انسان برجسته است که تصویر دست و پای و چشم آنرا ناسا نشان داده است (مراجعه به اینترنت)

شکل 3: ژوپیتر خدای خدایان





حکمرانی هستی بیکرانه خداوند یکتا که چنین قطعه قطعه شده و تقسیم شده است و ادبیات یافته و ذهنیت گرفته و بت پرستی مدرن آغاز گردید ، **تقسیم حکمرانی منتسکیوئی** در روشنگری ، کسی که قصر نشین شهر بوردو و از اشراف های فرانسه و اصلاً حقوق دان بوده که در خاطرات نوشته است " آنچه باعث شده که من همواره نسبت به خودم عقیده بدی داشته باشم این است که خیلی کم از امور جمهوری وجود دارد که من حقیقتاً استعدادی برای آن در خود نمی بینم. در شغل ریاست دادگاه باید بگویم که قلبم بسیار پاک بود. خود مسائل را به حد کافی می فهمیدم اما از تشریفات دادگاهی سردر نمی آوردم. **معزلت خودم را با این گونه امور وفق داده بودم ولی آنچه بیش از همه موجب دلزدگی من می گردید این بود که حیواناتی را می دیدم که همان استعدادی را که من فاقد آن بودم به حد کافی دارا بودند**" ( مدرک ویکی پدیا).

آنچه ذیلاً در زیر عنوان تفکیک قوا آمده است برداشتی از پرتال امام خمینی (ره) به:

### امام خمینی (س) - تفکیک قوا در اندیشه امام خمینی

که دیدگاه خودم را بر اساس 30 سال تحقیق ، مشاهدات و تجارب و یافته های علمی و فنی در آن افزوده ام ، در مورد تفکیک قوا منتسکیوئی که برخلاف حکمرانی توحیدی ، همان روش پاره پاره کردن را رویکرد خود قرارداد ، دارای حلقه های مفقوده ای است که در این قسمت به اختصار بیان شده و در مکتوبات تکمیلی به تفصیل بحث شده است ، و اصولاً قبل هر چیز باید اصول و فروع قطعه سازی فیزیکی و متافیزیکی به عنوان یک سر فصل علمی و فناوری مورد مذاقه قرار گیرد ، در اندیشه امام راحل ، نوعی تقسیمات شرطی آمده و حالات نسبی داشته و از آن میتوان به حکومت مختلط (Mixed Government) لقب گرفت ، این تفسیر از حکومت که تفکیک در آن جاری میشود ، یک نوع حکومت فدراتیو محسوب میشود که اقتضائات خودش را دارد ولی در حکومت مرکزی تکالیف مربوط به مثلث " تقنین ، اجرا ، قضاوت " با شروطی و قبض و بسطی ، ضرورت پیدا میکند ، از قبیل تکالیف دستگاه قضاء که باید در تمام شریان های حکومت دارای اکوسیستم های لازم و نظارت تامه داشته باشد که این مبدع ، طی نامه ای مبسوط ، اکوسیستم های قضائی را به ریاست قضاء شرح دادم ، چنین سیطره های جبروتی و قهری در این تفکیک های شرطی مطرح است .

دخالته افراد قوا که یک موضوع واحد را مثل طرح خروج از خام فروشی " نفت " را دنبال میکنند ، و صدها مورد دیگر ، یک دخالت عرفی و منوط به خواسته های نفسی بوده که تکالیف مربوط به حوزه عمل خود را تحت شعاع قرار میدهد ، در بحث تضارب افکاری و یا درج مطالبی از این دیالوگ ها ، مطالبی نوشته شده و سند میشود ، ولی این اسناد یا حاشیه های مداخله گران در عمل برخورد میکند و با پروتکل های که حاکی از قدرت نمائی ها و توجیحات قانونی و غیره است ، بخشی از اسناد مورد استفاده قرار گرفته و بعد بایگانی میشود ، اسناد های بایگانی شده لاتحد ولا تحصی است ، بعدش هم یکجا منسوخ میشود که زمان یا اقتضائات فانی آنها است ، بطور کلی دخالت های دولتی و خصوصی و در بسته های خصوصیتی ، که کاری به قانون و مقررات نداشته و منافع کلونی ها لابی های آن مطمع نظر است ، صورتی از تفکیکات را بوجود می آورد که نه قاضی سر در می آورد و نه متقاضی که دنبال اخذ جواز و انجام کسب

وکار است ، تفکیک در مورد ساخت یک کارخانه ، اخذ مجوز ، انتقال درونی یا بیرونی آن ، اخذ تسهیلات فاینانس ، انسان شناسی طرح ، استراتژی ، مهارت ها ، شاخص ها و استانداردها ، طرح ریزی و برنامه ریزی ، مدیریت و غیره ، که در اصل یک شجره است ، شاخ و برگ آن در جاهای مختلف مناط پیدا کرده که اگر کسی این آغاز مقدمات را بپایاند ، از میانه ها ، اخرا امری و نتایج وبعد از اینکه کارخانه سازی چنین عالمانه ! را در ابتدا کار ملتفت شود و باید اداره پیمائی ، مواد اولیه یابی کند ، بازار عرضه و تقاضا منسوخ ساختاری را یاد بگیرد و مطالعات گول زنده ریاضیات در میزان سهم بازار و تقاضای بازار او را غافل نکند و .... عطایش را به لقایش می بخشد ولی یک استعداد کشوردارای مجانی را پیدا میکند ، با ساخت یک طرح مثل سیلیکون که جسم و روح صنعت کشور است ، باید دهسال بدوی ، بعد نگاه میکنی ، دور خود دویده ای ، بهمان جا میرسی که از آغاز دویدن کرده بودی که هم فاینانسور را از دست داده و هم زمین و هم منسوخ شدن تکنولوژی طرح و .... ، **ولی خلاص میشوی و خانه نشین** .

حالا شما این تفکیک قوا را چگونه حل و فصل میکنی ، اساس سیطره است که به نظر امام باید حکومت داشته باشد ولی تقسیم شده است یعنی کار حکومت و سیطره سلطانی می خواهد نه آنچه ما برای شاه زدائی تجربه کردیم که صواب بود . اکو سیستم های متنوع جریان سیطره بصورت ساختاری شاکله پیدا میکند ، این ها و صدها مورد دیگر جزء طرح تفکیک قوا قرار میگیرد ، چه چیزها باید باهم باشد و چه چیزها باید از هم منفک و به حقیقت مستقل باشد ، ابهام در طرح تفکیک منتسکیو در زمان خودش هم ، بانقد های تند در فرانسه روبرو بود ، او چند دفاعیه داشت ولی حریف نشد ، بلاخره کتابش را به عنوان "روح القوانین" نوشت و رفت ایتالیا و خودش از این نقادی ها نجات داد و بعد سیاسیون دیدند ، موضوع دلچسبی است و در ایران در سال 1349 سرهنگ علی اکبر مهدی که رئیس دفتر سرلشگر علی رزم آرا و مترجم کتاب مذکور بود میگوید : "رفتم پیش شاه ( محمد رضا پهلوی ) و شرحی پیرامون کتاب روح القوانین دادم که منظور منتسکیو از تفکیک چه بوده است و شاه هم سری به تائید تکان داد و دستوراتی داد "ولی "مهدی نگفت اساس کتاب منتسکیو ، شاه زدایی بوده است و مخصوص جمهوری است ، معلوم میشود شاه کتاب خوان نیست ، حرف های که میزند ، حرف همان هائی است که شاه تاج گذاری میکنند ، البته شاه حق ندارد که بر خلاف شاه سازان حرفی بزند وقتی شاه سازان میگویند باید ، قتل امیر کبیر را مهر و امضاء کنی ، فرمان چپاول گران پیرامون شاه سمعاً و طاعتاً و تمام و ختم کلام ، این هوش را سلطنت طلبان از ما سراغ ندارند حالا سراغ بگیرند دنبال کسب و کاسبی حلال و خدا پسندانه" ، ولی الان این تفکیک با شروطی در بعضی کشورها اعمال شده است هم شاهی است و هم شکل های دیگر و قوانین اساسی با درجات بالای جدایی و تفکیک قوا در جهان یافت می شوند و اینها کشورهایی هستند که بر مبنای در هم پیچیده بودن قوا اداره می شوند مثل انگستان ، امریکا ، زلاند نو ، کانادا ، **و این ساختار نه کاری به بازدارندگی دارد و نه توازن قوا ، همه در هم پیچیده اند** .

اولین مجلس در سال 1285 توسط مظفرالدین شاه افتتاح و 5 روز بعد فوت کرد ، بعد از محمد علی شاه در سال 1288 مجلس دوم را افتتاح و بعد قبول نکرد و موضوع متمم قانون اساسی مطرح شد که آنهم مردم و عشایر شورش کردند و شاه مجلس را به توپ بست ، در این مجلس هرکس 1000 تومان پول داشت حق

داشت نماینده مجلس سود ، در همان مردم و عشایر جمع شدند و مجلس اعلی را تشکیل دادند و 1000 تومان به 250 تومان کاهش دادند ، و مجلس سوم در سال 1293 در زمان احمد شاه افتتاح **وسید حسین مدرس رهبری مجلس را بدست گرفت** ، به تدریج سروکله رضا خان پیدا شده و در سال 1300 با چند تفنگ تهران را فتح کرد و نخست وزیر ولیعهد احمد شاه شد و در سال 1302 مجلس بعدی بدست رضا خان افتتاح و **با مدرس درگیر شد**، تا مجلس دوازدهم که رضا خان به جزیره موریس تبعید و در همان فوت کرد ، در سال 1349 علی اکبر معتمد خدمت شاه میرسد که فوقاً بیان شد.

جدا از مسائل تکنیکی که از سایر نوشته و منتقدین گرد آمده است ، شخص امام ، نگاه ویژه ای به نوعی تفکیک دارد که این سیستم فعلی فاقد آنست ، بعضی امور مثل عدالت ، جدا شدنی نیست ، مثل جسم انسان نیست که پاره پاره شده و به تخصص متنوع تبدیل شود ، امری یک پارچه و برای جامعه تضمینی است که قابلیت پاسخ گوئی واحد وجود داشته باشد مصالح عمومی ، مقاصد خدائی ، سعادت و رفاه مردم ، رفع فساد و تباهی که دامن بعضی قضات رانیز آلوده کرد ، و تا 5000 قاعده که این مبدع در مدل UKRM آورده است ، ساختار ویژه خودش را میخواید ، یک زمان و در اوایل انقلاب اسلامی که همیشه به عنوان یادگیرنده مادم العمر لقب داشتم ، **آقای موسوی نخست وزیر دستور داد یک معاونت در سازمان اموراداری و استخدامی ایجاد شود برای طرح تشکیلات جمهوری اسلامی ایران ، فال بنام این مبدع به عنوان معاون دبیر کل سازمان مذکور در طرح تشکیلات جمهوری اسلامی را زده شد ، یک سال اندی چارت سازمانی تهیه و یک کتاب قطور هم ضمیمه و بعد نفهمیدم ، چطور شد که خود موضوع بایگانی شد ، حالا که طرح و حساب و کتاب داریم وقاعده ، خانه نشین شدیم ، ولی بحمدالله نسبت به طراحی پازل های این ساختار با قابلیت ساختار یافتگی همگرا بجای رسیدیم .**

#### ل: نشئت نشاء

نشئت نشاء ، همان بحث نویسنده دلسوز انقلاب است این یکی نشئت نشاء نوشته و دیگری سخن دیگر و با همین منظور و نیت ، ولی فرق این مبدع با این نویسنده و شاید بسیاری دیگر است که نمی گوید ، نشئت نشاء مساوی است با "فرار مغزها" و یا هرگونه فرار ، پایداری در عقیده داشتن و جهاد برای آن ، این نظام است که از رهیافت فرار میکند ، میگوید هستم ولی یک میلیون رهیافت را این مبدع و میلیارد صفحه از سایر مبدعیان نخوانده و خودش نمیداند ، چرا گرفتار آمده است ، جنگ را مردم اداره کردند ، هم میدانش را هم پشتیبانیش را و دولت ها و صاحب منصبان که شرحش آمدند ، نام مردم را میبرند ، ولی کار خودشان میکنند ، خدا رحمت کند شهید رجائی را که حقیقتاً اینک مرزوق سفره رازق است در موقع رای دادن در کنار امام عزیز بودم حضرت امام نوشت "رجائی" باخط زیبا ، من نوشتم و همه نوشتند، در دولت کوتاه این شهید به اندازه یک تاریخ نگاشته ام ، برای هر کاری الگو داشت و شاهد تنگاتنگ این حوادث و تماشا گر این الگو ها ، دشمن کسانی از ما گرفت ، که تاریخ باید بگذرد ، تا مولودی این چنین زایش کند، نشئت نشاء درست ولی فرار مغزها ، بی حرمتی به کسانی است پای **إِخْدَى الْحُسَيْنِي** ایستاده اند، "**بهشت یا فتح**" که این انتظار برای هریک از صاحبان حُسن ظن ، همان حُسن ظن به خدای تبارک و تعالی است، میباشد ، در دیار دیگر ، از این دونیکوئی باز میمانی ، این مبدع خیلی کشورها دور و نزدیک دنیا رفته و دیده

وتاریخ وجغرافیای این کره را رصد کرده و سوغات هائی از غرب نوشته که اگر کسی میلی به وطن داشته باشد ، هیچگاه بیگانه را بر همین ، آدم های خودمان ترجیح نمیدهد ، دلایلش زیاد و در سایر نوشته ها آمده است ، در این مملکت یک چیز هائی است که بوی گل و زیبایی آنها وجود عرفانی انسان را پر میکند ، در دیاری که از این معرفت ها خبری نیست که بگذریم ، همین تنمه دین و معرفت را بر باد میدهی ، **در اینجا یک چیز هائی است که وقتی میشنوی "اصبر صبرا جمیلاً" یا "ما رایت الا جمیلاً" نشانه دارد .**

ما که منافق نیستم که سختی های طاقت فرسای دوران انقلاب تحمل کردیم ، حالا دری به تخته ای بخورد ، راه رفتن ، رفتن را پیش بگیریم ، از آنها نیکه رفتند و کاسه گدائی گرفتند هم بی خبر نیستیم ، کسی که به اعتقادات خودش که عطیه الهی بوده که بوی رسیده ، فهمیده که مهاجرت در قران برای تقویت دین خدا و توسعه مملکت است ، نه اینکه تا در ایران هستی ، چفیه ( keffiyeh ) به گردن بیاندازی ، بعد دلارها را چپاول کنی بروی ینگه دنیا ، حالا این ها زورشان نمی رسد ، خداوند که میرسد ، العاقبه للمتقین ، نیت های پاک و ناپاک این طور جاها معلوم میشود ، ولی هیچ نیت پاکی بدون اجر و قرب نیست ، این وعده خدا است ، می خواهی تعجب کنی یا نکنی وقتی جلوه های بصیرت و معرفت حسینی در دلی تابیده شد ، **سلیمانی قهرمان خلق میشود** ، بقیه مقدرات هم به موقع انجام میشود ، از جائی که جلوه های عرفانی نجات بخش است ، کجا میروی ، بنابراین با توجیه نشئت و نشاء نمی توان قهرمان شد ، باید ایستاد و با خوبان مدارا و با چپاول گران ستیز که این مبدع انجام داد ، سوخته انقلاب و مرید امام خمینی است ولی گنده سوخته نیست ، بقول شهید بهشتی از راست قامتان ، دنیا محل آزمون است ، پاداش و تنبیه را برای این آزمون ها گذاشتند ، **به ناز خدایت عشق ورزی کن که روزی خدا برای تو ناز کند ، اسلام ناب محمدی و عدالت محور را دوست بدار ، یعنی عدالت رادوست بدار ، اسلام و قرآن تورا حفاظت میکند ، اسلام سربلند به پیروان سربلند نیاز دارد .**

#### م: حکیم

سال ها حکمت خواندم و سخنان حکیمان را مرور کردم و هزاره ثلاثی حکیمان را گردآوردم ، وقتی کسی به حکمت رسید و حکیم شد ، مثل سایر حکیمان سخن میگوید ، مانند آنان میخورد و می آشامد ، بیداری دارد و خواب های خوش ، گاهی پرواز ، گاهی نظارگر و گاهی گریان ، حال خوش حکیم مربوط به خود حکیم است ، به حکیم نگو که چکار کند ، او همه چیز دان و مطلع است ، اگر چیزی نداند سوال میکند ، وگرنه برای او توضیحات و اضحات میدهی ، اگر رابطه توبا حکیم چنین شد ، مهر سکوت بر دهان میزند ، با آرامی بتو نگاه میکند و لبخندی کوچک ولی ملیح بر لب دارد ، و پیش تو نیست ، اگر می خواهی نزد تو باشد ، زیاد سوال کن و از گنجینه معرفت او بهره مند شوکه ( جان نباشد جزء خبر در آزمون - هر کرا افزون خبر جانش فزون- مولوی ) ، همه حکیمان مثل هم هستند و دینشان همان فطرت یعنی (در) سوره 30 سوره روم " فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ) ، معنی : پس حق گرایانه ، به سوی این آیین روی آور ، با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است . تغییری در آفرینش خدا نیست . آیین پایدار همین است

ولیکن بیشتر مردم نمی دانند، **این فطرت در حکیم به بلوغ میرسد** ، حکیم دست از دنیا پرستی شسته و در توی کاخ دل تنگ و در نیز فقران خرسند است ، سخن اش نرم و با صدای بلند فریاد نمی کشد که این کار ابلهان است . دیندار است و خداپرست ، دارای خلق و خوئی نیک و حیائی فراوان ، تا حد وسع سخاوتمند ، پرهیزگار ، بری از شیطان ، عاشق یادگیری و یاد دادن ، دائماً در حال تحقیق ، و همه چیز دنیا برای او بار تحقیقاتی دارد ، اهل افراط و تفریط نیست ، اهل تکلف و تشریفات نیست ، همانطور که آهسته گام برمیدارد ، سادگی دارد ، اگر او را دعوت کنند می پذیرد ولی برای نه خوردن ، نه خوش گذرانی که خوش آیند او نیست و مایل ادای روشنفکران را در بیاورد ، صادق است و صادق شناس ، کسی که مخاطب او است می پندارد که حکیم سالهاست که او را می شناسد

### ن: مدرک گرانی

مدرک خری یک ارزان فروشی انسان بدست خودش است ، یک پول قابل توجه به مدرک سازان حقه باز داده تا یک مدرک تحصیلی یا تخصصی را خریداری کند و با آن در مصادر امور صاحب صندلی شود و یا نماینده مجلس شود و یا در مناصبی قرار بگیرد که سریعاً سرمایه دار شود و نامش جزء سرمایه داران قرار گیرد ، از ابتدا تا ظهور نیت و مقصد هباً منثورا است ، کاش فقط خودش را غرق این گرد و غبار طوفان بالا میکرد مثل دزدی که مالی را دزدی میکند ولی دین مردم را سرقت نمیکند، ولی مدرک گرا ها و مدرک خرها، متخصص قلبی و نظیر اینها که هم مال و هم اعتقاد مردم را سرقت میکنند ، دامنه این " هباً منثورا) تا کلونی ها فساد و لابی های بین کلونی ها ی فساد مثل زنجیره های اقتصادی و صنعتی و تولیدی ، منتهی برای چپاول گری و دلال درست کردن و ساختاری نمودن فساد اداری ، دولتی ، قضائی و غیره ، یک جریان فاسدی که دلار میشود 28 هزار تومان ( شهریور 1399 ) ، تومانی که در کشور ما بود ، هر تومان معادل 3.5 دلار ، یعنی 20 هزار برابر پول ایران کوچک شده است و تورم بی داد میکند ، حالا باید انصاف داد که آیا مردم از انتظاری برای حکومت اسلامی داشته اند ، اینگونه بوده است .

این گونه رمز و راز های شکست های نظام از رهاشدگی ، سادگی ، اقبال به چهره ها و تشریفات و تعارفات کذائی ، تصمیم های اغراض آمیز دولت ها و مسئولین و هزاران مولفه است که یکی از این منظومه های فساد همین مدرک گرانی است که پایه استوار بعضی دانشگاه ها شده است ، چقدر روحانیون که از عنوان حجت الاسلام و المسلمین دست کشیدند و مدرک دکترا را با چند صفحه تحقیق که ذره ای از اقیانوس یک فقیه است ، از دانشگاه های زنجیره ای که به خارج هم وصل شده ، اخذ کردند ، حالا کار مدرک خری خیلی آسان شده ، همه این تشریفات دیجیتالی آماده و در قبال میلیون ها تومان از خارج برای شما ایمیل میشود ، نظارت و کنترل این مظاهر حقه بازی و ثروت سازی که باید با درجه صداقت بازرس ، خبره میان رشته ای و تقوی باشد ، از دیگر مشکلات کشور است که هنوز است افتاد مشکل ها ( آفتاب آمد ، دلیل آفتاب )

اینکه دلار بدون پشتیبانه و بدون ارزش ذاتی بدست این کلونی ها لابی و دلال ها معادل 28000 تومان میشود به قواعد سرسخت " علیت تراکمی " منوط میشود و مناط شناسی آنها بصورت علمی و فنی ، کار

هر متخصص ساده و تک ساحتی نیست ، یک علت ساده فیزیکی نیست که یک معلوم تحویل دهد ، صدها علت دارد و آن هم در قالب کلونی ها ، گروه های لابی های تخصصی ، دلال هایی که حاضرند کارت ملی ، شناسنامه و کارت های صد گانه بانکی و بخصوص از بانک های خصوصی ، حساب های فریز شده ، گردش های مالی نهانی و جریان های پنهانی کرایه دهند و موج سواری های قابل تشویق و تقدیر ، وجو سازی های زمینه ساز و مورد تائید رسانه ها و شبکه های معاند را از آن خود کنند و... یعنی یک رهاشدگی تمام عیار برای این اهالی ضد اسلام ، ضد قرآن و ضد انسانیت و ضد عدالت ، در مصاف بقول خودشان ( مذهبیبون به طنز و مسخره ) ، چند تا آیه قرآن می خوانند و بلاخره طوری خود را موافق نشان میدهند که قلب مطالب میشود و کسی بوی متعفن این جماعت را استشمام نکند ، نیکان در منزل و در کنج عزلت که هر کدام گوهری از گوهر های این انقلاب بودند و زهره دشمن را میترکانند ، به نام بازنشستگی ( یک کلمه که اساسش غلط است و هزینه بر ) ، سن بالا ، جوان گرایی و چیز های دیگر که اقیاء میشود و آمار ساخته میشود و گزارش های تحلیلی داده میشود و با اسم دین و علم و فنون توجیه میگردد و قس علی هذا ، یک موقع فهم میشود ، کار از کار گذشته و با این کارهای معمولی و اداری و رسانه سازی و جدا سازی و غیره کاری از پیش نمی رود و مراد از کارهای انقلابی و قهری و جبروتی و اقدامات موثر که کمر دشمن داخلی و خارجی را میشکنند هم در طرح ها و برنامه ها دیده نمیشود نه در عمل ، حرفش زده میشود و از خودش خبری نیست و راه حل آنها فراتر از کمیسیون سازی یا فراکسیون سازی و تصمیمات بانک مرکزی و تدابیر دولت است .

این یک امر بدیهی است که یک نفر از صغر سن تا بلوغ و حتی بالاتر برود درس بخواند و مراحل آزمون های سخت و کنکور و هزینه های گزاف تحصیلی و مهارت آموزی را طی کرده و پس از این مرارت ها و رنج ها و ریاضت ، پی از فارغ التحصیلی در صف بیکاران قرار بگیرد ، برای یک عده مثل آقازاده ها که از مال منال باد آورده برخوردار شده اند و کانال ها را خوب فرا گرفته و حالا به دلال ها و لابی ها و قشون کشی نیاز دارند که مدارکی هم داشته باشند توجیه گر منصب نشینی خود و قشون شان را فراهم کند و دانشگاه های خارجی با واسطه های داخلی و حتی در مراکز علمی داخلی ( که شخصاً مشاهده کردم ) به همان پول مفت و چپاول شده مدارک و مستندات لازم را برای طراحی و برنامه ریزی های خود در امور بانکی ، فریز کردن حساب ها ، تجارت و قاچاق و واردات بنجل ها و تکنولوژی های منسوخ و... فراهم کرده و شریک دزدان و شریک قافله شده ، مدرک سازی و تجارت مدارک مختلف یک کسب و کار پر رونق شده است کاری و مسئولیتی نیز برای میلیون ها نفر زیر خط فقر ندارند ، شبکه های برای این مشاغل فراهم شده و رسانه ملی هم در امواج خروشان و جریان های زیگزاکی از حاشیه های این کسب و کار ها برای کسب درآمد ، مُبَلَّغ مقاصد و غرایض آنها میشود ، میماند بیکاری فلسفه استعلائی ، حکمت متعالیه ، الهیات ، عدالت و از این قبیل که پیدا میشود ستارگان درخشان علم و معرفت که اینک بیکار و می نویسند و می گویند و ارسال میکنند و خواننده از آنها ترانه میسازند و می خوانند و بعضاً زمزمه میکند و آقای وزیر از وضع دفاع میکند ، **چه میگویند آقا: ساتریفورژها دارند می چرخند ، اقتصاد دارد می چرخد ، صادرات و واردات دارد میچرخد و... می چرخد و می چرخد ، بکدام سوی می چرخد ، مناط چرخش آنها باید بررسی شود.**



## ی: قوانین وقواعد دانش مفید

مدیریت امروز که در بلوغ سازی آن به مدیریت دانش ( KM ) لقب گرفته است ، ک مشغولیاتی است که در یک میلیون مضمون ، متن و محتوا از این مبدع آمده است و نیاز مند برقراری پلتفرم جهانی است که درنوشته های مختلف منتشر شده است و علاقمندانی را فراخوان کرده است که درمقابل فساد و تباهی ها چاره اندیشی کند، راه حل ها ،ارائه پروژه های یقینی ، استاندارد های معنوی و ارائه سایر ضرورت های از فلسفه استعلانی و حکمت متعالی در الگویی بنام " قواعد مدیریت دانش مفید-UKRM ) باشد .

### فلسفه مدیریت قواعد دانش مفید یا " مصلحت ناب"

دانش مفید یعنی معرفت به جوهر ، ذات ، ماهیت و ساختاری که برای تولید فناوریانه و ساماندهی برای لجستیک عدالت توزیعی تدارک میشود که قبل از تخصیص طرح یا پروژه یقینی باید این مفاد را آموخت ، به واژه ها ، مداخلیل ، شاخص ها و استانداردهای تجرّی پیدا کرد و از محفوظات خلاصی یافت و کلید داری شد که قفل های بسته را باز کرده و پنجره های جدیدی گشوده که بروی صاحب معرفت گشوده میشود ، دانش فاکتی (Factual knowledge) رودلف کارناب نیست که نخوانده ملاً میشود ، ترفند هائی که در خانه نشستن وساعتی چند میلیون درآوردن و بعد در مناسبات ، گیر شارلتان (Charlatan) افتادن است ، همان مقدار از حقی که داشته، نیز محروم میشود، این حیلّه ها قوام و اساس مقاومی نمی خواهد ، خوفش بیش از شعف آن است ، در خمیره جهان ، ادای حق و حقوق در زنجیره تقابل تقارن سلسله وار است ، **دانش مفید رمز وراز این مبانی را یاد میدهد.**

**خیلی ها زندگی نمی کنند ، برای اینکه زندگی نمی کنند ، زندگی برای چشم و هم چشمی نیست ،** برای قُمُز (دعاوی دروغین کردن ، بالیدن نابجا و فخر و مباهات بی مورد کردن- لغت نامه دهخدا ) در کردن نیست ، توپ خالی است ، مثل طبّالی است ، حقیقت مطلب هیچ وقت مکتوم باقی نمی ماند، یک روز سر این زخم عمیق ظاهر میشود ، ولی به حقیقت رفتار کردن از طریق آموزه های دانش مفید است، خودش تضمین خودش است ، شخص دانش آمیخته فروتن است ولی صدایش را آنطرف دنیا انعکاس دارد، هیچ دیواری جلوی این مهارت دانش بنیان او را نمی گیرد، این زندگی لطیف است ، این زندگی لذیذ است از درون جوشش دارد ، گرمایش لطیفی برای روزهای سخت و سرد زندگی است مثل عطر گل یاس است ( رساله عطر گل یاس از این مولف) ، بخودت می افشانی ، آغوش پذیر میشوی.

**واقعیت مبتنی بر حق و حقیقت ، نه واقعیت فاقد حق و حقیقت و نه اکتفا به نصیحت و صدور و بیان احکام بدون مصداق ( مثلث صدق)**

علم موضوعی مجرد و بذات سودمنداست و از هویت ، ماهیت و ساختاری متشکل از قواعد، خواص و روابط و فرضیاتی است که استقلال ذاتی دارند نظیر علم ریاضی ، علم رایانه ، نظریه عمومی سیستم ها، شیمی آلی ، روح و نظیر اینها در لیست مجردات ، لیکن هنگامی که علم مورد مصرف در میدان کاربرد خاصی قرار میگیرد ، نام دانش و فناوری را بخود اختصاص میدهد و شرکت های دانش بنیان ؛ تازه آغاز گران در حیطه ابداع و دانشمندان رشته های تخصصی با استفاده از فرضیه های مسلّم علمی ، برابر



فرایندهای نظام یافته ، به تحقیق و تفحص برای تحقق فرضیه مربوطه و ظهور و اعیانی نمودن خواص سودمند علم مبادرت میکنند و انسان محقق بر حسب نیت خویش در این ساختار جبری ، محصولی را ابداع کند که خاصیت خدمت یا محصول مفید و یا غیر مفید دارد ، بنابراین منبسط ما از دانش مفید و یا دانش غیر مفید وقواعد آن یاد کرده و آنرا مجموعه ای یقینی و مسلم میدانیم که دانش مدیریت را اصالت میبخشد، **در غیر این صورت دانش مدیریت قادر به پیشگیری های قاطع در مبداء جرم و گناه نخواهد بود.** (افتاب آمد ، دلیل آفتاب).

ما مفیدیت را در حیطه دانش و فناوری جستجو میکنیم و سودمندی و ناسود مندی احکام را به ذوات علمی معطوف نمیکنیم ، حتی احکام شرعی که مستلزم داشتن ثلاث صدق است مشمول همین قاعده است و قواعد ابداع از این قانون پیروی میکند . ذات در مقابل عرض است و تحقق و بروز ذوات علمی و یا همان ماهیت علمی که مولد فرضیه است ، به عهده دانش و فناوری است ، ذات به ماهیت شیئی اطلاق می شود، یعنی آنچه چپستی و هستی شیئی که علم بدان پرداخته و اصولی برای آن مفروض شده و نام علم را منحصر بخود کرده است و آنرا مناط حیز انتفاع (جای استفاده یا محل بهره برداری ) دانسته است ، باید در محصول نهائی تحقق یابد و این یکی از مصادیق حقیقت است که تحقق حقوق عامه به این حقیقت وابسته است . به عبارت دیگر، حق بمعنی تامین خصوصیات است برای انسان و حیوان و تمام ذوی الحیات و طبیعت که در علم اطلاق می شود (یعنی سودمندی برای عامه ) که اگر این مفروضات از دست بروند، دیگر آن شیئی ضروری نخواهد بود ( چیز دیگری است که مصداق مدعی آن نبوده است ، تصادفی هم نیست ) و منظور از ذات در اینجا، حقیقت شیئی است که این خصوصیات قابلیت استاندارد معنوی را تحقق می بخشد ، در غیر این صورت حقیقت که تحقق حق ذی حق و حقوق دارندگان حق است ، **بمنصه ظهور نرسیده و دنیا پرستی و پول درآوردن از هر راه ممکن برای محقق و مخترع ، مناط عمل قرار میگیرد.**

**حق حیات طیبه یا سلامت جسم و روح برای فرد و جامعه امری ضروری و الزامی است و این فرض بدیهی نباید معلق و معطل شود** به مسائل فلسفی و اثبات آن با فرضیه های اقتصادی و یا ملاحظات سیاسی و سایر چند و چون های انتزاع ذهنی و زیاده خواهی بعضی افراد حقیقی و حقوقی ، **حق حیات مثل حقوق معیشتی ، نسبتی مساوی برای همه دارد، این ستون نگهدارنده کشور است.** ممکنات در فلسفه رئالیسم ( که مبتنی بر تحقق حق به واقع است ) مشمول کلیه موجودات عالم میشود ، منتهی آن ممکنات ذاتی و ضروری (واجب) که استعدادهای مطرح شده در علم را در دانش بشری بالفعل میکند ، هرگونه موجودیت های غیر واجب که تولید آنها نیز ممکن است ، بر اساس قواعد و احکام مربوطه ، صلاحیت ظهور و بروز نخواهد داشت ، اگر چه در سخن و یا تبلیغات برای ثروت مند شدن عده ای خاص ، مولد کنز ثروت باشد (این دستور العملی است برای راست آزمائی و استاندارد رسانه ها) ، یعنی وجوب ، مجوز امکان است و عدم وجوب دلیل امتناع آن و این مجوز میدائی و مبنائی ، اساس تولید و یا اساس استاندارد و بالطبع اساس قانون گذاری است ، این مرحله از تحقیق و تفحص ، بمعنی صدق نظری است که ساختار عملیاتی آن که از آراء نظام یافته خبرگان میان رشته ای وضع میشود ( **رشته های جدید در مراکز علمی** ) ، از طریق تقنین قوانین و از هیچ ساختار ضروری و واجب الوجود ،

قابل تفکیک نخواهند بود و نمی توان این مرحله را به اذهان عمومی و سلايق سیاسی ویا فرضیه های باطل اقتصادی واگذار نمود.

اینها مفاهیم اولیه و بدیهیات ذهنی بحساب می آیند واقوام اولیه هم این مسائل فطری و وجدانی را درک میکردند **و این چنین باهم حُسن سلوک داشتند**، در این مفاهیم که مبتنی بر حقیقت ثابت و برهان فطری است، هر مفهوم حیات بخش بحسب ذاتش یا مقتضی وجودش آشکار میگردد خیرگان با مثنی میان رشته ای می توانند درک درستی از این مفاهیم در قلمرو ذهن داشته باشند (افتاب آمد - دلیل آفتاب) مردم این کیفیات ممکن را در بازار و در سفره و عدالت اجتماعی مشاهده میکنند و با براهین فلسفی و احکام شرعی و سایر صغرا و کبرا ها کاری ندارند، چنین ممکنات و مقتضیاتی را واجب میدانند که عقل سالم اجتماعی ماهیت کلی آنرا مبرهن میسازد و راضی به این مقتضیات منصفانه هستند، **جزء طمعکاران و زور گویان که باید از چنین جامعه سالمی طرد شوند، نه فقط از طریق دستگاه قضاء بلکه از مبداء وقوع خلاف، این مقتضیات عقلی و فطری بطور سیستماتیک تبلور عینی و یقینی پیدا کرده و جلوی طمّاعی و اجحاف این خیانتکاران به دولت و ملت را بگیرد و از اینرو این فعالیت واجب در راس امور است**، در غیر این موضوع توسعه ای صورت نگرفته و نیاز اساسی مردم ارضاء نشده و سرمایه اجتماعی تشکیل نشده است و این احتیاج بطور طبیعی و فرایندی، جریانی را بوجود میآورد که بیش از هزینه های محتمل برای ایجاد این سیستم واجب، هزینه های هنگفتی را به صور و انحای مختلف ولی باطل، جای این مثنی حقیقی را میگیرد و **همان امکان فقری است که گوناوار میردال گفت " جامعه ای فقیر است، برای اینکه فقیر است"**.

این مورد که با علیت تراکمی قاعدهمند میشود، موجود خارجی انسان و حیات اجتماعی از یک سوی به نیاز اصلی خود بطور علی السویه و از سوئی دیگر به رفع آن برای رسیدن به غنا بطور علی السویه توجه دارد، این دو در عین حال که انفصال حقیقی دارند، ترکب زمانی و مکانی و میل به ازدواج دارند و در سیستم های اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگرند و این قضیه برابر قواعدی که در دانش مفید ذکر شده و در 300 مقاله این مولف آمده است، تقسیم عینی ندارند و کاخ و کوخ را بر نمی تابند ویا سایر نشانه های اجتماعی که حاکی از ظلم ویا عدالت است.

**صدق را سه مصدر مقوم و استوار، بنام مثلث صدق "صدق نظری، صدق عملی، صدق ایفای حقوق از قواعد دانش مفید است هم لازم است وهم متعددی**، محمول پذیر است، یعنی شرایطی را توصیف می کند که هر امکان ضروری را از نظر ماهیت و بن مایه های محتوا ارضا میکند، در این محمول پذیری، بین علت و معلول باید دلایلی یافت که در هر علیت تراکمی که همان صدقی را که در فرضیه تأیید میشود در ماحصل تحقیق آشکار شود، مراتب و فرایند عملیات و آزمون ها در سکوی تجربی باید شاخص سازی و به استاندارد معنوی و فیزیکی تبدیل شود، صدق دوم محصول دانش بنیان و از بطن این فرایند بدست می آید که علاوه بر احراز قوام نظری، از نظر مفیدیت و بر اساس امکان ضروری و ارضاء کننده در عمل، دارای منافع عام باشد، این موضوع ضروری به شرط مفیدیت و سلبیت وجود ضرر انجام میشود که قانون و مقررات با تحلیل فنی و رعایت جزئیات، این قوام بخشی را به عنوان **صدق دوم (مصدق عینی) وضع میکند در این مورد هم بین دستگاه قضاء، نظام آموزشی، تحقیقاتی، اجرایی و مدیریتی، تفکیکی جایز نیست**، وقتی این محصول عینی که هر

مجردی به ترکیب و به قانون ازدواج میل داشته ، بدون آنکه در این مراحل از قوه به فعل تبدیل شده و قابلیت پذیرش کمالی را برای حیات جامعه تدارک نموده باشد ، **باید به قسم سوم صدق که از این استراتژی پیروی میکند ، در راستای حقوق متقابل صدق خود را محسوس و رضایت عموم را تحصیل نماید که همان حق الناس و حق الیقین است** ، خداوند متعال چنین مشی را دوست میدارد ، حضرت امام سجاد (ع) که واضع حقوق متقابل است بعد از تلاوت سوره " انا انزلناه في ليلة القدر " می فرمود: صدق الله عز وجل أنزل الله القرآن في ليلة القدر " (اصول کافی، ج 1، 248)، و از این نظر، این مولف ، کل قرآن مبین راصدق سه گانه میدانند و بزرگترین دلیل برای فهم علت العلل و علت غائی و غایت الغایات و نهایتاً، اثبات وجود خداوند متعال است ، اسلام ، قرآن و در راس آن خداوند متعال این چنین فهم و اثبات فطری ، **ملاک قلبی و وجدانی ملل میشود .**

دانش مفید مدیریت چیست؟ در مقاله 297 به چرایی و ضرورت مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) در همین مورد پرداختم ، خلاصه ای این موضوع اینست که در شرایط بحرانی امروز جهان ، این مدیر است که با خبرگی در دانش مفید ، حافظ منافع و حقوق مردم در تعاملات اجتماعی است، بشرط اینکه مدیران پیشگام در عرصه مدیریت دانش مفید ، نقش موثری در جهانی شدن فرهنگ عدالت توزیعی رادر جهان ایفاء نمایند ، برای اینکه آنچه از دانش مدیریت امروز نصیب ما شده است بعضاً سلبی بوده و باقی مانده آن برای مدیریت دانش مفید لازم و کافی نمی باشد ، مدیریت مبتنی بر دانش مفید ، بر اساس قواعدی که حقایق ، حق طلبی و یقینیت مدل ها و شیوه های مدیریت مفید را برای همگان میسور می سازد، کارساز خواهد بود ، خواننده محترم با مراجعه به مقاله 297 در سایت این مولف ، از این نظریه مطلع خواهد . **در انتهای این رساله به ترسیم بعضی منابع اولیه آن مبادرت و در نوشته های توسعه یافته است**

**مدیریت باید مبتنی بر سیستم های باشد که هویت و ماهیت خود را از قواعد دانش مفید اخذ میکند** ، این مدیریت بطور طبیعی و بدیهی بر مبنای مدیریت قواعد دانش مفید خواهد بود ، این مدیریت فعال اجتماعی است که فرضیه های مقوم علمی را از قوه به فعل تبدیل کرده و موضوع دانش مفید از لقلقه زبان ( حبس تاریخی آن) نجات میدهد ، این نهضت علمی الگویی را مبرهن میکند که از مبداء تا مقصد سودمندی را دایر مدار مدیریت خود قرارداد و دیوار تفکیک قوا و یا هر دیوار سیاسی ، رانت خواری ، غارت گری ، تقلب و زیاده خواهی ، را مانع فعال سازی این قوه و استعداد نمیداند (شکست دیوارهای مانع ضروری است به جبر) ، به عبارتی دیگر قوه پدافندی کشور که دل دشمن را به هراس انداخته است ، در نظام عمومی سیویل که نظام نامه بزرگ مهندسی شالوده ها ، ساختارها و قوت ها و ظرفیت های کل نظام است از کل تا جزء به شاخص ها و ملاک های مهندسی تبدیل کرده ، **استاندارد های معنوی و فیزیکی آنها را مدون ساخته و فرهنگی بر اساس سرمایه اجتماعی رخ بتاباند** ، تفکیک قوا و یا تفکیک و دیوار کشی در این مراتب و زنجیره یک پارچه آفندی بوده و در غیر اینصورت ، یک تقلید از غرب تلقی میشود .

**آنچه فوقاً گفته شد ، بزرگترین و مهم ترین زیر ساخت توسعه پایدار یک کشور است** که به سیستم های اجتماعی تبدیل و با ابزار های قانونی ، بیمه ای ، مدیریتی و غیره تقویم و استوار میشود ، **هیچ قدرتی از داخل و یا خارج یارای شکستن این برج و باروی مقوم ملی را ندارد** ، این نیروی آفندی برای زودن موانع

داخلی و خارجی و ایجاد استحکامات غیر قابل نفوذ **واجب عینی** است ، در بستر چنین قوت و استعدادی میتوان به توسعه توازن در آموزش های لازم ، توسعه صنعتی ، سیاسی و غیره مبادرت کرد ، مواد اساسی دانش نامه دانش مفید ، در دانشگاه های معتبر تدریس خواهد شد، از نظر این مبدع تعدیل جهانی باید اجباری باشد ، **لجستیک عدالت توزیعی جهانی باید با اعمال قهری انجام شود** در غیر این صورت **موضوع حکومت عدل واحد جهانی ویا وعده حکومت مستضعفین در دنیا ، موضوعیت پیدا نمیکند ، ما باید زمینه ساز وعده های بحق خداوند متعال باشیم.**

مسئله مهم این است که فعالیت های اساسی هر جامعه بر اساس قواعد دانش مفید باهم مرتبط هستند و با تفکیک صوری ویا فرضیه های باطل ، قابل تفکیک نیستند ، اگر این ارتباط اجتماعی بصورت سیستماتیک عمل کند ( درمقابل سیستم و ساختاری فساد دولتی و اجتماعی )، پدیده های نوظهور اجتماعی در جریان توسعه هدف دار و برنامه ریزی شده ، آشکار شده و منافع عمومی را افزایش میدهد وگرنه مولد فعالیت ها ، هنجارها و پدیده های جدیدی است که برای جامعه ناشناخته ، گمراه کننده و خاصیت قهقرائی دارد ، **این موضوع از طریق هوش اجتماعی مبتنی بر قواعد دانش مفید قابل تشخیص است** ، مثال ساده برای کسی است که وقتی یک جهش تند دارد ، بعلت پوکی استخوان هایش ترک خورده و به زمین میغلطد ، او نمیداند این پوکی استخوان است که استخوانش درچنین جهش ناگهانی شکسته است ، ساختمان های باستانی و کاخ های رفیع از داخل توسط موربانه ها پوک شده و فرومیریزند ، هوش های مصنوعی قادر به درک جهش های مخرب و این موربانه پنهان اجتماعی نیستند، غرب از نظر این مولف دچار چنین بلیه ای شده است .

هر استقلالی به صرف تقلید یا قوانین اعتباری ویا احکام بی مصداق ، مفهوم ذاتی استقلال را ایفاد نمیکند ، اگر چه مبادرت به تدوین سند تحول کرده ویا بدون توجه به مبداء و مقصد موضوعات ، سیستم گذاری کند ، فایده ای ندارد ( آفتاب آمد ، دلیل آفتاب )، **حقوق عامه مردم قابل بخشش نیست** ، خلاء بین عناصر و عوامل ذاتی یک زنجیره ، جایز نیست ، مثل اینکه بگوئیم " اقتصاد بدون نفت " که یک مخالفت لفظی است نه مخالفت ذاتی " ، **باید بگوئیم نفت و سایر منابع این کشور را نباید خام فروخت و این مواد ذی قیمت باید به ارزش افزوده حقیقی تبدیل شود به همان سرمایه اجتماعی که قبلاً بیان شد**، نه ارزش نیافزوده ، به صرف مالیات ، یعنی تشخیص راه و چاه است برای صاحب بصیرت ، بر اساس حکمتی که فهم میکند ، این مولف تکفیک قوای منتسکیوئی را مورد کالبد شکافی قرار دادم ، آنچه دلایل و مقتضای تکفیک قوا در زمان منتسکیو و دلایل وی بوده است ، امروز نه مقتضی است و نه دلایل متقن ، که در مقاله مربوطه آمده است

ما با جریانات ، زنجیره های یک پارچه ، اینترنت جهان شمول ، دیجیتال گسترده و بسیاری قوت هاوظرفیت های ملی و بین المللی مواجه هستیم که ذاتاً، تفکیکی بین آنها نیست ، غارت گر بیت المال در این تفکیک ، بیشترین سوداگری و کسب منافع دارد ، برای چپاول گر این دیوارکشی وجود ندارد، رانت خواری، تباری و بده و بستان بی مانع است ، برای او مرز قرمزی متصور نیست ، در نقطه آغازین به مراد و مقصودش رسیده است ، **بقیه باید تلاش کنند با مستندات ساخته شده و روابط مستحکم شده و سایر قوایی که از این غارت بیت المال بدست آورده است ، کاخ وی را سرنگون کنند ، اگر در این مساعی بگیر و ببند ، تقسیم غنایم از جیب حاتم طایی ، بذل و بخشش میشود که توجیه گر همان مدیریت رها شده ویا سلیقه**

ای است ، ما باید قبل از پرداختن به ساختار صُلب ، به موضوع ، محمول ودالات هاوروابط آن بپردازیم  
و اگر ساختار مانع وجود دارد ، ساختار شکنی کنیم وشالوده جدیدی بنا نمائیم .

بنابراین ساختارهای مبتنی بر دیوار کشی بین عناصر لازم وملزوم یک زنجیره عدالت گستر و حقوق  
ملت ، خود یک ظلم آغازین ومجوزی آشکار برای تجاوزات آشکار وپنهان است ، در نظر قطعی ما در  
امور اجتماعی ، امور از صفر تا صد درحکم یک زنجیره مقوم قانونی ، اجرائی ، نظارت وکنترل  
وارزیابی های تطبیقی با نظام ها وسیستم های از پیش تعیین میشود ولاغیر ودایره این تفکر سیستمی  
ودکترینال اسلامی آن بقدری گسترده و فراگیر است ، که کسی را یارای خیانت نیست وکودکان امروز ما  
با آموزه های استعلائی آن رشد ونمو کرده ومشاغل خودرا از دوران کودکی ونونهالی در پازل های آینده  
کشور نشانه میگیرند ومصائب فعلی برطرف میشود .

کسانی که به دنبال زیاده خواهی هستند ، از نوع آزادی هائی دفاع میکنند که موانع برای انباشت ثروت  
آنها برداشته شود ، احکام بی مصداق باشند( ثلاث صدق، بخصوص تصدیق حق که در رساله امام  
سجاد(ع) که 50 مورد است که با تجزیه وتحلیل به صدها قوا عد مفید تبدیل شده ودر سه جدول بزرگ  
تکوین ، تشریح وابداع تنظیم شده است) ، رها شدگی برای آن زارع زحمت کش ویا کاسب مُنصِف خطری  
ندارد ، ولی برای زیاده خواه ، بشارت بزرگی است ، حکومتی که از چالش واهمه دارد ، باید از طریق  
تضاد شناسی ، چالش های زیادی را تجربه میکند.

**اینکه باور داریم " کلکم راعٍ وَ کلکم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ " که پیامبر اکرم(ص) فرمود ، نه برای  
تابلو ونقاشی ، نه فقط برای اهل خانه ، بلکه برای کل جامعه از صدر تا ذیل ، یعنی همه مردم با شرایطی  
که قواعد دانش مفید تعیین میکند ، پلیس یکدیگرند ، مواظب یکدیگرند، امر به معروف وناهی از منکرند  
، نباید زیاده خواه را مامور اینکار کرد ، باید این امر مهم با سیستم های اجتماعی از مبداء وقوع اخطار  
بدهد وگزارش آن در معرض تجزیه وتحلیل قرارگیرد وگر نه مثل هزاران توصیه انسان ساز گم میشود  
ومردم هم کاری باین کارها ندارند.**

**انتصاب قضات وانتخاب وکلای دادگستری باید با شاخص های اصیل واستاندارد های سخت انجام شود**  
، ما این شاخص ها را در سیستم یک پارچه وزنجیره ای از مبداء وقوع جرم تا حکم نهائی بر شمردیم  
والگوریتم آنرا رسم کردیم ، موضوع قابل تامل زمان ومکان وقوع جرم است که امروزه برابر مشی کهنه  
تفکیک قوا، خارج از حیطه وقوه قاهره دستگاه قضائی است ، در تشخیص جرم وتکمیل مستندات حقیقی  
بسیار مهم هستند، بدیهی است که منتسکیو در زمان سلطنت لوئی چهاردهم (1643-1715) ، مقتضیاتی را  
مناط طرح تفکیک قوا قرارداده که آن مقتضیات امروز وجود ندارد وبه اعتباراتی استناد کرده که  
اعتبارات وحتى بدیهیات دیگری با ارزش های دیگر امروز مد نظر است ، حقوق سیاسی زمان وی با  
حقوق سیاسی زمان حاضر تفاوت های زیادی کرده است وسیستم های یک پارچه ای قابلیت کنترل  
ونظارت وپیشگیری دارند که درآن زمان نبوده است ،تفصیل این نقد اصولی در رساله مربوطه آمده  
است.

از نظر این مبدع ، روح القوانین ( بدون توجه به کالبد اجتماعی ) ، هرگز بردگی را از بین نبرد ، بلکه  
بردگی سیاسی را با این تفکیک ایجاد کرد ، قاضی خود کامه وروابط وی با سایر قضات همکار ، یک  
حکومت جدید سیاسی بر علیه مظلوم ( ناننوشته ) تشکیل میدهد، انحصار ایجاد میکند ، اصولاً در کل ،



باید جرم را مثل ریشه فاسد یک شجره فاسده در مبداء سوزانید ، این بهترین حالت است وگرنه باید قاضی در سیستم اجرائی با همان شاخص های مربوطه حضور فعال ، ناظر و پیشگیری داشته باشد ، اگر کل حکومت مطلقه دست یک شاه دنیا پرست و خودکامه و شهوت پرست کله شق باشد ، باید دستگاه قضاوت را از وی سلب کرد ، بخصوص وقتی مرد فاسدی بنام فیلیپ و،دی، نیواورلئان (Phillippe D.orleane) و رقااص افسار گسیخته ای مثل مادام پمپاردور که افسار بر دهن شاه می گذاشت ، مشاروان شاه باشند، ویکتور هوگو (Victor Marie Hugo) که یک قرن بعد ( ۲۶ فوریه ۱۸۰۲م. - ۲۲ مه ۱۸۸۵م) فرانسه در جنگ ها و فاصله های طبقاتی و فقر زاید الوصف فرانسه را ملاحظه میکرد ، تمام سخنش این بود ، **فقر زانیده ظلم است و موضوع عدل آنقدر که ماهیت و شالوده ها و توزیع عادلانه ارتباط دارد به روح ارتباطی ندارد** ، امروز هم در فرانسه و هر جای دیگر دنیا که با تفکیک قوا کار میکند ، فقر جانکاه ، ظلم و بیادگری دنیا را فراگرفته است ، **ما به شالوده دیگری نیاز داریم که بحث اصلی ما راتشکیل میدهد ، خیلی از کشورها تفکیک قوا ندارند ، وحدت قوا دارند ، و موفق هستند**

قاضی نباید تابع احساسات ، دنیا پرستی ، شهرت پرستی ، خیال بافی و نظایر اینها شود ، استنباط چنین قاضی ای غلط است ، چون استنباط یا استنتاج به فرایند یافتن و اثبات کردن نتایج منطقی از پیش فرض های است که منطبق با حق و حقیقت باشد و از چنین قاضی ای مقدر نیست ( **شعر گل های جهنم از این مولف** ) ، لذا مستندات ، سیستم ها ، قراردادها ، تضامین قراردادها ، وجود وکیل صالح در هنگام عقد قرارداد ، بیمه گزاری و سایر تدابیر مدیریتی ، دانش و خبرگی قاضی را مشخص میکند که در دانش مفید آمده است ، بررسی مکرر اینجانب نشان میدهد که ما با درک صحیح و خبرگی لازم و کافی ، نه فقط در پیشگیری و انتخاب صحیح قاضی ، بلکه در بسیاری از مشکلات فعلی نظیر تامین مالی طرح و پروژه ها و توسعه صنعتی و غیره می توانیم با ایجاد زنجیره های تامین مالی و بدون هر گونه دیوار کثی ، مشکل تامین مالی مورد نیاز را برطرف کنیم ، این قواعد راه حل های زیادی را در زمینه های مختلف در اختیار مدیران میان رشته ای قرار میدهد و نشان میدهد که سعادت و نیک بختی جوامع بشری در سطح ملی و فراملی ، با این سیستم های یک پارچه و جامع میسر است.

من روح میثاق را ( کتاب سوم این مولف) را برای هدف های مختلفی نوشتم که هنوز بدلیل هزینه گزاف آن چاپ نشده است ، یکی از این دلایل اینست که انسانیت انسان به جسم و روح است و جسم انسان چیزی جز ابزار کار نفس در امور مادی نیست، که اساس توسعه و تکامل انسانی است ، بررسی مستقل روح ، مثل نصایح دلسوزانه اخلاق یا احکام شرعی است که در عمل شاکله و کالبدی را مجسم نکرده و حرکت فیزیکی و هنجارهای سودمندی صادر نمی شود

**انسان از مصدر "انس" یا "انس" است به معنای رام بودن و خو گرفتن و الفت و ملاطفت داشتن و ضد توحش است؛ لذا یک مرحله بالاتر از بشر است. یعنی بشری که یک مرحله از کمال را پشت سر گذاشته و اینک قابلیت همدمی و همزیستی و همکاری پیدا کرده است ، این خصیصه در حیوانات در بسیاری از موارد و تجارب به منصفه ظهور رسیده است ، فطرتی در ذات انسان ( رجوع شود به انسان شناسی قرآن ) که رافت اسلامی و رثوفت رحمان منان را موجب میشود که این اشد من الرحمان است که برکاتی نصیب انسان و طبیعت میشود که ذهن های معیوب قادر به انتزاع این گوهر نهان نیستند ، قوانین**



و مقررات بشر ، واحکام شرعیه و اخلاق عملیه این مدارج را طی نکرده و ثلاث صدق را شاخص بندی و استاندارد نکرده است و عادات پسندیده آن بروز و ظهور نکرده **و چنین هوش و حیات سیاسی ایجاد نشده** و این مراتب مهم و واجب و اجبات نشان میدهد ، روح القوانین ، مثل نرم افزار بدون سخت افزار مرتبط با آنست ، **ما از جمهوری اسلامی ایران و از بیانیات بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (قدس سره شریف) چنین ترکیب روح و جسمی را درک میکنیم .**

قوانین کل هستی در حیطه ناسوتی و طبیعت زمینی ، گردش خورشید و ماه ، جریان های حقیقی ، تکوین و احکام شرعی ( با قید ثلاث صدق ) و ابداعات بشری و آنچه در این حوزه بحث میشود ، از چنین ترکیب علت و معلولی و علیت تامه و علیت تراکمی شاکله میگردد در این صورت روح شیطانی حاکم میشود و تعاونی بین روح و جسم بر این مدار حاصل نمی شود.

بدبختی بشر که از خروج از حیطه انسانیت ناب ایجاد شده است ، اینست که چشمان خود را به برج و بارو ، کاخ ها و جثه های بزرگ دست ساخته بشر دوخته است ، گنده نگاه کردن ، گنده حرف زدن و استناد به این گندگی ها ، **که جسمیت یافته و از این مجسمه ها روحی هیولانی انتزاع میکند که خوشایند مردم است و غرور ملی را بر می تابد ، پول های ربوی تا 43 در صد را به برج ها تبدیل کرده و سپس با قیمت گزاف به همین مردم فروخته شده و عده ای برای عقب نماندن از این عظمت گرانی و دال قرار دادن آنها به عنوان توسعه و تمدن ، چه صنایعی را راه می اندازند که منسوخ شده است و چه دکان هائی دایر میشود که محصولات این صنایع منسوخ شده را به همین مردم بفروشند ، این یک بدبختی بزرگ است که افکار نظیر منتسکیو و هزاران اندیشمند دیگر را اسیر زمان خود کرده است ( به شعر این مولف به عنوان زندانی زمان در انتهای این بخش مراجعه شود) ، علی علیه السلام و استاندار ایشان در بصره در گوشه یک مسجد ، حکومت بزرگی را اداره میکردند ، که از مصر تا خراسان بزرگ وسعت داشت ، این تاریخ حقیقی ما برای خواندن ، یادگرفتن و درست هزینه کردن و لجستیک عدالت توزیعی و صدها الزامات حکومتی است ، در این مورد به مقالات این مبدع مراجعه شود.**

**ما امروز جرایم را به گردن یکدیگر می اندازیم ، بین یک نماینده دلسوز و فهیم ملت در مجلس و یک مسئول فهیم و متقی در دولت و یک قاضی عدالت خواه و حق شناس ، یک کلمه بیشتر نیست و آن ایفای حقوق جامعه و تک تک افراد آن و این بمعنی روح و جسم مرکب یک نظام جذاب و افتخار آفرین است و هر جا که این جنبه اتفاق افتاده ، به کف زدن و شور ملی انجامیده و هر جا که این قدرت ملی تضعیف و یا سلب شده از هر کس و هر قوه و به هر نحوی از انحاء از ناحیه نظام تلقی شده و دشمن شاد شده است ، هزینه سنگینی را در این مورد از دست داده ایم ، بقول پیشگامان توسعه ، به فرضیات اقتصادی یا سیاسی گذشته واقعی ننهید و بر اساس مقتضیات نظام خود ، راهبردهای خود را قوام بخشی کنید ( به 5 طرح توسعه از این مولف مراجعه شود).**

**باید فساد را از مبداء آن خشکانید و آب زلال را از سرچشمه پاک طلب کرد و این پاک سازی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که اگر نبود در طلیعه انقلاب اسلامی ، در همان موقع شالوده انقلاب بهم می خورد ، مریضی در جسم و روح موجب تزايد بیماری های بی شمار میشود و مشتریان فراوان برای بیمارستان ها و دستگاه قضاء زایش میکند و دکان کسب و کار زاید و مضر می سازد و سلامت جامعه به خطر می افتد**

وهوش اجتماعی متوجه نوعی درآمد های غیر مشروع میشود که با جریان نهادینه شده فساد سازگاری دارد و دستگاه قضاء در این جریان سونامی چه میتواند کند؟ جزء اینکه قاضی را آلوده میکند و مردم را برای مشارکت با چپاول گران انگیزه میدهد ، طبیعت جهان و طبیعت اشیاء اعم از گیاهان ، و حیوانات و سایر موجودات ، به اصول پاک الزام دارند ، **اصولی که راهنمای دقیق برای ایفای مدیریتی آنست ،** توسعه امری وابسته به این موضوع مهم است و غفلت از این مراتب و جریانات آن گناهی نابخشودنی.

**آقایان و خانم ها، بدانید ما اگر چنین شویم بدون ذره ای تردید ، کاروان تمدن غالب و جاذب آینده را راه انداخته ایم ، اصول راهبردی این کاروان وجود دارد ، چنین تخصص هائی در دانشگاه ها تدریس نمی شود و هنوز احکام مصدق آن استاندارد نشده و مضامین حق و حقیقت در لفافه های اجتماعی نهان مانده است ، تقوی سیاسی منتسکیوئی پاسخ روشنی در این مورد بما نمیدهد** و روح القائی وی مبهم و کهنه است و شرافت حکمرانی وی ، مثل نگاه و خیره شده وی به کاخ ها و برج و باروی های روم است ، تقوا در اسلام یعنی ایجاد سیستم های اجتماعی بر اساس مصادیق قرآن کریم و آشکار شدن آنچه که میگوئیم " صدق الله العلی العظیم" و گرنه قرآن در قرائت بما سودی نمی رساند. مثلث " صدق نظری، صدق عملی ، صدق مبتنی بر ایفای حقوق متقابل" یکی از 5000 قواعد دانش مفید

### شعر گل های جهنم از دیوان محمود صناعی پور مورخه 1380 /10/6

ای دوست دانی که چیست گل‌های جهنم	آن گل‌ها که باشد زینت سرای جهنم
بهشتیان ، چون به دوزخ کنند نگاه	بینند آتش گلان ، در هر کجای جهنم
آنان که از پل صراط ، کنند عبور	ترسم بلغزند در محو تماشای جهنم
جمعی به انگشت شهادت نهند نشان	آن گل قشنگ کو شده انگشت نمای جهنم
گلبرگ های آتشین ، آن گل قشنگ	مستمر میزند لهیب ، تا فراخنای جهنم
آن گل قشنگ جز قاضی بدکاره نیست	کو هیزم تن خود کرده ، آتش سرای جهنم
در مسند قضا ، زدید ناموس مردمان	اینک آتش گرفته، در مسند سرای جهنم
مال حرام خورد و دادحکم نابحق	اینک محروق میخورد، چرکین غذای جهنم
" محمود" آنکوحقت بخورد، نکرد فهم	که تمام دهر نیرزد ، بیک لقای جهنم

### س: اعتبار سنجی قوانین و مقررات

اعتباریات و اخلاف آن اعتبار سنجی ابزاری یک بحث فلسفی استعلائی بوده و بهترین بیان را در رئالیسم علامه طباطبائی رحمت الله علیه یافتیم ، اعتبار سنجی شقوق و کاربرد های مختلفی در مصادر امور دارد بیک عبارت امری تنقیحی برای سلب و ایجاب ها ، کشف و شهود ضرورت ها ، تعیین بازدارندگی ،

لنگرهای نگهدارنده و در کل صیانت از نظام به طریق مختلف است که موضوع اعتبارات این موضوع راتعیین تکلیف میکند برای اینکه اداراکات اعتباری موضوع معرفت شناسی از موضوع هستی شناسی است ، قلمروی مربوط به اعتباریات همان قلمروی های ضروری مقتضی روز است که محصولات بدست آمده پاسخ گوی نیازهای واجب مردم باشد بحثی است متافیزیکی که به ابزار های فیزیکی کاربردی شده از همین متافیزیک هستی شناسی نشئت میگیرد ، تا حقایق متافیزیک آن شناخته نشود این ابزار ها نیز شناخته نخواهد شد ، صرف ابزارهای فیزیکی و هوشمند سازی آنها حقایق مورد فهم نظام شناخته نشده و حقوق ملت ایفا نمی شود ، فیزیک بدون فهم متافیزیک مورد نیاز سعادت بشر ، کور است ، **کشوردر برقرای نظام اسلام ناب محمدی (ص) محروم از این ابزارهای اعتبار سنجی است** ، دراین مورد به دکترین ، استراتژی های مربوطه ، احکام کاربردی و مستند به این فلسفه و علوم و فنون آن نیاز است .

**چنین الگوی قابل صادرات است** ، غرب و غرب زده ها و هر چه از جنس غرب است و نسبت به آن ساختار یافته است ، **اعتباری دراین مورد ایجاد نکرده است** ، بلکه مسبب حوادث نا گواری شده است که در این مبحث بیان شد، ولی ما می خواهیم ، با استعانت از خداوند متعال و با اتکال به قدرت و اراده لایزال حق تعالی ، در تجلی چنین زندگی سعادت مند و فرحبخشی همت بگماریم ، این خصایص و شاخصه های آن از دستگاه حسی-ابطالی دریافت نمیشود این دستگاه با عقل برهانی حجت نما نیست ، مسئولیتی برای عدالت پروری ندارد و کنجکاوای انسان را برای خیر و شرّ تحریک نمیکند ، یک دیده بان صوری ، شنونده صوتی ، لمس کننده عَرَض شیئی ، بلندگوی آنچه است که از درون و بیرون به آن خبر میرساند، این مقدار علوم و فنون حسی از فیزیک دورگگو ، تا کنون ما را گول زده و آنقدر که القاء شیطان را بما نمایانده، از الهامات الهی کیفیتی ارائه نکرده است ، **اسلام ناب محمدی (ص) بر این مبانی استوار است و بطور طبیعی به آموزش شناسی ، انسان شناسی ، تکلیف شناسی و... خودش نیاز دارد**، اگر قوت و استعداد آن در ما بروز نکرده است ، فکری بدان بکنیم ، دور یک دایره نچرخیم و مثال سانتریفیوز نباشیم ، اینها کارشان ، ریز کردن و ریز کردن است ، هر چه ریزتر کنند ، نمره بیشتری نصیب ریز شناسان میکنند ، سیستم ها از کل نشاء میگیرند و بسوی تشابهات فراکتالی مورد نیاز طبیعت جامعه و آنها نظامند ، با مقیاسات ریز و درشت ، تجسم می یابند . **ارزیابی های اعتبارسنجی و ابزار آن ، مطابق با ارزش های انسانی است که با وسائل و امکانات قانونی مثل مسکن و سایر مسکنت های اجتماعی شاکله پیدا میکند**

برخی از کمبود های در باب اسلام ناب محمدی(ص) از راه استصواب تحصیل میشود که خود به خیره میان رشته ای محتاج است ، این بحث فقط مخصوص دستگاه قضاء نیست ، اکوسیستم های قضائی در بخش اجرا جای خوش کرده است ، این بحث جامع و جهان شمول برای شهروندی ، تمدن ، زندگی ، ایفای مردم تا 5000 قاعده از دانش مفید ( حداقل) گسترش دارد و هرگونه توسعه پایدار در هر جنبه ای از جنبه های حکمرانی و تمدن سازی آینده ، زمینه ، رویکرد، مضمون ، متن و محتوا و دادهای آنرا میسازد چنین دستگاه فلسفی که علوم و فنون مولد ثروت تبدیل میشود ، شاخص ها ، مناط ها ، استانداردهای معنوی ( **که طی نامه ای مفصل به سازمان ملی استاندارد ارسال کردم و کاری نشد**) و فیزیکی و غیره از این دستگاه ، تضمین کننده اعتبار سنجی نظام است ، تفسیر و تعبیر از تضارب افکار ، سازمان سازی بدون مبنا

و... کاری از پیش نمیبرد، البته اشتغال را است و مرحم کمی برای زخم جوانان بیکار ولی در نهایت ، آن صحبت های زیبایی که پشت تریبون اداء میشود و مایه تدبیر و امید میگردد، منجر به تنقیحات و صاف کاری نمیشود ، مردمی که ما از آنها سردرآورده ایم ، بصدای خشن چکش صافکار را بیشتر امید دارند ، دوست دارند صدای چکش را بشنوند ، به نظر میرسد صدای چک های کاخ نشینان قوی تر از ناله کوخ نشینان است ، خوب صاحبان پول و منال ، صافکاری زیادی یاد گرفتند که ما فقط حیل آنها یاد گرفتیم ، بیش از این اختیار صافکاری نداریم ، یکی از رفقاء میگفت : فلانی! ، اینقدر نعناع داغش را زیاد نکن ، **العاقل یکفیه الاشارة** ، گفتمش برادر : طومار ها فرستادیم وقعی ننهاندند ، دم خروس نشان دادیم ، منکر شدند ، بوی نعناع برای مشام مطلوب تر است .

### ش: زندان ذهن

#### شعری به مناسبت زندان ذهن

یکی کردی خیال ،ذهنی دارد چون عقل کل	بی نیاز است از دانش و فن در هستی کل
می تواند با چنین ذهنی ، سازد صد نظام	ندانستی با دانش و حکمت ، دنیا آرد بکام
چون حکیم از وی کردی چندین سوال	دانست این ذهن خالیست ، در زندان خیال
مرغ جان رادر تن خویش کرده قفس	در قفس ، زندانبان ذهن گشته ، هم نفس
جان در زندان تن ، تن در خاکدان زمین	در چنین زندان صد دیوار ، نقش وی بین
خالی از کم و کیف ،بهر مردم چون کند ؟	بهر نان و خورش خود ، صد افسون کند
در چنین صد دیوار ،لنگ لنگان میرود	با رهن کارت ،حساب خویش، هجران میرود
کار با عمل آید ، با صد گفتار نیست*	آدمی با ذهن خلاق ،بازی گر مگار نیست
اکتفاء بر عقل حسّی، حبس است حبس	چشم دل باز کن ،بین هست جانست در قفس
این قفس بشکن ، مرغ جان آزادکن	عقل معرفت بگشا ، پنجره از خرد ،باز کن
مرغ جان چون در قفس محبوس شد	آدمی کی از دستگاه حسّی تن ، دارد شنود
کار نیک بهر مردمان ، الهامی است	کار الهام، منفصل از این دید صوری است
آنچه در واقع می بینی ، حق کجاست؟	حقیقت پشت پرده حکمت اسرارها ست
باید ذهن را با خردمندی داد پرورش	با تفکر و ذهن خلاق و جولانی پر گنش

ذهن خلاق از تن تو با ارزش تراست  
 سر در تن انسان دانا، مدیر ورهبر است  
 جان ما زین عالم خاکی هستش جدا\*\*  
 ما همه هستی صغرا داریم ، به بر  
 ما همه هستی صغرا داریم ، به بر  
 ملتی کان علم دارد و عقل و هوش  
 نه هر خام، مایه سرمایه ای صادر کند  
 نفت خام و کنستانتیره، چون ارزان فروش  
 حال پیاز، گوجه فرنگی در ماوراء بحار  
 آنچه میدانیم از نادانی ی ذهنهای پرخیال  
 هر چالشی کان تحلیل کردم با درخت تجزیه  
 ای خوشا آن دل میجوشد بهر پیشرفت وطن  
 ای خوشا آن سر ، سرافراز هر تن است  
 ای خوشا ، سهم تحقیق بود در بودجه ها  
 ای خوشا محمود ، داری دوستانی چنین  
 محمود صناعی پور ( محمودیه ) ، تاریخ : 98/5/24 ( از دیوان محمود صناعی پور )

### خ: کنکور جهانی و آمادگی دائمی

در کار که در میمانم ، در آزمون الهی گیر میکنم ، موضوعان باندازه کافی بغرنج بوده ، اینک بغرض تر میشود ، **آزمون الهی سخت ترین تکلیف انسان به خدای سبحان است** ، یک بار کنکور دادن نیست ، از زمانی که مکلف میشوی تا زمان احتضار ، مامور آزمون بالای سرت است ، لحظه به لحظه ، دم بدم ، از یک طرف فکر میکنیم همه چیز دست خدا است ، بدون تقدیر خدا برگ درختی به زمین نمی افتد، میتواند همه بندگان مومن قرار دهد ، می تواند شیطان را از دایره امور ما دور کند و قدرت القاء کننده این رجیم را خنثی نماید، ظالم و کافر را به رنج ها و عقوبت ها مبتلا کند ، کاخ نشین را زیون و کوخ نشین را از خاک بلند کند ، ولی در ابتدای کار میفرماید " **متاع دنیا قليل است** " دلت به دنیا خوش نکن ، معلوم میشود که مومن بدلالی که آئین مومنی را پذیرفته است ، نمیتواند میل و قصد کاخ نشینی کند ، **تا جایی که دنیا سجن المومن** ، مومن با خدا در آن تنهایی های شبانه که خوابش نمیروود با خدا وارد صحبت میشود ، شکایت دارد ، شکوه دارد ، عرض حال میکند گوئی که خدا این حالی را خوش میدارد ، الابه ذکر الله مطمئن

القلوب چنانکه فرمود آیه 28 سوره رعد " الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ " عجب حال خوشی است ، با آن حال آرام گرفته و قلب مطمئن به خواب میرود که صدها کاخ نشین ، خوابش را نمی بینند .

محققین اهل روان شناسی روی حال خوب (good mood) ، خیلی کار کردند و پول دار هم خیلی هزینه میکنند حال خوش داشته باشند ، با قرص ، با شراب ، با قمار ، با شهوت و... ولی پس از مدتی امراض سختی مثل سفلیس ، ایدز ومرض های مسری و غیره دچار شده و مومن که در این چاله نکبت بار نیفتاده است ، نجات یافته است ، خدا رنج بردن مومن و تلاش وی را تا آنجا می ستاید که رسیدن به هر هدف مقدسی را برای او میسور ( وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ ) میداند ، رد خور ندارد ، سعی و مشاهده کن از پنجره های الهی و کلید های فتح المبین ، حالا می خواهی به ملاقات خدای سبحان بار عام یابی، آیه 6 سوره انشقاق " يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ " یعنی : ای انسان البته با هر رنج و مشقت (در راه طاعت و عبادت حق بکوش که) عاقبت حضور پروردگار خود می روی. یک نفر که راهی کنکور میشود به امید برنده شدن و آوردن نمره مقبول و برتر است ، در غیر صورت مغبون است ، البته بستگی تام به همت خودش دارد ، باید آمادگی داشته باشد ، ولی بنده خدا در تمام عمر کنکور دارد، **به یک عبارت باید تمام عمر آماده باشد ، مومن به دلیلی که مومن است و تقوا دارد ، یک امتیاز دائمی آمادگی دارد که غیر مومن ندارد .**

ولی آزمون خدا یک طرف و یک طرف خدا هم صحبت می خواهد ، یک بنده با این صاحب حق که حقش را کاخ نشینان ، حق خوران، حق شکنان ، حق بندگان خوران و... خورده اند ، می خواهد از دل و زبان بنده بشنود ، نماز فقط کافی نیست ، استغاثه و شکایت و شکوه حال دیگری دارد این نیرو عجیبی است ، یک نفر بمن مراجعه کرد که من مریض هستم و آرامش ندارم ، نگران هستم ، چه کنم ، به او گفتم ، با خدا حرف بزن، چند روز بعد نزد من وگفت ؛ فلانی خدا خیرت بدهد ، خوب شدم ، گفتمش خدا طیب است ، حکیم است ، طبابت کار خدا است ، قرآن کریم، از ابراهیم خلیل(ع) نقل می کند(آیه 80 سوره شعراء ) که فرمود: وَإِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي ؛ و چون بیمار شوم، او (خداوند) شفایم می دهد. این سخن بدین معناست که طبابت، کار خداوند متعال است و طیب و واقعی اوست. خداوند است که خواص درمانی را در داروها نهاد و در نظام آفرینش برای هر دردی دارویی آفرید و به انسان، استعداد شناخت دردها و داروها و چگونگی درمان آنها را عنایت کرد و بدین سان، او را مظهر نام های "طیب" و "شافی" و "وافی به عهد" خود قرار داد، چنان که پیامبران الهی نیز (برای درمان بیماری های جان) مظهر این نام های مقدس هستند، پس باید شکوه و هم سخن شد و هم باید بطور مستمر آماده ملاقات بود تا حد " با یک تیر دوشان ، احدی الحسنین " و راهش عشق است که بالاتر از عشق به خدا ، بالاتری نیست ، همه چیز اوست و همه چیز نیکو برای این دوست نکوست ، شرس آزمون و خیرش غنیمت ، آیه 35 سوره انبیاء " كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ " یعنی : هر نفسی مرگ را می چشد، و ما شما را به بد و نیک و خیرات و شرور عالم مبتلا کنیم تا شما را بیازماییم و (هنگام مرگ) به سوی ما بازگردانده می شوید).



Every soul shall taste death, and we will test you with good and ill by way of test, and to us you will be brought back. (زیاد هم سربسر خدا بگذاری میفرماید: والصبر صبرا جمیلاً" بدهکار هم میشوی!).

ما مجنون را بهر لیلی پرداختیم  
بر گردنش ریسمان عشق انداختیم  
می کشیم آنجا که لیلی است منتظر  
هر که این سربداند، کند پرواز در هنگام سحر

**فرمود: "ما رأیتُ الا جمیلاً"\* (جز زیبا چیزی ندیدم) I saw nothing but beautiful**

تجلی گاه انسان در رضا و تسلیم او به حق  
هر که زین لبیک گو نیست، فرو افتاده زحق  
گر خواهی لقای ذات حق بینی اندروصال  
جزء حق را لا گو، ای در الطاف وصال  
نور حق از شمع وجودت میگردد عیان  
این عیان بگذاشته ای ، فنا کردی عیان  
گوهر لبیک گویان باشد از علم الیقین  
بعد از آن تراود از جانشان، عین الیقین  
هر که دیده باشد این منظر زیبای وجود  
هم خود یافت ، هم تمام وجد او برحق نمود  
باید آنجا رفت ، که پرچم حق کردند اهتزاز  
آنکه ظالمان گشته ، در جمع باشد سرفراز  
ظلم برافکندن ، وظیفه انسان است تا لحد  
بهتر از این زندگانی ، بر فکرت ما نگذرد

سالار عشق فرمود ، ان الحیوة عقیده و جهاد\*\*

غیر از این هر که خانه عنکبوتی را نهاد  
خانه ای که در آن شمع هستی افروختند  
صد هزاران پروانگان در آتش آن سوختند  
در بر گرفته " نحن اقرب الیه من حبل الوریثه \*\*\*"  
چنین ریسمانی از نور حق، هیچ بیگانه ندید  
" چونکه ریسمانی بر گردنم انداخته دوست "  
" میکشد آنجا که خاطر خواه اوست "  
این شرط تسلیم و رضا، مظهر زیبایی است  
راضیه و مرضیه، نفس آرام راضی است \*\*\*  
از شهنشاهی یست که کند عشق حق را شکار  
زینب کبرا بداندم عشوق صاحب ذوالفقار \*\*\*\*  
چون که هستی از این نشئت مستی فزود  
در چنین عشق بازی عباس سقا را ستود  
در تسلیم است که بر اداری چنین نکوست  
در شط آب از دست ریزد، از شرم دوست  
گر چه بستند سد نامهربانی بر دلج و فرات  
تشنگی آرد به فردا بر دجله و رود فرات  
در خانه عشق خدائی مهمان گردند عاشقان  
صد هزاران پروانه شیدا، سوی آتش روان  
جزء جذبه ای نیست زین گوهر ناب وجود  
جسم در زحمت است، تهی از هر چه جود  
آنکه دارد عشق جانان در وجود هستیش

درد نشنود زین جسم ناقابل، در مستیش  
هان بت پرست دارد ، بتی ازروح سرد  
مجاهد ، در شهادت ها نباشد خود پرست  
قهرمانان جهان ، شمع وجودند و رهنما  
باید از آنان درس گیریم و راه و رسم صفا  
گرنشینی درخانه احزان با جسم غمگسار  
حسین سراز تن جدا، یزیدیان استرسوار  
چون **سلیمانی** باید برداعش خونخوارتاختن  
این جسم درنردعشق بازی به جانان باختن  
سردار **سپاه حق** ، زین مرآت زیبا تر ندید  
باید زیبائی را از **ساربان کاروان حق** شنید  
بس کن محمودا، تو زین اقیانوس دلدادگی  
گر هزاران سال گویند از آن، کم نگردهد خسی  
**محمود صناعی پور مورخ 1399/6/18 (دیوان شعر)**

\* سخن رانی زینب کبری در کاخ یزید درشام

\*\* در خطبه سالار شهیدان در واقعه کربلا

\*\*\* خدا میفرماید "من از رگ گردن به شما نزدیک تر هستم"

\*\*\*\* آیه شماره 28 سوره فجر از قران در مورد نفس مطمئنه

\*\*\*\*\* نام شمشیر رسول خدا(ص) که به علی ابن ابیطالب و بر حسب ارث به فرزندان ایشان رسید در واقعه کربلا ، در داستان حسین علیه السلام بو

**د:پاره پاره کردن شالوده های جهان**

روزی که شالوده های جهان پاره پاره شد ، شالوده عشق هم پاره پاره شد و هر کس از این عشق به زعم خود طرفی بست ، یعنی که جان پاره شد ، جسم را پزشکان پاره کردند و جان را کافران ، این تن پاره پاره

وجان پاره پاره بارامانت چگونه به منزل دوست برساند و به صاحبش بدهد ، هر پارگی از غریبه است و هر وحدت از دوست ، توحید در عشق است و عشق از توحید ، توحید در محبت است ، در صلح است ، توحید در اساس حکمرانی است ، حکمرانی پاره پاره نداریم ، اگر پاره پاره شد ، قدرت رهبری کشور تضعیف یا محدود میشود ، کاملترین جلوه حق در توحید است آیه 165 سوره بقره " وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ " یعنی : "برخی از مردم (نادان) غیر خدا را همانند خدا گیرند و چنانکه خدا را بایست دوست داشت با آنها دوستی ورزند، لیکن آنها که اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط به خدا مخصوص دارند"، عشق در دل مومن جاری است که خدا میفرماید که بعضی ها خیال میکنندکه خدا درقران از عشق سخن نرانده است ( رجوع شود به حدیث قدسی ، من طلبنی وجدنی ...). کثرت در وحدت شناخت است ، تا وحدتی نباشد ، کثرت از خودش وجدی ندارد ، یکتائی انسان که نباشد ، اجزاء جزئی از انسان نیست وگرنه ، یک زنجیره کارخانه میساختند که کارشان قلوه سازی یا کبد سازی باشد ، انسان اتومبیل نیست که قطعه سازی راه بیاندازی ، همان است که قبلاً گفتم که کثرت همسان و اخلاف فراکتالی و طبیعی و در هم تنیده و متراکم شده وحدت است ، دنیا را به نادانی پاره پاره کردند و توحید که مجوف پذیروخلل پذیر نیست ، مثل خدایان که مسیر پاره کردن به کسانی نشان داد ، که توحید را نفهمیدند .

هر جزئی در این پیوندگی و درقید حیات وحدت گونه آن ، قابلیت های کل را برمیناباند ، در چیز حالتی ، جزء بر ضد کل که در پیوند با کل است ، به ستیز بر نمی خیزد ، **بدن سالم ، عقل سالم را حمل میکند** ، مثل اینست که بگوئیم که عقل سالم در بدن سالم است ، البته عقل یک خصصیه جسمانی نیست و از حوزه متافیزیک تغذیه میکند ، **گمان مبر که قلب غیر این است که مهبط خدای مهربان است** ، رگ همانجائی است که خداوند معیت خود را شروع میکند ، وقس علی هذا ، جمهوری اسلامی ایران ، وقت خود را بیهوده برسر چیزهای بیهوده تلف کرده است که میشد الگوی جهان در متافیزیک شناسی جهان شود ، ولی اقتضانات اتلافی اورادر اقتضانات عقل برهانی در شالوده توحید هستی ، که او را می توانست سرآمد کند ، از کفش ربود ، هیچ جزئی از سلامت کل به رنج نمی افتد ، کل رنجور ، اجزاء رنجور دارد ، **یک جزء قوی ، قادر نیست که کل را به دنبال خود بکشانند ، به این نکته برای تامل آن خیره شوید که مطلب ما گیرتان بیاید**، این را در یادداشت خود چند بار بنویسید که از جائی صادر میشود که توحیدش پنجره گشوده است ، وگر نه آدمی را اینقدر قوت و استعداد نیست که از اقیانوس علم النفسی خود این چنین بازتابی داشته باشد ، **عشق و توحید در معیت یکدیگرند** ، در مکتب توحید این عشق است که صاحب توحید را به دل مومنان متجلی میکند ، با عشق دل و مشتاقی برای لقای واحد احد ، رنج را با عشق آسان کنید. ما شاء الله لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بگوئیم الله اکبر بگوئیم وبارک الله بگوئیم

ژ: پازل های جدا از هم با قابلیت ساختار یافتی به زعم غربی

سه سال قبل از نابودی کامل داعش توسط شهید سردار سلیمانی ، جرج فریدمن (George Friedman) تحلیل گر سیاسی جهانی که خود را همسان فوکویاما وکیسنجر میداند پازل هائی را سرهم کرده (شکل 4) که این قسمت که شامل فلسطین ، سوریه ، لبنان ، عراق و قسمتی از ایران بود به زودی به اروپا ملحق

خواهد شد، این گزارش با شرح و تفصیل و تصویر و نقشه در ایمیل من ظاهر شد؛ مطالعه کردم و خیلی عصبانی شدم؛ نامه تندی برایش نوشتم که حاکی از حقارت ساختن وی در این تحلیل نامه ها بر اساس مقاصد شیطان بزرگ و صهیونسم جهانی است، انشاء کرده و ارسال نمودم، با خود گفتم اعتراض میکند و پاسخ تندی بمن میدهد، سه سال گذشت و داعش نابود شد و نامه فریدمن برای من آمد و سوال کرده بود که توجونگه فهمیدی که داعش نابود میشود و این مناطق به اروپا ملحق نمی شود با این هزینه هنگفتی که غرب نموده است، پاسخ دادم: تو اخبارت از کله پوک امثال ترامپ کسب میکنی، ما به منابع بزرگی از اخبار جهان دسترسی داریم، در 1400 سال پیش مولایم علی علیه السلام، آمدن داعش، خصوصیات آنها، پرچم مشکی، ریش های بلند و کلمه **لا اله الا الله** را روی آن حک شده را کاملا شرح داده و آینده آنرا فرموده است، شما و امثال شما از نظر ما بی سواد تلقی میشوید، بعد از این هر وقت خواستی در مورد ژئوپلیتیک جهان تحلیلی بدهی از من سوال کن و بعد قلم فرسائی کن، حالا این آدم به امریکا توصیه کرده: **جورج فریدمن تحلیلگر مشهور آمریکایی در کتابی جدید با عنوان «دهه آینده» به دولت آمریکا توصیه کرده است به اتحاد با ایران روی بیاورد.** ([توصیه جورج فریدمن به آمریکا درباره ایران – Irinn](#))

در مورد جنگ میگوید: وی دور بودن آمریکا از نقاط درگیری را عامل قدرت گرفتن این کشور دانسته و گفته است که تنها کاری که آمریکا باید این است که دیگر کشورها را با یکدیگر درگیر کند تا توان حمله به این کشور را نداشته باشند. فریدمن میگوید: "حالا در موقعیتی هستیم که هدفمان جلوگیری از ظهور هژمونی است. نیاز نیست برنده شویم. کفایت نوازیم"

در مورد ایران میگوید: جرج فریدمن در «ژئوپولیتیکال فیوچر» نوشت: آمریکا در موقعیت دشواری است. دست روی دست گذاشتن نیز، ائتلاف خاورمیانه ای ایالات متحده را زیر سوال می برد و به ایران اجازه می دهد دامنه نفوذش را افزایش دهد. راهبرد فعلی آمریکا با ترامپ، جلوگیری از درگیری مستقیم و اعمال فشار اقتصادی است. اما اعمال تحریم های جدید نیز با مشکلاتی روبه روست: تحریم های بیشتر، تاثیر محدود و ناکارایی خواهند داشت.

در مورد ترامپ میگوید: "جرج فریدمن"، نویسنده و استاد علوم سیاسی در دانشگاه های آمریکا ظهور فردی مثل دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری این کشور را حاصل بی اعتمادی مردم این کشور به طبقه حاکم دانست.

در مورد آمریکا میگوید: [جرج فریدمن: آمریکا گزینه معتبری مقابل ایران ندارد](#)

یک تحلیلگر ارشد آمریکایی تصریح کرد: ایرانی ها، ایالات متحده را در محاصره ای بزرگ گیر انداخته اند و آمریکا فاقد گزینه نظامی معتبر در مقابل ایران است. مقاله ای از جرج فریدمن، روزنامه نگار آمریکایی.

ایران قدرتی مهم در منطقه و مهد تاریخی یکی از تأثیر گذارترین تمدن های جهان است. اما برای این که به چیزی فراتر از قدرتی منطقه ای تبدیل شود، باید برخی شرایط را داشته باشد. نشانه های اندکی وجود دارد که نشان بدهد این اتفاق در آینده ای نزدیک می افتد. ایران یکی از قدرت های ژئوپلیتیک مهم هست و خواهد بود؛ اما جغرافیای این کشور به طور ذاتی قدرت آن را محدود می کند.

شکل 4



#### شیوه شناسی این مبدع در تحقیق

باید از علم حضوری و علم النفسی خود به عقل برهانی دلیل نما که مدالیل خود را نمایان میکند به بخش نهان مانده کوه هستی (شکل 2) وجود خود و جهان هستی رخنه کرده و با نقب زنی به گوهر های آن دست یافت ، این چنین رگه شناسی و گمانه زنی شریان های هستی از طریق دانشگاه های فعلی میسر نیست ، از نظر این مبدع ، دنیا یک دانشگاه بزرگ برای یادگیری است ، مقدماتی دارد که دنیا تورا قابل یادگیری دانسته و به عنوان دانش پژوه پذیرش کند ، چلچراغ ( شکل 1) شروع مناسبی است که الفباء را می آموزی ، روش های را مرور میکنی ، باید این یادگرفته را حتی المقدور عمل کنی تا راه رسم پروژه های یقینی بدستت بیاید که تا علم به یقین نرسد به عینیت تبدیل نمیشود و یا ایفاء نشود ، حقی ایفاء نشده است ، کلیات قضیه اینست که تا عاقل نباشد نمی تواند عقدی را منعقدسازد، دیدگاه ها و خواسته های امام امت(ره) ( در مورد حکمرانی و شروطی که ایشان مطمح نظر داشتند با آنچه ما دنبال میکنیم سازگاری دارد و مسائل مطروحه امام عزیز متوقف نخواهد شد که قدر مقدر همین است ، برای اینکه میفرماید: "



مقدمه علم ؛ آن است که دانستن ذوالمقدمات متوقف بر آن باشد. (فرهنگ علوم نقلی). عبارت از امر یا اموری است که شروع در مسائل هر علمی متوقف بر آنهاست اعم از آنکه نفس شروع متوقف بر آنها باشد مانند تصور به وجه آن علم و تصدیق به فایده آن و یا شروع بر وجه بغیره مانند معرفت به رسم آن و فوائد تفصیلی که مترتب به آن است و غیره از رؤس ثمانیه . (فرهنگ علوم عقلی). (مدرک:مقدمه. اول از هر چیزی و جزء پیشین و نخستین از هر چیزی . (ناظم الاطباء)

شیوه های نوین بحث برهانی در مدل ( UKRM ) بر پایه علمی است که الگوهای استصوابی که در بوته " نیت ، نظریه ، عمل " موفق و پایدار بوده و موجبات جلب دوست و دشمن برای مشارکت و همکاری بوده است ، بیشتر جذب و بکار میگیرد و منظومه چلچراغ دایر مدار آنست که شرح فراوان دارد که الگوهای آن ها در ترسم های این مدل بشرح زیر طلایه دار پلتفرم آینده آن است:

## مدل مدیریت UKRM

### شکل اول

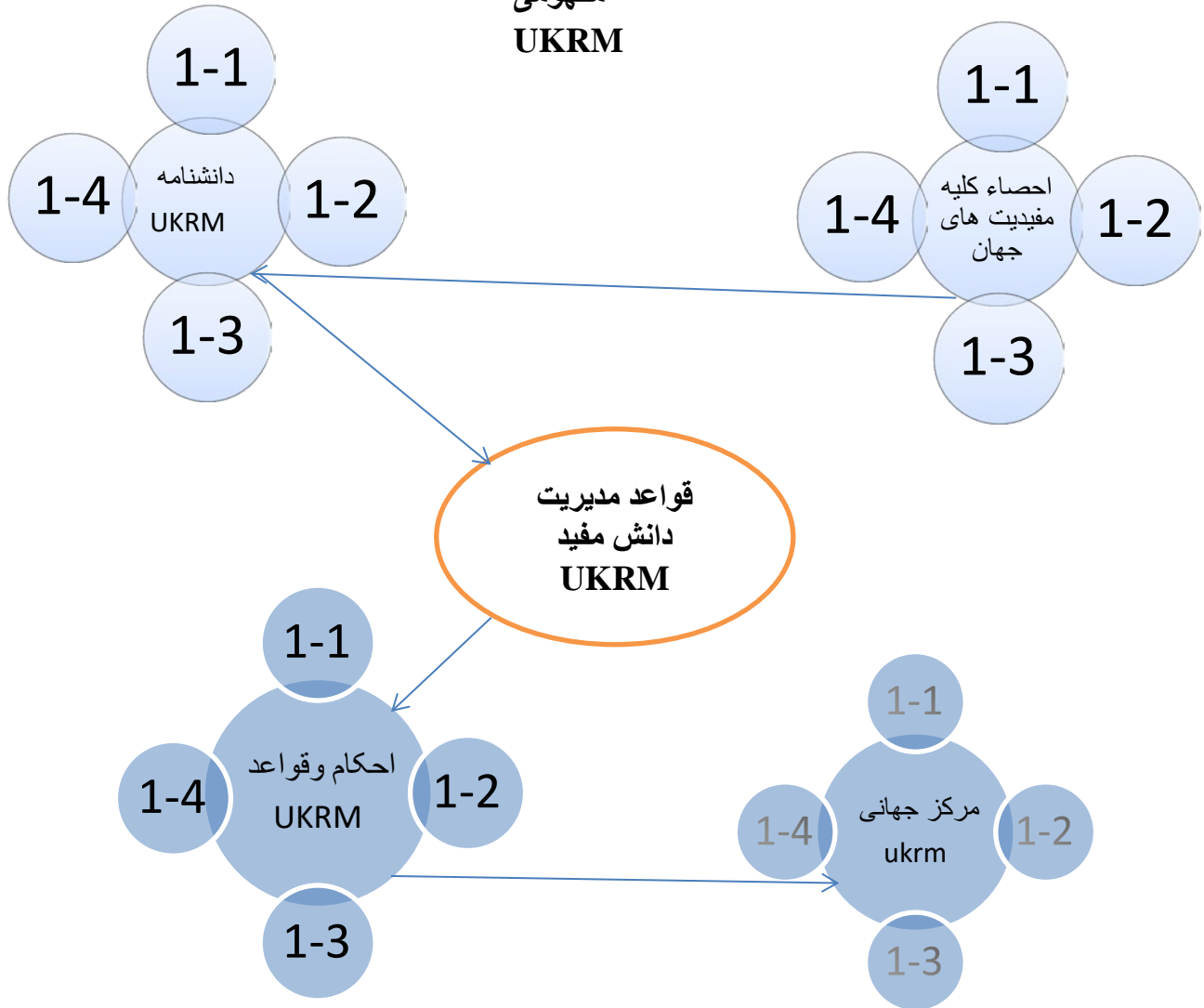


توضیحات:

1. دانشنامه آزاد ویکی پدیا به دانش نامه دانش مفید و کلیه شمول فوق وصل میشود

2. طرح مفهومی [ukrm.com](http://ukrm.com) از حکمت و فلسفه استعلائی تا روش ها و قواعد مدیریت دانش مفید
3. کلیه جداول 20 گانه دانش مفید و پایگاه داده ها در اکسل و سخنان حکیمانه
4. کلیه مقالات 300 مورد و رساله ها بیش از 150 مورد
5. کلیه لوح های فشرده برای آموزش و تدریس بصورت PDF و آنالیز ها و داده و غیره بالغ بر 1000 مورد
6. کتب ، الواح تقدیر ، احکام ، مسئولیت ها ، سخنرانی ها بیش از 200 مورد
7. کارنامه ابداع کننده و مدارک آن در وب سایت [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) با 1500 اثر مدیریتی و آموزش
8. مدارک پشتیبانی کننده در هارد اکسترنال حدود یک ترابایت
9. مدارک تلخیص شده از مدارک پشتیبان در نوشته های تحریر شده حدود 600 هزار صفحه

فلوچارت 2)  
مفهومی  
UKRM



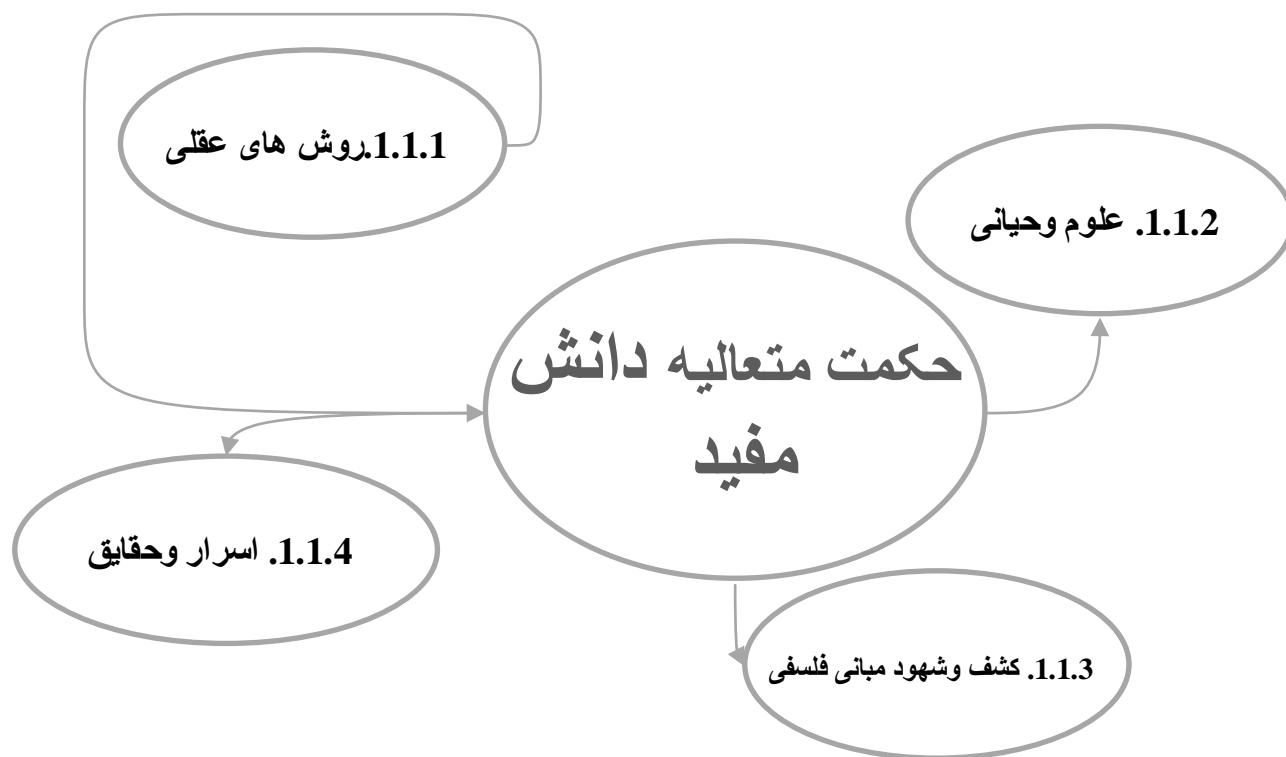
شمول دانشنامه قواعد مدیریت دانش مفید

1-1. حکمت متعالیه دانش مفید

1-2. ضرورت های فلسفی حقیقت یاب

1-3. سلب و ایجاب و طرد علوم و فنون باطل

1-4. آموزه ها و ثلاث آنها



شکل سوم

1.1.1 حکمت متعالیه ( Transcendent wisdom )

1.1.1.1 روش های عقلی ( rational methods )

1.1.1.2 علوم وحیانی ( Revelation methods )

1.1.1.3 کشف وشهود مبانی فلسفی ( Discovering and understanding the philosophical foundations )

1.1.1.4 اسرار وحقایق ( Secrets and truths )

1.2 ضرورت ها فلسفی وحقیقت یاب ( Philosophical and Truth Finding Needs )

1.2.1 مواد ثلاث موجّهات ضرورت ( ضرورت، امکان، امتناع ) ( triangle materials )

1.2.2 ضرورت های ازلی ( everlasting necessitates )

1.2.3. ضرورت های ذاتی بالقیاس (inherent necessitates analogically)

1.2.3. ضرورت های بالغير (another's necessitates)

1.3. سلب وایجاب وطرده علوم وفنون باطل (Disclaimer and The rejection of false and false science and technologies)

1.3.1. سلب مطالبات نابحق (Disclaimer of unjustified claims)

1.3.2. ایجاب مطالبات بحق (Requirements of true demands)

1.3.3. رد علوم باطل (rejection of false sciences)

1.3.4. رد فنون باطل (rejection of false technologies)

1.4. آموزه ها وثلاثی های آن (doctrines and their triangles)

1.4.1. آموزه های قرآنی (the Quran's doctrines)

1.4.2. آموزه های ائمه اطهار (ع) (the doctrines of the Imams (peace of them))

1.4.3. آموزه های علوم اسلامی (the doctrines of Islamic sciences)

1.4.4. آموزه های متون مقدس وحکیمان جهان (the sainted contains and world's wises) (doctrines of

عناوین فوق تا مرحله پایگاه داده واستفاده از داده ها درسیستم های قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) به آدرس ایمیل [ukrm-mahmoud@outlook.com](mailto:ukrm-mahmoud@outlook.com) به جزئیات هدف دار شکسته (Break-down) میشود، در این مرحله متقاضی با توجه به عناوین فوق می تواند درخواست (RFP) خود را بشرح ذیل به این مشاور اعلام نموده وپروپوزال دریافت نماید:

بسمه تعالی

دستور العمل وفرم درخواست پروپوزال (A request for proposal (RFP))

1. کارفرما و متقاضی برای دریافت هرگونه پیشنهاد پیمانکاری و یا مشاوره برای انجام یک پروژه مورد درخواست ؛ این فرم را تکمیل کرده مستقیماً و یا بصورت مناقصه (tenders) محدود یا نامحدود برای موسسات حقوقی و یا اشخاص حقیقی (متخصص یا محقق) ارسال میکند
2. گیرنده این درخواست، پیشنهاد ( پروپوزال) لازم را با قرارداد و شرایط لازم تهیه و برای درخواست کننده ارسال میکند ، این پیشنهاد مجانی است
3. چنانکه متقاضی برای تکمیل RFP آمادگی نداشت ، مشاور منتخب کارفرما در یک روز مورد توافق و حدود 8 ساعت کاری ، در طی یک کنفرانس در محل کاری کارفرما به گروه کار تهیه RFP آموزش لازم را ارائه داده و پس از این دوره کوتاه آموزشی ، گروه کار آموزش دیده ، این درخواست را تکمیل و برای پیمانکار یا مشاور ارسال میدارد
4. درخواست دهنده برای خواسته های خود ، شرح مختصری در فرم مربوطه ابراز کرده و پاسخ های قانع کننده ای را از تهیه کننده پیشنهاد انتظار دارد
5. بدیهی است هنگامی که کارفرما از پیشنهاد ارسالی توسط پیشنهاد دهنده قانع گردیده ، از وی دعوت به عمل آورده و ضمن یک مذاکره فنی و اصلاح مواردی که احیاناً نیاز برای تکمیل قرارداد فی مابین دارد ، قرارداد موافق شده برای شروع مفاد پیشنهاد تائید شده طبق زمانبندی و شرایط ، به امضاء طرفین میرسد.
6. پیش دهنده در صورت لزوم ، ضمانتی را با پیشنهاد برای کارفرما ارسال میدارد
7. کارفرما نام خود ، موسسه ، اساسنامه ، اطلاعات و مدارکی که لازم میداند به مشاور اعلام میدارد
8. کارفرما طی یک نامه رسمی ، RFP درخواستی خود را به مشاور ارسال میکند
9. کارفرما می تواند از طریق سیستم دیجیتالی موسسه خود ، RFP خود را در قالب یک تمپلیت ( template ) به مشاور ارسال و از وی بخواهد که این فرم دیجیتالی را تکمیل و ارسال نماید
10. درخواست و پیشنهاد باید متضمن مدارکی از طرفین باشد که کیفیت و کمیت لازم را دربر داشته باشد ( Request for Qualification document for the Project's RFD )
11. جدول زیر بطور تفصیلی از دیدگاه های مورد نظر کارفرما و شمول مربوط به آینده نگری ، موضوع بازار ، اکوسیستم پروژه اجرایی ، مالی و اقتصادی ، نیروی انسانی ، و سایر شمولی که مورد تاکید و انتظار کارفرما است تکمیل میشود
12. کارفرما مختار است ، جدول مورد نظر را شخصاً طراحی کرده و آنرا تکمیل و ارائه نماید
13. اقدامات مورد انتظار کارفرما در مقابل هر شمول درخواستی قید و بطور خلاصه بیان شود این شمول از نظر تعداد قابل کاستن و یا افزودن است

تهیه و تنظیم از محمود صناعی پور

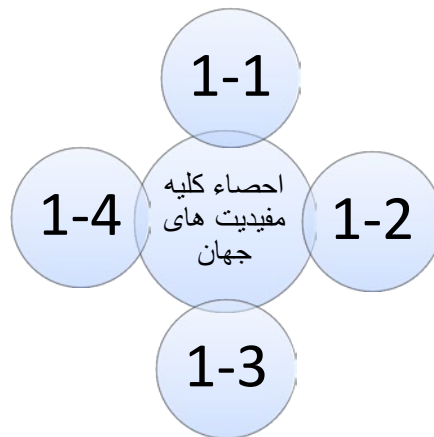
**فرم RFP برای پروژه .....**



ردیف	عنوان درخواست و پرسش	شمول پروپوزال درخواستی	چه اقدامی توسط مشاور باید انجام شود	ملاحظات
1				
2				
3				
4				
5				
6				
7				
8				
9				
10				
11				
12				
13				
14				
15				
16				
17				
18				
19				
20				

مشخصات کارفرما و امضاً

## شکل زیر چهارم



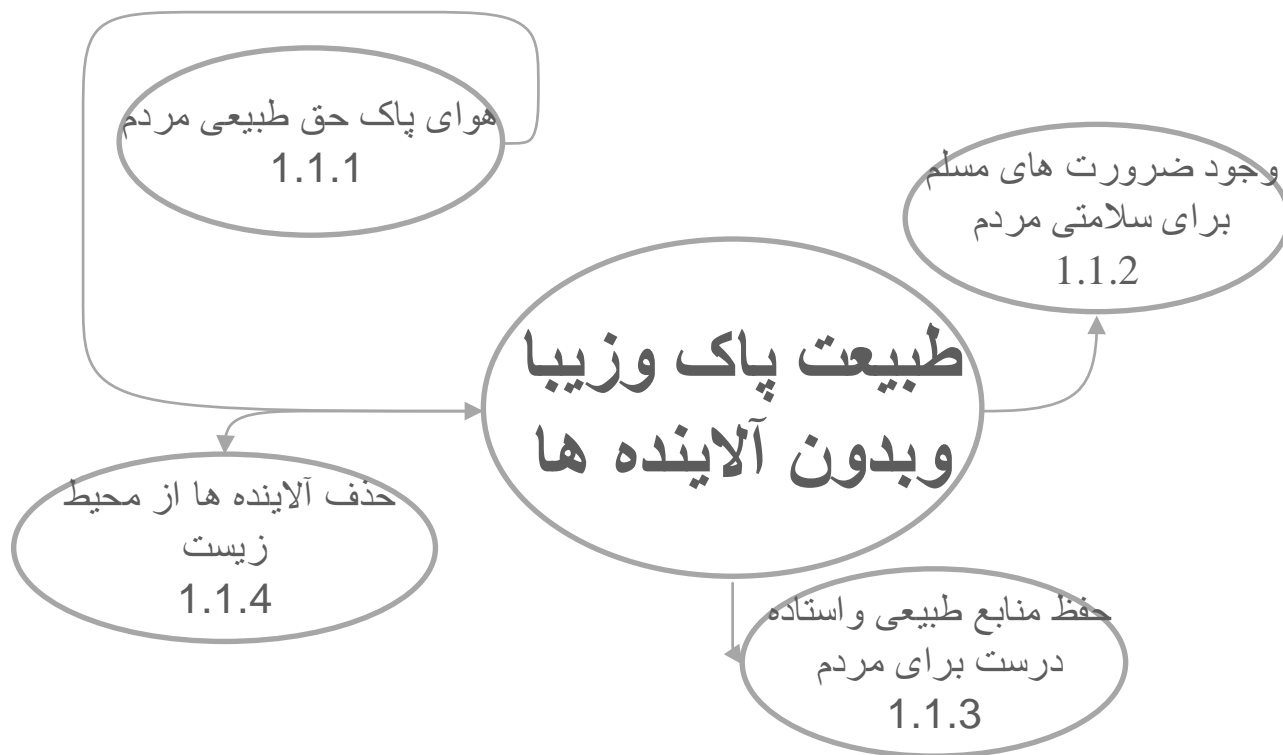
طبیعت پاک و زیبا و وبدون آلاینده ها

( .1.1Beautiful and Clean nature and without pollutants)

( .1.2and allal malnutrition Useful ) (تغذیه مفید وحلال)

( .1.3The security and welfare of the people in the world( امنیت ورفاه مردم جهان )

( .1.4 دانش مفید برای مردم جهان (useful knowledge for world's people)



**1.1. طبیعت پاک و زیبا وبدون آلاینده ها ( Beautiful and Clean nature and without pollutants)**

**1.1.1. هوای پاک حق طبیعی مردم ( Clean air is the natural right of the people )**

**1.1.2. ایجاد ضرورت های مسلم برای سلامتی مردم (create certainty necessities for health)**

**1.1.3. حفظ منابع طبیعی و استفاده درست برای مردم ( conservation and correct using for people )**

**1.1.4. حذف آلاینده از محیط زیست ( Remove pollutants from the environment )**

**1.2. تغذیه مفید وحلال ( Useful malnutrition and allal )**

**1.2.1. غذا از نظر اسلام ( Food for Islam )**

1.2.2. نقش غذا در سلامتی انسان ( The Role of Food in Human Health )

1.2.3. استاندارد های غذای حلال ( the standards of allal food )

1.2.4. تغذیه مناسب از نظر پزشکی ( the suitable nutrition from medical view )

1.3. امنیت و رفاه مردم جهان ( The security and welfare of the people in the world )

1.3.1. شاخص های رفاه جهانی ( the indices of world's welfare )

1.3.2. شاخص های امنیت جهانی ( the indices of world's security )

1.3.3. حذف محرومیت از مردم جهان ( Eliminate the deprivation of the people of the world )

1.3.4. صلح و امنیت جهانی ( global security and peace )

1.4. دانش مفید برای مردم جهان ( useful knowledge for world's people )

1.4.1. استاندارد های دانش مفید ( the standards in UKRM )

1.4.2. یادگیری مادام العمر در اسلام ( longlife learning in Islam-LLL )

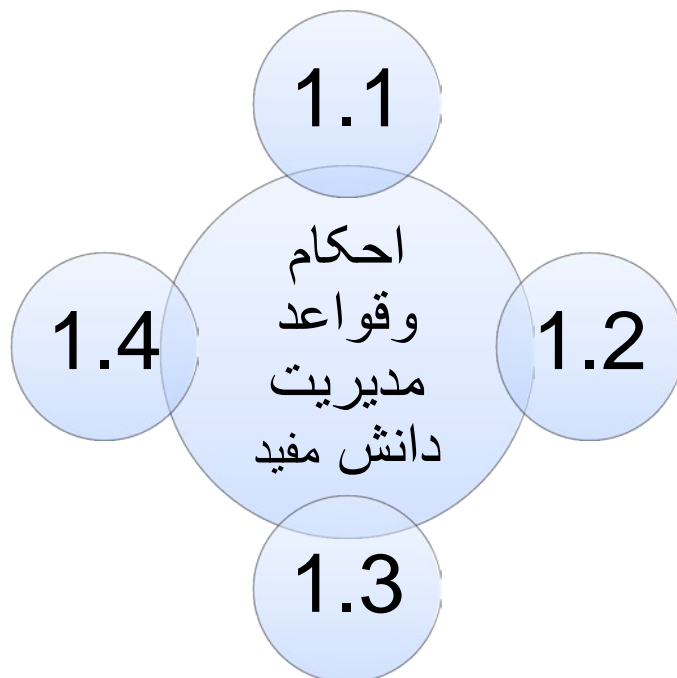
1.4.3. مهارت های مفید ( useful skills )

1.4.4. روش های نوین و مفید در یادگیری ( the new methods and useful in learning )

عناوین فوق تا مرحله پایگاه داده و استفاده از داده ها در سیستم های قواعد مدیریت دانش مفید ( UKRM ) به آدرس ایمیل [ukrm-mahmoud@outlook.com](mailto:ukrm-mahmoud@outlook.com) به جزئیات هدف دار شکسته (Break-down) میشود، در این مرحله متقاضی با توجه به عناوین فوق می تواند درخواست ( RFP ) خود را بشرح ذیل به این مشاور اعلام نموده و پروپوزال دریافت نماید:

ارسال RFP از سوی متقاضی

احکام و قواعد مدیریت دانش مفید



**1.1. زدودن آنچه مضر و حرام است**

**( Eliminate what is harmful)**

1.1.1. پاک سازی آثار شوم مال و لقمه حرام در کشور

( cleaning of Malicious works of property are forbidden in the country)

1.1.2. خودداری از خوردن مال دیگران و قوانین آن

(Avoiding others and their property and law)

1.1.3. جلوگیری از تضییع حقوق اجتماعی و اقتصادی کشور

( Preventing the deprivation of social and economic rights)

1.1.4. عدم پرورش و نگهداشت آنچه قرآن تحریم کرده است

(Lack of nourishment and maintenance whatever prohibit from Quran )

**1.2. لزوم به کارگیری مدیریت دانش مفید در همه ابعاد**

**(The need to apply of UKRM In all dimensions)**

1.2.1. اولویت بندی در چرخه مدیریت دانش مفید

(prioritizing in cycle of UKRM )

1.2.2. زیرساخت های مدیریت دانش مفید در مراکز آموزش متوسطه و عالی  
( Infrastructures of UKRM in centre of secondary schools and universities )

1.2.3. ضرورت پیاده سازی مدیریت دانش مفید در همه سازمان های دولتی و خصوصی  
(necessity of implementation UKRM in legal and private org.)

1.2.4. برخورداری تمامی مردم از منافع مدیریت دانش مفید  
(All people have from benefit of UKRM )

### **1.3. زیر ساخت های کلی مدیریت دانش مفید**

**(general infrastructure's UKRM )**

1.3.1. تعیین و طراحی مدل های زیر ساخت UKRM

(defining and designing infrastructure's models of UKRM )

1.3.2. مدل مقیاسات و سنجش زیر ساخت ها

(Infrastructure Scale Modeling and Measurement)

1.3.3. اتخاذ رویکرد پروژه ای مدیریت دانش مفید

( Adopting a project approach of UKRM)

1.3.4. طرح استقرار مدیریت دانش مفید در کشور

(Deployment plan of UKRM)

### **1.4. شاخص ها و استانداردهای مدیریت دانش مفید**

**(indices and standards of UKRM )**

1.4.1. تعیین شاخص های کیفی و کمی

(defining of quality and quantity indices )

1.4.2. تعیین استاندارد های معنوی UKRM بر اساس قرآن کریم

( defining of spiritual standards basis on Quran)

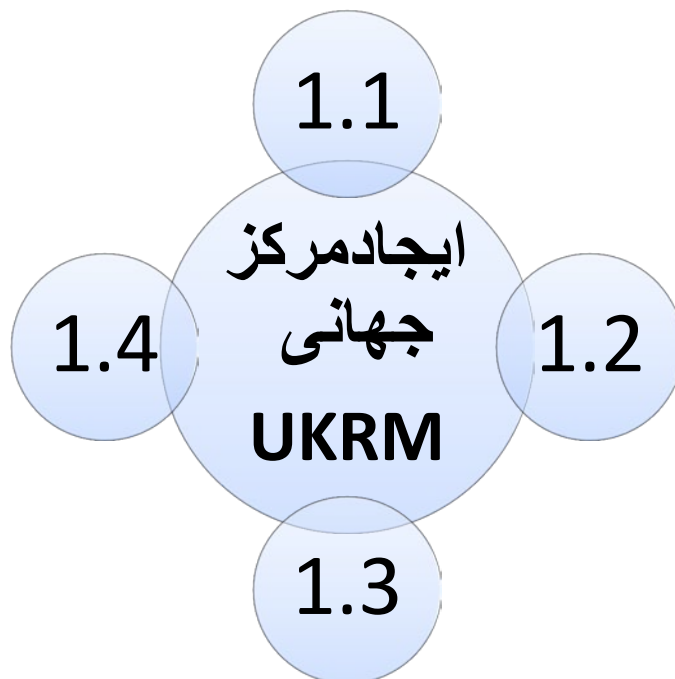
1.4.3. وضع قوانین و مقررات وفق شاخص ها

(Adoption of laws and regulations according to indices)

1.4.4. ایجاد دستگاه فراگیر نظارتی مدیریت دانش مفید



(Creation of a comprehensive surveillance device of UKRM)



**1.1. ایجاد یک مرکز جهانی مدیریت دانش مفید در ایران**

( creating a global centre of UKRM in Iran )

1.1.1. مستند سازی الگوهای اسلامی مدیریت دانش مفید

( documentation of Islamic patterns in UKRM )

1.1.2. پیاده سازی الگوها در سازمان های دولتی و خصوصی

( Implementation patterns in legal and private sectors )

1.1.3. صدور الگوها به کشورهای اسلامی و متقاضی ( )

1.1.4. اشاعه این دانش مدیریتی در جهان ( )

**1.2. ایجاد یک رشته مدیریت دانش مفید در دانشگاه ها**

( creation of a discipline ABOUT in UKRM universities )

1.2.1. تعیین دورس دبیرستانی و سطح عالی

(Determining the high school course Excellent level and )

1.2.2. تربیت دبیران و اساتید آموزش مدیریت دانش مفید

(the task of training new teachers of UKRM )

1.2.3. ارائه الگوی توسعه شبکه های پروژه ای مدیریت دانش مفید

( presentation of development pattern about projects networks of UKRM )

1.2.4. ایجاد آموزش های رایگان UKRM به کشور های دیگر

( creation of free studies about UKRM in others countries )

1.3. ایجاد پلتفرم های تبلیغ و اشاعه مدیریت دانش مفید

( creation of advertising platform about UKRM )

1.3.1. طراحی سیستم های یادگیری مدیریت دانش مفید

( designing of learning sys about UKRM )

1.3.2. آموزش تولید محتوا برای شبکه های اجتماعی داخلی و خارجی

( training Content creation for internal and external social networks )

1.3.3. برند سازی در پروژه ای

(branding of UKRM, s projects)

1.3.4. توسعه پلتفرم های مدیریت دانش مفید برای آموزش آنلاین

( developing of platforms UKRM for tearing )

1.4. اضافه کردن این الگو در الگوهای اسلامی ایران

( added this pattern into Islamic Iran's patterns)

1.4.1. اضافه شدن این الگو در گام دوم انقلاب

(added this pattern into revolution second step )

1.4.2. فعال کردن مراکز حوزوی و دانشگاهی در مدل سازی

( activated the centers of religious and university about modeling )

1.4.3. تعیین شاخص ها و استانداردها های این الگو

( defining of indices and standards about this pattern )

1.4.4. دانش بیان کردن کسب و کار های مردم با این الگو

( Express knowledge of people, businesses about this pattern)

**ضمیمه شماره یک طرح پلتفرم مفهومی مدیریت دانش مفید**

The appendix NO.1 about conceptual design platform of UKRM

**ضمیمه شماره دو طرح پلتفرم مفهومی مدیریت دانش مفید**

The appendix NO.2 about conceptual design platform of UKRM

**ضمیمه شماره سه طرح پلتفرم مفهومی مدیریت دانش مفید**

The appendix NO.3 about conceptual platform design of UKRM

عناوین فوق تا مرحله پایگاه داده و استفاده از داده ها در سیستم های قواعد مدیریت دانش مفید ( UKRM )  
به آدرس ایمیل [ukrm-mahmoud@outlook.com](mailto:ukrm-mahmoud@outlook.com) به جزئیات هدف دار شکسته (Break-down)  
میشود، در این مرحله متقاضی با توجه به عناوین فوق می تواند درخواست ( RFP ) خود را بشرح ذیل  
به این مشاور اعلام نموده و پروپوزال دریافت نماید

رزومه خلاصه این مبدع و کارنامه مفصل در وب سایت شخصی ایشان

*In the name of Allah, the beneficent the merciful*

**Part 1: My Curriculum Vitae (C.V.) resume (summary)**

**Part 2: Entrepreneur and interdisciplinary experts and Long-Life-Learning (LLL), learned man**



Tell: + 98-21-9121195673(Iran- Tehran)

Tell: +98-21-9351195673(Iran- Tehran)

Tell: +98-21-22098737

[www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com)

[info@elmemofid.com](mailto:info@elmemofid.com)

[mahmoudsaneipour@gmail.com](mailto:mahmoudsaneipour@gmail.com)

[saneipour\\_m@yahoo.com](mailto:saneipour_m@yahoo.com)

[The member of council, member of board and chief of economic commission of salaam global foundation](#)

Entrepreneur & Interdisciplinary Expert & very learned man, Long-Life-Learning (LLL), learned man

1. Education: Universities, Liberated studying, deep Researching, Training, Teaching, performance and Experiences:

1.1. Entrepreneur and Long-life learning (LLL) (More than 12000 book and other documents on a scale of two terabytes including: philosophy, compilation of doctrine, Literature, Engineering. Technology transfer, Entrepreneurship, Land use planning, tourism, Strategy like:(optimizing of industrial city , home job , Managerial courses, Economic Working, Managing Many big Projects, designing many Clusterial Organizations and Establishment, Histories, Political Working, Financing and modeling, all breakdown models and so on.

- 1.2. Expert in useful knowledge management(UKRM), with more than 5000 rules for solution of managerial and leadership problems
- 1.3. the Interpreter in data mining
- 1.4. Master in business administration (MBA) (1990( & post MBA/ Dr.
- 1.5. MS in Industrial Engineering,
- 1.6. Bachelor in Mechanic Engineering, Elmo Sanat University
- 1.7. strategic management courses
- 1.8. 35 years' background at industrial consultations, Standard & Technology
- 1.9. 30 years' experimental background in strategic planning for industrial big companies & state Organizations and countrywide
- 1.10. Having ability at CDA (Clusterial Development Agent) plans.
- 1.11. Head of economic commission of Salaam foundation and many members of Scientifics boards
- 1.12. 1850 useful effective activates in his report carts in website , [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com)
- 1.13. 3000 challenges in the world , in the 1000 triangles ,s rules
- 1.14. 3000 speeches from sages , in the 1000 triangles ,s rules
- 1.15. Philosophy of new managerial management
- 1.16. Useful knowledge rules model(UKRM Model)

## 2. Scientific and Research Background:

- 1-2- Teaching in Tehran University in the field of strategic planning, General Contractors and Industrial Clusters, Business Planning, Supply Chain Management, Technology and Marketing
- 2-2- Member of Scientific Steering Commission of I.R.I Vision 2025
- 3-2- Head of Science & Technology Committee of I.R.I Vision 2025
- 4-2- Head of Bousher Azad University (in the past)
- 5-2- Head of Economic Affaire Faculty
- 6-2- Industrial Factory Planner and Consultant

- 7-2- Member of different Research Committees and Commissions
- 8-2- Different Articles in the fields of Strategic Planning
- 9-2- Member of vision Plan board of Iran 2025
- 10-2- Member of board of Control of Religions Culture Development Studies
- 11-2- Member of Iran Mechanic Association
- 12-2- Member of Iranian Construction Engineering Organization
- 13-2- Member of Islamic and Economic Development Association
- 14-2-member of board of strategy of Tehran 2025
- 15-2-member of country's mind & health room Political position:

### 3- Political & strategic occupations:

- 1-3-Customs President of Islamic Republic of Iran – Vice Economic Minister (nationwide)
- 2-3-Governor of Tehran State (1981-83) استاندار اسبق استان تهران
- 3-3-Deputy of Housing and Urban Development Minister (1983-84) معاون وزیر مسکن و شهرسازی
- 4-3-Vice of General - Secretary of Official and employment affairs معاون دبیر کل استخدامی و اداری کشور
- 5-3-Member of I.R.I Governors Society and member of planning & economic Commission of Governor Society and member of 1404
- 6-3-general chief of Iran's customs and vice of economic minister رئیس کل گمرک ایران

### 4- Expertise:



- 1-4-Expert of Standard institute (1991)-Certificate-
- 2-4- Expert Control and Technical Inspector, National Iranian Oil Company  
. (1993)- Certificate
- 3-4- Expert of Construction and Urban Installation (grade 1). (1986)-  
Certificate
- 4-4-International Standard Expert of ISO-9001
- 5-4- Strategic management & Planning expert
- 6-4 - expert at marketing research.
- 7-4- Professional in Organizational Technology Transfer, EPCM+ F and  
Technology
- 8-4- Professional in Supply Chain Management (SCM)
- 9-4- Professional in General Contractor (GC- EPCM+F) & spin –off
- 10-4-organizing expert & & establishing small, medium &big holding  
Companies & making new jobs.
- 11-4- expert for financing affairs (please refer the file is attached- 160  
MODELS) + F
- 12-4- expert for TIP (theory into practice) related many religion & human  
sciences.
- 13-4- expert for usefulness science (refer to [www.elmemofid.com](http://www.elmemofid.com) )

Articles, strategies plan and literary works: more than 300 titles in  
website

5. Researches about above mentioned: more than 6000 titles about  
several subjects in many scientific fields
6. Consulting: more than 150 subjects

7. Designing: more than 50 subjects
8. Lectures: more than 1850 titles in 1000.000 pages of contents
9. More than 300.000 pages writtens
10. Expert in useful knowledge management(UKRM), with more than 5000rules , 1000 key words for many problems

## Part 2: Entrepreneur and interdisciplinary experts and Long-Life-Learning (LLL)

Includes: titles of skill as table one شامل مهارت های محمود صناعی پور

And become familiar whit him summarily

Table one: the marked star in the table is writhed under the table

کلیه طراحی ها ، مدل سازی های ، پیش بینی ها برای اساس تحقیق است و تکیه بر محفوظات ، کلی گویی ، اندرزگویی و نظیر اینها بکار نمی ورد و براساس قواعد و تکنیک های علم مفید تجزیه و تحلیل انجام میگردد، چون تغییرات مربوط به همه علوم است ، و با هم گرانی و همبستگی دارد و تفسیر و تجزیه و تحلیل های این همبستگی در مبانی اعتقادی و اخلاق نیز اثر داشته و به احکام جزئی نیاز دارد

**All designs are research based and not be it so preservations, general one would say, advice saying .and so on for using in design and will be done analysis on based of rules and technics of usefulness science, because every changing Regarding all sciences, sciences have convergence and continuity together and interpret and analysis of this convergence is Effective into Foundations of Making believe an ethics and they need to partial commandments**

Row	title of skill	Be accomplished	Documents and dates
1	General Management مدیریت عمومی	Governor of Tehran state ,deputy of housing minister ,president of Iran's costums, +10	According the exist commandments , from 1973to now ,In my resume

2	COMFAR III (software for feasible studying) توجیه اقتصادی- فنی طرح ها با کامفار 3	For many projects those have done	High way , agricultural and silicon from 1906 to 2005-6 volumes
3	Strategy of strategies and creating a new approach for codifying strategy in according of current- conformity rule	SWOT of Iran and Strategy of strategies	One book of strategic analyze of Iran and an article of Strategy of strategies for SPS group
4	Skill of lecture توانائی در سخنرانی	More than 50 basis lectures about social, managerial, technology, economic approaches and so on.	From 1975 to now in national conferences refer to usefulness science website <a href="http://www.elmemofid.com">www.elmemofid.com</a>
5	Leadership of big projects and medialization رهبری پروژه های بزرگ ومدال سازی آنها	Teaching and doing including of BJ* industries+ CDA* projects	Over the Iran And from 1979 to 2007 Documents: 62 volumes and 120 chasseurs(sonneckens) files
6	Researcher محقق	All life time reader and researcher (LLL)*	More than 12000 books From child(6 years) to now
7	Teaching By معلمی of approach usefulness science	Reading and teaching as basic works (LLL)* (everyone is as this , never get old ,and world- wide becomes	In school, high school ,universities , in organizations , camping in The lands and everywhere was possible,

		the university for him )	from children to now
8	Modeling of Strategy planning طرح ریزی استراتژی	In TZI*, AAP*, WP*, PKH*,AVSH*, KHFARS*, ETKA* , DCC* and ABY*and big agriculture	From 1989 to 2012 and all its documents
9	Planning of Customer services طرح خدمات مشتری	ETKA, consumers chain stores in army , teaching in university and many organizations	From 1985 to 1992 Many PowerPoint CD
10	Market research by Modeling تحقیق در بازار از طریق مدل سازی	For medical adhesive plasters , white cement(the second plan in Iran ), and more than 10 other plan	From 1991to now About 15 zonecans
11	Public speaker سخنگوی عمومی	Many lectures or discussions when I was governmental responsible	From 1975 to 2008
12	Business analysis آنالیز کسب وکار	For all the rows No.8,9 and 10	From 1989 to now
13	Public affairs امور عمومی	Like voluntaries and participation about this matters	Always
14	Budgeting بودجه بندی	about row no. 12	Row no. 12
15	Negotiation skill	In technology transfer and making contracts	Always

	مذاکره		
16	Studding and researching in plan 1404 عضو هیئت علمی ایران 1404	When I was member on Iran plan 1404 (2020)	From 1994 to 2013 Documents 40 books
17	management of college and university مدیریت دانشکده	Head of economy college of economy ministry and Azad university of Bushehr state	In 1984 and 1986
18	Solution banking conflict رفع مشکلات بانکی	Studding in MT101-999 in modern banking rules and 160 models of dealing	Refer to <a href="http://www.elmemofid.com">www.elmemofid.com</a>
19	Removing conflicts of Organisation رفع مشکلات سازمانی	From all mentioned in row no. 8	The row no. 8
20	Expert in many TIP خبره در مسائل دینی و انسانی	Expert for TIP (theory into practice) related many religion & human sciences.	always
21	Planning of Islamic systems طرح ریزی در نظام های اسلامی	Searching and designing systems	From 1995 to 1997 Documents 30 books

22	Semiology expert خبره نشانه شناسی	In Nass biology and another writing in this matter	5 articles From 2012-2016
23	Science and Technology تکنولوژی Modeling	When I was the head of science and technology committee of tashkis maslahat Nezam and present many idea and projects	From 1994 to now
24	New business development توسعه کسب و کار	More than 500 ideas existence about this matter	Always
25	Management economic affairs مدیریت اقتصادی Modeling	Head of economic commission of Salaam foundation and many members of Scientifics boards	From 2015 to now
26	Expert in usefulness knowledge خبره در دانش مفید	Refer to usefulness website	<a href="http://www.elmemofid.com">www.elmemofid.com</a> <a href="http://www.google.com">www.google.com</a>
27	(GC- EPCM+F) مدرس پیمانکاری عمومی	Professional in General Contractor (GC- EPCM+F) & spin -off	From 1994 to now
28	Jokist & poet	As hobbies amusement	
29	Standard (master ) expert کارشناس	35 years' background at industrial consultations,	From 1984 to now And chief of standard

	ارشد استاندارد Modeling	Standard & Technology	institute of salaam global bonyad
30	Forecasting	According "current and conformity"	Expending in history ( many articles)
31	Oil inspection کارشناس نفت	Expert Control and Technical Inspector, National Iranian Oil Company .(1993)- Certificate	1993 to 2003
32	Planning by cumulating causality کارشناس علیت تراکمی	Interpreter in data mining, Member of Scientific Steering Commission of I.R.I Vision 2020	From 1994 to now
33	ReflectionIn Quran and religions	Writing many article about this matter	<a href="http://www.elmemofid.com">www.elmemofid.com</a>
34	West Gourmet	Writing many article about this matter	<a href="http://www.elmemofid.com">www.elmemofid.com</a> <a href="http://www.linkedin.com">www.linkedin.com</a>
35	Hosing Planning	Expert of Construction and Urban Installation (grade 1). (1986)- Certificate	From 1986 to now
36	Industrial management مدیریت صنعتی	Member of different Research Committees and Commissions	From 1977 to now



37	Professional In holding design مدرس هلدینگ کمپانی modeling	Organizing expert & establishing small, medium & big holding Companies & making new jobs.	Always
38	Having ability at CDA (Clusterial Development Agent) plans مدرس خوشه صنعتی	Rows no. 3,5,7,8,11,13,10,19and 20	always
39	LLL(Long-Life-Learning)	See row no. 7	Always
40	TOTAL جمع بندی	.....closures files and ...volumes books ( non-published ) and 2published books ,....articles ,... lectures	66years old and near 400,000 hours persevering works, 193 books , 270 chasseurs files, 550 researches , 60 consulting , 45 designs ,130 lectures and 300 articles

1. BJ=Bonyad Mostazafan and Bonyad Janbazan about teaching +scientific research in the BJ,s central research ( spatial in composite polymers) , leading of groups in mines , industrial mines , industrial polymers and industrial wood and craft of papers .
2. CDA= cluster development agencies + teaching this course as GC+ holding company + clusters + economic locomotives + EPC-F on economy collage of Tehran university and having many big projects like silicon , solar energy and developing of cities and its document about 120 closures files .

3. LLL= Life-Long-Learning in Long-life learning (LLL), (More than 12000 books, Including: philosophy, Literature, Engineering. Technology transfer, Entrepreneurship, tourism, Strategy, Managerial courses, Economic Working, Managing Many big Projects, designing many Clusterial Organizations and Establishment, Histories, Political Working, Divine religions, Financing and.....and Many Scientific Trips (Internal and External) and so on.
4. TZI= tractor sazi Iran- located in Tabriz = complex of 10 big factories in Iran for planning strategy about increasing production and developing their industries , technology transfer , proofing 40 items of managerial affairs in during 5 years part time by establish professional groups and team- work study, its documents 20 books and more than 30 chasseurs files .
5. AAP= Azar abb in producing several big electrical powers in Iran is established as big complex machine factories in irak( located in industrial zone) , was taking necessary actions like TZI , its documents 18 books and more than 25 chasseurs files.
6. WP= Vagon Pars = located on industrial zone irak city for producing locomotives and rail wagon , like TZI , its documents 22 books and more than 25 chasseurs files.
7. PKH= pars Khodro(the branch of GM in Iran ) , strategy for transferring technology Citroen automobile from France to Iran, its documents 2 books and 5 chasseurs files.
8. AVSH= producing middle ship in Iran located in Persian gulf site( on-shore) , its documents 12 books and 15 chasseurs files.
9. KHFARS= the biggest complex factories for building big ship and LNG, oil platform in Persian gulf( offshore and onshore ) , like TZI , its documents 20 books and 30 chasseurs files.

10. ETKA= ETKA is the biggest chain store in Iran , like TZI , its documents 20 books and 35 chasseurs files.
11. DCC= the big complex factories located in many cities in Iran and its headquarters is Zanjan city by huge Zinc mine , like TZI, its documents 15 books and 18 chasseurs files.
12. ABY= the factory for producing pipes in irrigation and industrial farms , is located in Isfahan city , like TZI, its documents 10 books and 15 chasseurs files.
13. The big strategic plan of Agriculture in size of 50,000 hectares in Varamin land is still an important part of the nation's economy, its documents 3 books and 10 chasseurs files.